



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق الرحیم

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

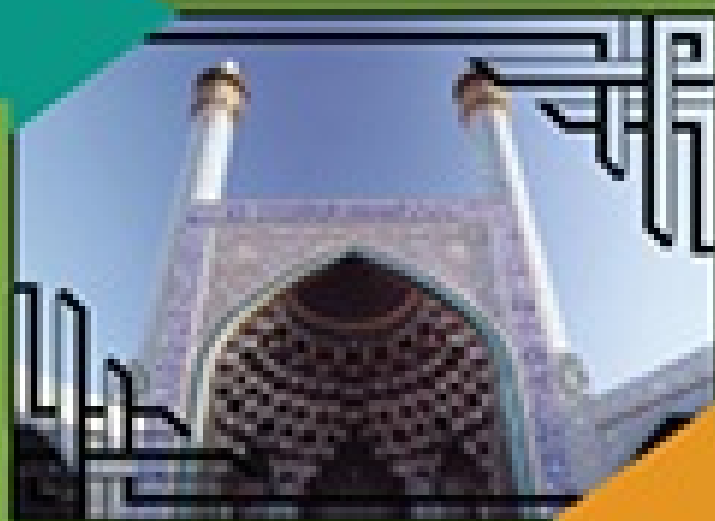
.org

.net

.ir

آثار تربیتی نماز

راههای ایجاد گرایش به نماز در جوانان



سید محمد زکی فولاد حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار تربیتی نماز (راه های ایجاد گرایش به نماز در جوانان)

نویسنده:

محمد زکی دوغان (حسینی)

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	آثار تربیتی نماز (راه های ایجاد گرایش به نماز در جوانان)
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	تقدیم
۱۸	تقدیر و تشکر
۱۹	فهرست مطالب
۳۶	مقدمه
۴۰	فصل اول: شناخت شخصیت جوان
۴۰	مبحث اول: شخصیت
۴۰	گفتار اول: مفهوم شناسی
۴۰	الف. تعریف لغوی شخصیت
۴۱	ب. تعریف اصطلاحی شخصیت
۴۲	ج. شخصیت از دیدگاه متون اسلامی
۴۲	گفتار دوم: ویژگی های شخصیت
۴۲	اشاره
۴۳	الف. شخصیت هر فرد بیان گر اختصاصات و اشتراکات اوست
۴۳	ب. شخصیت شامل جنبه های تغییر پذیر می شود
۴۳	ج. شخصیت هر فرد از دیگری متمایز است
۴۵	گفتار سوم: عوامل مؤثر بر شخصیت
۴۵	اشاره
۴۵	الف. اسلام و وراثت
۴۶	ب. اثر عوامل محیطی بر شخصیت
۴۸	ج. مدرسه

۴۹ د. محیط اجتماعی
۴۹ مبحث دوم: جوان
۴۹ گفتار اول: مفهوم شناسی
۴۹ اشاره
۵۰ جوان در منابع دینی
۵۲ گفتار دوم: ویژگی های دوره جوانی
۵۲ اشاره
۵۳ ۱. بلوغ
۵۴ ۲. اهمیت دوران بلوغ
۵۴ ۳. ویژگی های بلوغ
۵۴ اشاره
۵۵ ۳-۱. بلوغ یک دوره فراگیر است
۵۵ ۳-۲. بلوغ یک دوره کوتاه است
۵۶ ۳-۳. مراحل بلوغ
۵۶ ۳-۴. بلوغ، دوره تغییر و رشد سریع
۵۶ ۳-۵. بلوغ یک مرحله منفی گرایی است
۵۸ ۳-۶. بلوغ در سنین متغیری واقع می شود
۵۸ ۴. دوره تغییر
۵۹ ۵. دوره انتقالی
۵۹ ۶. سن مسئله آفرین
۶۰ ۷. بهترین دوره برای تربیت و هدایت انسان
۶۰ ۸. دوره هویت جویی
۶۱ ۹. دوره علاقه مندی به مذهب
۶۲ ۱۰. اثرپذیری
۶۳ گفتار سوم: عوامل مؤثر بر شخصیت جوان
۶۳ اشاره

۶۳	الف. خانواده (پدر و مادر)
۶۳	اشاره
۶۳	۱. پدر
۶۴	۲. مادر
۶۵	ب. مربیان و معلمان
۶۶	ج. نقش دوستان
۶۷	د. محیط اجتماعی
۶۸	ه. برنامه های تربیتی
۷۱	فصل دوم: تأثیر نماز بر شخصیت جوانان
۷۱	مبحث اول: طهارت
۷۱	اشاره
۷۱	گفتار اول: مفهوم شناسی
۷۱	الف. مفهوم لغوی
۷۲	ب. اصطلاحی
۷۲	گفتار دوم: فلسفه وضو
۷۲	الف. طهارت و پاکیزگی جسمی و روحی
۷۴	ب. فراوانی رزق و روزی
۷۵	ج. بازدارندگی از جرایم
۷۵	د. رفع آلودگی ها
۷۶	ه. سلامتی و تندرستی بدن
۷۷	و. شادابی و نشاط جسمی و روحی
۷۸	ج. پیش گیری از امراض
۷۹	ت. سلامتی روانی
۸۰	ی. آثار معنوی و اخروی وضو
۸۱	مبحث دوم: آثار نماز
۸۱	گفتار اول: تأثیر نماز در بعد شخصیت روحی و معنوی جوان

- الف. آثار وضعی ۸۱
- ب. آرامش روانی ۸۲
- گفتار دوم: ایجاد تنفر از بدی ها در جوان ۸۵
- الف. ایجاد نفرت از گناهان ۸۵
- ب. بازدارنده از گناهان ۸۶
- گفتار سوم: رهایی از دام شیطان ۸۸
- اشاره ۸۸
- الف. حسادت شیطان به نماز جوان ۸۹
- ب. ایجاد موانع در عبادت ۸۹
- ج. خشمناکی شیطان از عبادت ۹۱
- د. نماز جماعت، رهایی از دام شیطان ۹۱
- ه. نماز و طرد شیطان ۹۲
- و. نماز عامل شکست شیطان ۹۲
- مبحث سوم: نماز شاخص اعمال ۹۳
- گفتار اول: تأثیر نماز در کیفیت بخشی به اعمال ۹۳
- اشاره ۹۳
- الف. نماز معیار ارزش یابی و محاسبه اعمال ۹۳
- ب. نماز تقویت کننده اخلاص و تقوی ۹۴
- ج. تقوا، فراهم سازی قبولی اعمال است ۹۵
- د. پاداش نماز گزار ۹۶
- گفتار دوم: نماز و گناهان ۹۷
- الف. ریزش گناهان ۹۷
- ب. نماز و کفاره گناهان ۹۹
- گفتار سوم: نماز و سعادت مندی ۱۰۱
- الف. سعادت مندی ۱۰۱
- ب. نماز و تکامل معنوی ۱۰۲

- ج. دست یابی به مقامات معنوی ۱۰۳
- د. تأمین نیازهای روحی جوانان ۱۰۳
- ه. نماز و خودسازی ۱۰۴
- و. نماز و نورانیت خانه ۱۰۵
- ز. نماز و رهایی از سختی ۱۰۶
- ح. برطرف شدن غم و اندوه ۱۰۶
- ط. نماز و دریافت فیض الهی ۱۰۷
- گفتار چهارم: نماز و زندگی دنیوی ۱۰۸
- الف. رفع مشکلات مادی ۱۰۸
- ب. فراوانی رزق و روزی ۱۰۹
- ج. برآوردن نیازها ۱۱۰
- گفتار پنجم: نماز صبر و استقامت ۱۱۱
- الف. صبر در لغت ۱۱۱
- ب. صبر در روایت ۱۱۱
- ج. استعانت از نماز و صبر در مشکلات ۱۱۲
- د. صبر در جوانی ۱۱۳
- ه. نماز و صبر ۱۱۴
- فصل سوم: عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به نماز، از دیدگاه متون دینی ۱۱۷
- مبحث اول: نقش خانواده در گرایش جوانان به نماز ۱۱۷
- گفتار اول: مسئولیت والدین ۱۱۷
- گفتار دوم: نقش والدین در زمینه سازی برای تربیت ۱۲۲
- اشاره ۱۲۲
- الف. تربیت دینی ۱۲۲
- ب. آشنایی با شرایط، زمینه ها و عوامل مؤثر در تربیت ۱۲۴
- اشاره ۱۲۴
۱. صفات همسر مطلوب ۱۲۵

۲. صفات ناشایست ۱۲۶
۳. خصوصیات زن شایسته برای ازدواج ۱۲۷
۴. صفات زنان ناشایست ۱۲۸
- برخی از آیین ها و برنامه های ارزش دین اسلام ۱۲۹
۱. نماز برای ازدواج ۱۲۹
۲. نماز و دعا هنگام شب عروسی ۱۳۰
۳. اراده فرزندیاری ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- ۱-۳. زمان، ساعت و شب مخصوص ۱۳۱
- ۲-۳. مکان ۱۳۱
۱. رعایت نکردن برخی مسایل ۱۳۳
۲. رعایت برخی از آداب ۱۳۳
۳. رعایت تقوا و پاکی ۱۳۳
۴. مراقبت در دوره بارداری ۱۳۴
۵. آداب تولد و پس از آن ۱۳۵
- اشاره ۱۳۵
- ۱-۵. گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او ۱۳۵
- ۲-۵. نام گذاری ۱۳۵
- ۳-۵. عقیقه کردن و سرتراشیدن و صدقه دادن به میزان موهای فرزند به طلا و نقره ۱۳۵
- ۴-۵. آداب شیردادن و تربیت کردن فرزند ۱۳۷
- دوران کودکی، نوجوانی و جوانی ۱۳۷
- هفت سال دوم دوره فرمان بری و اطاعت ۱۴۰
- هفت سال سوم، دوره وزارت ۱۴۲
- گفتار سوم: نقش الگویی والدین ۱۴۲
- الف. الگودهی ۱۴۲
- ب. نقش الگویی والدین ۱۴۴

- ۱۴۵ارایه الگوهای مناسب
- ۱۴۶گفتار چهارم: نقش آموزشی والدین
- ۱۴۶اشاره
- ۱۴۷آموزش نماز در سیره معصومین
- ۱۴۸گفتار پنجم: نقش نظارتی والدین
- ۱۴۸اشاره
- ۱۴۹۱. کنترل محیط
- ۱۵۰۲. رفت و آمدها
- ۱۵۰۳. معاشرت
- ۱۵۱۴. تکالیف دینی
- ۱۵۲آسان گیری در عبادت جوانان
- ۱۵۳نکته ها و پیشنهادات
- ۱۵۴مبحث دوم: نقش جامعه در گرایش جوانان به نماز
- ۱۵۴گفتار اول
- ۱۵۴الف. مسئولیت جامعه
- ۱۵۷ب. مدارا با جوانان
- ۱۵۸ج. احساس برادری با جوانان
- ۱۵۹گفتار دوم: نقش معاشرت
- ۱۵۹الف. نقش معاشرت و دوستان
- ۱۵۹اشاره
- ۱۵۹نقش دوست در سرنوشت انسان
- ۱۶۰ب. معاشرت با صالحان
- ۱۶۲گفتار سوم: ایفای نقش سرپرستان و حاکمان
- ۱۶۲اشاره
- ۱۶۲الف. وظایف حکومت جهت اقامه نماز
- ۱۶۴ب. حاکمان سیاسی جامعه

۱۶۵	مبحث سوم: نقش عوامل و نهادهای آموزشی و فرهنگی
۱۶۵	گفتار اول: نقش علما و فرهیختگان
۱۶۵	اشاره
۱۶۶	الف. نقش عالمان در هدایت نوجوانان و جوانان
۱۶۸	ب. اهمیت و نقش عالمان دینی
۱۶۸	ج. دامنه مسئولیت روحانیت
۱۶۹	د. اقتدا به صالحان
۱۷۰	گفتار دوم: نقش مدارس
۱۷۰	اشاره
۱۷۰	الف. برگزاری نماز جماعت در مدارس
۱۷۱	ب. نقش معلم
۱۷۲	ج. نقش مربیان تربیتی در مدارس
۱۷۳	گفتار سوم: رسانه های گروهی
۱۷۳	اشاره
۱۷۴	عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز در رسانه ملی
۱۷۶	گفتار چهارم: مسجد
۱۷۶	الف. بررسی لغوی واژه مسجد
۱۷۶	ب. جایگاه مسجد در میان مسلمانان
۱۷۸	ج. نقش امام جماعت در مساجد
۱۷۹	د. مسئولیت خطیر امام جماعت
۱۸۰	ه. رسالت ویژه امام جماعت
۱۸۲	و. مسجد، کانون تربیت و آموزش نوجوانان و جوانان
۱۸۳	ز. جذابیت فضای فیزیکی مساجد
۱۸۳	ح. پاکیزگی و مساجد
۱۸۶	فهرست منابع
۱۹۴	درباره مرکز

آثار تربیتی نماز (راه های ایجاد گرایش به نماز در جوانان)

مشخصات کتاب

سرشناسه: دوغان، محمدزکی، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: آثار تربیتی نماز «راههای ایجاد گرایش به نماز در جوانان» / محمد زکی دوغان (حسینی).

مشخصات نشر: تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۳۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۵]-۱۷۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: نماز -- تاثیر

موضوع: جوانان مسلمان

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره: BP۱۸۶/د ۲۸۴۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۷۲۵۰

ص: ۱

اشاره

تقدیم:

به پیشگاه بقیه‌الله الاعظم امام زمان حضرت مهدی موعود(عج) و به جوانان و نوجوانان که آینده اسلام و چشم امید مسلمین هستند.

و به پدران و مادران، آنان که به فکر تربیت صحیح و داشتن فرزندان خوب، موفق و نمازگزارند.

و به تربیت‌کنندگانی که عهده دار این مسئولیت سنگین هستند.

و به مادر و پدرم و نیز به همسر فداکارم که در این امر مرا یاری نمودند.

تقدیر و تشکر:

با سپاس و قدردانی از زحمات فراوان و بی شائبه حجه‌الاسلام والمسلمین قاسم خانجانی و مسئولین ستاد اقامه نماز، دوستان و همه کسانی که در این پژوهش با من همکاری داشته‌اند و زحمات زیادی متحمل شده‌اند.

ص: ۶

فصل اول: شناخت شخصیت جوان ۲۱

مبحث اول: شخصیت ۲۱

گفتار اول: مفهوم شناسی ۲۱

الف. تعریف لغوی شخصیت ۲۱

ب. تعریف اصطلاحی شخصیت ۲۲

ج. شخصیت از دیدگاه متون اسلامی ۲۳

گفتار دوم: ویژگی های شخصیت ۲۳

الف. شخصیت هر فرد بیان گر اختصاصات و اشتراکات اوست ۲۴

ب. شخصیت شامل جنبه های تغییرپذیر می شود ۲۴

ج. شخصیت هر فرد از دیگری متمایز است ۲۴

گفتار سوم: عوامل مؤثر بر شخصیت ۲۶

الف. اسلام و وراثت ۲۶

ب. اثر عوامل محیطی بر شخصیت ۲۷

ج. مدرسه ۲۹

د. محیط اجتماعی ۳۰

مبحث دوم: جوان ۳۰

گفتار اول: مفهوم شناسی ۳۰

جوان در منابع دینی ۳۱

گفتار دوم: ویژگی های دوره جوانی ۳۳

۱. بلوغ ۳۴

۲. اهمیت دوران بلوغ ۳۵

۳. ویژگی های بلوغ ۳۵

۳-۱. بلوغ یک دوره فراگیر است ۳۶

۳-۲. بلوغ یک دوره کوتاه است ۳۶

۳-۳. مراحل بلوغ ۳۷

۳-۴. بلوغ، دوره تغییر و رشد سریع ۳۷

۳-۵. بلوغ یک مرحله منفی گرایی است ۳۷

۳-۶. بلوغ در سنین متغیری واقع می شود ۳۸

۴. دوره تغییر ۳۸

۵. دوره انتقالی ۳۹

۶. سن مسئله آفرین ۳۹

۷. بهترین دوره برای تربیت و هدایت انسان ۴۰

۸. دوره هویت جویی ۴۰

۹. دوره علاقه مندی به مذهب ۴۱

گفتار سوم: عوامل مؤثر بر شخصیت جوان ۴۳

الف. خانواده (پدر و مادر) ۴۳

۱. پدر ۴۳

۲. مادر ۴۴

ب. مربیان و معلمان ۴۵

ج. نقش دوستان ۴۶

د. محیط اجتماعی ۴۷

ه. برنامه های تربیتی ۴۸

فصل دوم: تأثیر نماز بر شخصیت جوانان ۵۱

مبحث اول: طهارت ۵۱

گفتار اول: مفهوم شناسی ۵۱

الف. مفهوم لغوی ۵۱

ب. اصطلاحی ۵۲

گفتار دوم: فلسفه وضو ۵۲

الف. طهارت و پاکیزگی جسمی و روحی ۵۲

ب. فراوانی رزق و روزی ۵۴

ج. بازدارندگی از جرایم ۵۵

د. رفع آلودگی ها ۵۵

ه. سلامتی و تندرستی بدن ۵۶

و. شادابی و نشاط جسمی و روحی ۵۷

ح. پیش گیری از امراض ۵۸

ص: ۹

ت. سلامتی روانی ۵۹

ی. آثار معنوی و اخروی وضو ۶۰

مبحث دوم: آثار نماز ۶۱

گفتار اول: تأثیر نماز در بعد شخصیت روحی و معنوی جوان ۶۱

الف. آثار وضعی ۶۱

ب. آرامش روانی ۶۲

گفتار دوم: ایجاد تنفر از بدی ها در جوان ۶۵

الف. ایجاد نفرت از گناهان ۶۵

ب. بازدارنده از گناهان ۶۶

گفتار سوم: رهایی از دام شیطان ۶۸

الف. حسادت شیطان به نماز جوان ۶۹

ب. ایجاد موانع در عبادت ۶۹

ج. خشمناکی شیطان از عبادت ۷۱

د. نماز جماعت، رهایی از دام شیطان ۷۱

ه. نماز و طرد شیطان ۷۲

و. نماز عامل شکست شیطان ۷۲

مبحث سوم: نماز شاخص اعمال ۷۳

گفتار اول: تأثیر نماز در کیفیت بخشی به اعمال ۷۳

الف. نماز معیار ارزش یابی و محاسبه اعمال ۷۳

ب. نماز تقویت کننده اخلاص و تقوی ۷۴

ج. تقوا، فراهم سازی قبولی اعمال است ۷۵

ص: ۱۰

د. پاداش نمازگزار ۷۶

گفتار دوم: نماز و گناهان ۷۷

الف. ریزش گناهان ۷۷

ب. نماز و کفاره گناهان ۷۹

گفتار سوم: نماز و سعادت مندی ۸۱

الف. سعادت مندی ۸۱

ب. نماز و تکامل معنوی ۸۲

ج. دست یابی به مقامات معنوی ۸۳

د. تأمین نیازهای روحی جوانان ۸۳

ه. نماز و خودسازی ۸۴

و. نماز و نورانیت خانه ۸۵

ز. نماز و رهایی از سختی ۸۶

ح. برطرف شدن غم و اندوه ۸۶

ط. نماز و دریافت فیض الهی ۸۷

گفتار چهارم: نماز و زندگی دنیوی ۸۸

الف. رفع مشکلات مادی ۸۸

ب. فراوانی رزق و روزی ۸۹

ج. برآوردن نیازها ۹۰

گفتار پنجم: نماز صبر و استقامت ۹۱

الف. صبر در لغت ۹۱

ب. صبر در روایت ۹۱

ص: ۱۱

ج. استعانت از نماز و صبر در مشکلات ۹۲

د. صبر در جوانی ۹۳

ه. نماز و صبر ۹۴

فصل سوم: عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به نماز... ۹۷

مبحث اول: نقش خانواده در گرایش جوانان به نماز ۹۷

گفتار اول: مسئولیت والدین ۹۷

گفتار دوم: نقش والدین در زمینه سازی برای تربیت ۱۰۲

الف. تربیت دینی ۱۰۲

ب. آشنایی با شرایط، زمینه ها و عوامل مؤثر در تربیت ۱۰۴

۱. صفات همسر مطلوب ۱۰۵

۲. صفات ناشایست ۱۰۶

۳. خصوصیات زن شایسته برای ازدواج ۱۰۷

۴. صفات زنان ناشایست ۱۰۸

برخی از آیین ها و برنامه های ارزش مند دین اسلام ۱۰۹

۱. نماز برای ازدواج ۱۰۹

۲. نماز و دعا هنگام شب عروسی ۱۱۰

۳. اراده فرزندداری ۱۱۱

۳-۱. زمان، ساعت و شب مخصوص ۱۱۱

۳-۲. مکان ۱۱۱

۱. رعایت نکردن برخی مسایل ۱۱۳

۲. رعایت برخی از آداب ۱۱۳

ص: ۱۲

۳. رعایت تقوا و پاکی ۱۱۳

۴. مراقبت در دوره بارداری ۱۱۴

۵. آداب تولد و پس از آن ۱۱۵

۱-۵. گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او ۱۱۵

۲-۵. نام گذاری ۱۱۵

۳-۵. عقیقه کردن و سر تراشیدن و صدقه دادن به میزان موهای فرزند... ۱۱۵

۴-۵. آداب شیردادن و تربیت کردن فرزند ۱۱۶

دوران کودکی، نوجوانی و جوانی ۱۱۶

هفت سال دوم دوره فرمان بری و اطاعت ۱۱۹

هفت سال سوم، دوره وزارت ۱۲۱

گفتار سوم: نقش الگویی والدین ۱۲۲

الف. الگودهی ۱۲۲

ب. نقش الگویی والدین ۱۲۳

ارایه الگوهای مناسب ۱۲۴

گفتار چهارم: نقش آموزشی والدین ۱۲۵

آموزش نماز در سیره معصومین ۱۲۶

گفتار پنجم: نقش نظارتی والدین ۱۲۷

۱. کنترل محیط ۱۲۸

۲. رفت و آمدها ۱۲۹

۳. معاشرت ۱۲۹

۴. تکالیف دینی ۱۳۰

ص: ۱۳

آسان گیری در عبادت جوانان ۱۳۱

نکته ها و پیشنهادات ۱۳۲

مبحث دوم: نقش جامعه در گرایش جوانان به نماز ۱۳۳

گفتار اول ۱۳۳

الف. مسئولیت جامعه ۱۳۳

ب. مدارا با جوانان ۱۳۶

ج. احساس برادری با جوانان ۱۳۷

گفتار دوم: نقش معاشرت ۱۳۸

الف. نقش معاشرت و دوستان ۱۳۸

نقش دوست در سرنوشت انسان ۱۳۸

ب. معاشرت با صالحان ۱۳۹

گفتار سوم: ایفای نقش سرپرستان و حاکمان ۱۴۱

الف. وظایف حکومت جهت اقامه نماز ۱۴۱

ب. حاکمان سیاسی جامعه ۱۴۳

مبحث سوم: نقش عوامل و نهادهای آموزشی و فرهنگی ۱۴۴

گفتار اول: نقش علما و فرهیختگان ۱۴۴

الف. نقش عالمان در هدایت نوجوانان و جوانان ۱۴۵

ب. اهمیت و نقش عالمان دینی ۱۴۷

ج. دامنه مسئولیت روحانیت ۱۴۷

د. اقتدا به صالحان ۱۴۸

الف. برگزاری نماز جماعت در مدارس ۱۴۹

ب. نقش معلم ۱۵۰

ج. نقش مربیان تربیتی در مدارس ۱۵۱

گفتار سوم: رسانه های گروهی ۱۵۲

عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز در رسانه ملی ۱۵۳

گفتار چهارم: مسجد ۱۵۵

الف. بررسی لغوی واژه مسجد ۱۵۵

ب. جایگاه مسجد در میان مسلمانان ۱۵۵

ج. نقش امام جماعت در مساجد ۱۵۷

د. مسئولیت خطیر امام جماعت ۱۵۸

ه. رسالت ویژه امام جماعت ۱۵۹

و. مسجد، کانون تربیت و آموزش نوجوانان و جوانان ۱۶۱

ز. جذابیت فضای فیزیکی مساجد ۱۶۲

ح. پاکیزگی و مساجد ۱۶۲

فهرست منابع ۱۶۵

ص: ۱۵

نماز، بزرگ‌ترین عبادت و مهم‌ترین سفارش تمام انبیاء است. لقمان حکیم به پسرش توصیه می‌کند: «پسرم! نماز برپادار» (۱). و حضرت عیسی (ع) در گهواره می‌گوید: «خدایم مرا به نماز... توصیه کرده است» (۲).

خداوند در قرآن کریم در مورد اقامه نماز، به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «به ستایش پروردگارت تسبیح کن و از نماز گزاران باش» (۳) و بسیاری روایات و احادیث و موارد دیگر که در فرهنگ‌های مختلف دینی به نماز توصیه کرده‌اند.

گسترش فرهنگ نماز و فراهم کردن زمینه آن، از اهداف و دغدغه‌های مهم همه انبیاء به ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) و پیشوایان معصوم (ع) و فقها تا امروز بوده است.

با توجه به تأثیر نماز در شخصیت انسان و بالأخص در شخصیت‌سازی نوجوانان و جوانان، این مسأله اهمیت بیش‌تری نیز پیدا می‌کند. رسول خدا (ص) در مورد جوانان و نوجوانان چنین سفارش می‌فرماید:

ص: ۱۷

۱-۱. سوره لقمان، آیه ۱۷، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

۲-۲. سوره مریم، آیه ۳۱، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

۳-۳. سوره حجر، آیه ۹۸، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

«شما را به نیکی به نوجوانان و جوانان سفارش می‌کنم زیرا آن‌ها دلی نرم‌تر (پذیرا تر) دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان بستند ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم پرداختند»^(۱)

فواید فردی و اجتماعی این فریضه بزرگ ایجاب می‌نماید تا همه دست اندرکاران تعلیم و تربیت به این امر توجه جدی داشته باشند و تلاش کنند تا در امر تربیت جوانان و نوجوانان، هرچه بیش‌تر به نماز و ارزش‌هایی که در آن نهفته است توجه شود.

اگر ما جامعه‌ای نمونه، پر نشاط، با (معنوی) و عاری از گناه می‌خواهیم، باید فرهنگ نماز را گسترش داده و نهادینه نماییم.

امروز به برکت نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه ترویج و گسترش فرهنگ نمازخوانی فراهم شده است و پرداختن به مباحثی در این خصوص، به ویژه در ارتباط با نوجوانان و جوانان نیاز است؛ این مهم به سبب تأکیداتی است که بزرگان در مورد جوانان و نماز فرموده‌اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «بر تو باد به جوانان، زیرا آن‌ها تمایل بیش‌تری به کارهای نیک دارند.»^(۲)

البته باید پذیرای این واقعیت باشیم که گرچه در راه ترویج نماز تلاش‌های زیادی انجام گرفته و برنامه‌های زیادی نیز اجرا شده، اما فاصله گرفتن نسل نوپای جامعه از نماز نیز امری واقعی است که متأسفانه امروز شاهد آن هستیم.

ص: ۱۸

۱-۱. فرید، مرتضی؛ الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲-۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶.

بنابراین لازم است همه کسانی که در امر تربیت مسئولیت دارند، در راه ترویج فرهنگ نماز گام بردارند.

در این تحقیق، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در صدد تعریف شخصیت و تأثیرپذیری نوجوانان و جوانان و خصوصیات و ویژگی‌های آنان و هم‌چنین عوامل مؤثر در گرایش و جذب آنان به نماز هستیم و تلاش می‌کنیم تأثیرات هر کدام را در جای خود مورد بحث قرار دهیم.

هم‌چنین به راه کارها و روش‌های صحیح و اصولی که برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) و سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و بزرگان و علمای بزرگ است خواهیم پرداخت و نمونه‌های عینی و عملی موجود در سیره این بزرگان را به عنوان شاهد و نمونه مطرح خواهیم نمود.

البته در این راه از نظر صاحب نظران مسایل تربیتی و روان‌شناسی نیز استفاده خواهیم نمود.

فصل اول: شناخت شخصیت جوان

مبحث اول: شخصیت

گفتار اول: مفهوم شناسی

الف. تعریف لغوی شخصیت

در لغت نامه دهخدا، «شخصیت» این گونه تعریف شده است:

«شخصیت، مأخوذ از شرافت و رفعت و بزرگواری و مرتبه و درجه است.»^(۱)

در فرهنگ عمید: «شخصیت» ذات هر شخص، خلق و خوی مخصوص هر کس و مجموعه خصائص یک فرد است که او را از دیگران متمایز می سازد.»^(۲)

ص: ۲۱

۱- ۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، ج ۳۰، ص ۲۷۹.

۲- ۲. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۵۴۳.

دانشمندان تعاریف گوناگونی از شخصیت ارائه کرده اند که به عنوان نمونه به دو تعریف اشاره می کنیم:

«شخصیت، تکامل یافتن صفات مشخص در خلق شخص همگام با تکامل ساختار بدن، رفتار، توجهات، توانمندی او، امکانات و کلیه جهات و مواردی است که به عنوان جنبه تکامل و کمال شناخته شده است.»^(۱)

اصطلاح «شخصیت» عبارت است از تمامی سیستم تمایلات نسبتاً پایدار روانی و جسمی هر فرد؛ تمایلاتی که نحوه تطابق وی را نسبت به محیط روانی، اجتماعی و مادی معین می سازد.»^(۲)

روان شناسان دو راه را برای بررسی شخصیت در نظر گرفته اند:

۱. از راه بررسی خصوصیات ظاهری افراد.

۲. از راه تمایلات پنهانی که می توان آن ها را بر حسب غرایز، نیازها، ساختمان بدنی، مکانیسم و نظایر آن ها توصیف نمود.^(۳)

بعضی از روان شناسان، شخصیت را از جنبه های بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی کنش انسان مطالعه می کنند و از روش های مناسب برای پژوهش در این زمینه ها سود می جویند.^(۴)

گروهی دیگر از روان شناسان در مطالعه شخصیت افراد، به رفتار مشهود آن ها توجه می کنند.^(۵) و بعضی دیگر، شخصیت را با توجه به

ص: ۲۲

-
- ۱-۱. یادگاری، عبدالمهدی و عاقل فاخر؛ فرهنگ روان شناسی، ص ۱۴۷.
 - ۲-۲. پورافکاری، نصرت الله؛ فرهنگ جامع روان شناسی روان پزشکی انگلیسی - فارسی، ج ۲، ص ۱۱۰۶.
 - ۳-۳. جمال فر، سیاوش؛ روان شناسی شخصیت، ص ۱۲.
 - ۴-۴. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۶.
 - ۵-۵. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۶.

ویژگی هایی چون فرایندهای ناهشیاری تعریف می کنند که به طور مستقیم قابل مشاهده نیست و باید از رفتار استنباط شود. (۱)

با این تعاریف مشخص می شود که تعریف معین و واحدی از شخصیت که مورد توافق همگان باشد نداریم.

اما می توان وجه مشترک تمام تعاریف را این گونه بیان کرد:

«شخصیت عبارت است از مجموعه ویژگیهای جسمی، روانی و رفتاری که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می نماید.»

ج. شخصیت از دیدگاه متون اسلامی

در اسلام، بخشی مستقل راجع به شخصیت و تعریف کامل آن نداریم اما در آیات و روایات، صفات شخصیت انسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. در آیین مقدس اسلام به مسئله شخصیت، توجه بسیاری شده و شخصیت افراد نیز مورد توجه قرار گرفته است. از نظر صفات طبیعی و اکتسابی و نیز از نظر موضوع سازگاری با محیط و حسن معاشرت با مردم، پیشوایان اسلام به شیوه های مختلف فرمایشاتی داشته اند. (۲)

گفتار دوم: ویژگی های شخصیت

اشاره

در این گفتار به دنبال یک سری ویژگی های مشترک شخصیت هستیم که بدون استثناء در وجود هر شخص موجود است.

از این رو می توان ویژگی های شخصیت را در موارد زیر بیان کرد:

ص: ۲۳

-
- ۱- ۱. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۶.
 - ۲- ۲. فلسفی، محمدتقی؛ گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۲، ص ۷.

الف. شخصیت هر فرد بیان گر اختصاصات و اشتراکات اوست

شخصیت هم بیان گر اصول و قواعد مربوط به کنش یک فرد است و هم نشانگر اصول و قواعدی است که در کنش همه افراد مشترک است. شخصیت از یک بعد، منحصر به فرد است و انسان را از سایرین متمایز می سازد و از بعد دیگر در خصوصیات با دیگران مشترک است که همه انسان ها در آن مشترک می باشند. (۱)

ب. شخصیت شامل جنبه های تغییرپذیر می شود

شخصیت هم شامل جنبه های پایدارتر و تغییرناپذیر کنش انسان است که گاهی ساختار نامیده می شود و هم شامل جنبه های ناپایدارتر و تغییرپذیر که گاهی فرایند نامیده می شود. (۲)

با توجه به تعریف هایی که درباره شخصیت بیان شد می توان گفت اگرچه افراد از نظر خصوصیات جسمی و از حیث صفات معنوی و اخلاقی باهم شباهت دارند اما در مجموع از یک دیگر متفاوت هستند و رفتار، عواطف، تمایلات و حرکات هر یک از آن ها دارای رنگی مخصوص است.

ج. شخصیت هر فرد از دیگری متمایز است

تعریف ما از شخصیت (و ویژگی ها) ممکن است عقیده بی نظیر بودن انسان را شامل شود.

بنابراین می توانیم بگوییم که «شخصیت مجموعه ای از ویژگی های پایدار و بی نظیر است که ممکن است در پاسخ به موقعیت های مختلف

ص: ۲۴

۱-۱. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۷.

۲-۲. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۷.

به هر حال در ویژگی های شخصیت، نمی توان اثر وراثت و محیط را از نظر دور داشت، چون این دو ویژگی اصلی هستند و هیچ صاحب نظری نقش اصلی آن را رد ننموده است. بنابراین مهر تأیید بر این ویژگی های اصلی شخصیت نهاده شده است، اما در مابقی ویژگی ها، حالت ناپایداری وجود دارد و به موفقیت های مختلف آن ها بستگی دارد.

به هر حال هنگامی که بخواهیم شخصیت یک فرد را توصیف نماییم، قاعدتاً خصایص او را نام می بریم. خصایص، جنبه های کلی رفتار هستند که مردم برای توصیف شخصیت افراد به کار می برند. به عنوان مثال ویژگی های با هوش، آرام، مسلط، مشارکت کننده، دوست داشتنی و... همگی ویژگی هایی هستند که با آن ها آشنایی داریم و می توانیم الگوهای رفتاری هر کدام از این ویژگی ها را توصیف نماییم؛ در صورتی که اگر تمام این ویژگی های فرد را بشناسیم، می توانیم رفتار او را پیش بینی کنیم و لازمه این پیش بینی دو چیز است:

۱. ویژگی ها درست تشخیص داده شود.

۲. محیط و موقعیتی که ویژگی های فرد در آن شکل گرفته، شناخته شود.

بنابراین اگر تاریخچه زندگی فرد را دانستیم، امکان بیش تری برای مطالعه رفتار او در دست خواهیم داشت.

ص: ۲۵

اشاره

عوامل گوناگونی بر شخصیت انسان مؤثرند. از جمله می توان: وراثت، محیط، مدرسه، دوستان و اجتماع را نام برد که نقش آن ها در شکل گیری شخصیت انسان یکسان نیست. البته تأثیر گذاری این عوامل، به حدی نیست که اراده انسان را سلب کند بلکه این انسان است که می تواند مسیر سرنوشت خود و جایگاه شخصیتی فردی و اجتماعی خود را به دست خود و با اراده خود رقم زند. در این جا، به اختصار به هریک از عوامل ذکر شده اشاره می کنیم:

«وراثت به معنای عام، انتقال خصایص جسمی و روانی والدین به فرزند است.»^(۱) که به دو نوع شخصی و نوعی تقسیم شده است:

۱. وراثت شخصی: عبارت است از انتقال صفات شخصیتی والدین به اولاد، اعم از آن که توسط ژن باشد یا نباشد.

۲. وراثت نوعی: عبارت است از مشترک بودن انسان در غرایز و اصل خلق و خوی وجود انسان؛ همان طور که نوعاً حاصل گندم، گندم است.^(۲)

الف. اسلام و وراثت

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَيِّئًا مَعِينًا بَصِيرًا؛ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می آزمایشیم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم.»^(۳)

ص: ۲۶

-
- ۱- ۱. هاشمی، سید مجتبی؛ تربیت و شخصیت انسانی، ص ۱۶۶.
 - ۲- ۲. هاشمی، سید مجتبی؛ تربیت و شخصیت انسانی، ص ۱۶۶.
 - ۳- ۳. سوره انسان، آیه ۲، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

آفرینش انسان از (نطفه مخلوط) ممکن است یا اشاره به اختلاط نطفه مرد و زن باشد، همان گونه که در روایات اهل بیت (ع) اجمالاً به آن اشاره شده است یا اشاره به استعداد‌های مختلفی باشد که در درون نطفه قرار دارد و به وسیله عامل وراثت از طریق ژن‌ها منتقل می‌شود یا اشاره به اختلاط مواد مختلف ترکیبی نطفه است؛ چرا که از دهها ماده مختلف تشکیل یافته است و یا منظور، اختلاط همه این مواد با یک دیگر باشد که معنای اخیر از همه جامع تر و مناسب تر است. (۱)

پس قبل از آن که علوم تأثیر وراثت بر شخصیت انسان را کشف کنند، اسلام از همان آغاز، این تأثیر را برای مردم تبیین نموده است. به هر حال بشر از دیر زمان متوجه این نکته بوده است که موجود زنده، بسیاری از صفات و خصایص خود را به نسل بعد منتقل می‌کند. در واقع نسل بعد، وارث صفات نسل قبل است. (۲)

ب. اثر عوامل محیطی بر شخصیت

محیط در مقابل وراثت، عاملی خارجی اما مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت است. طبق تحقیقات دانشمندان، محیط کلید تمام عواملی است که خارج از هویت فرد بر او تأثیر می‌گذارند و موجب تحوّل فردی او می‌شوند؛ خواه عوامل بیولوژیکی و خواه عوامل اجتماعی. (۳)

پژوهش‌گران با مطالعاتی که درباره وراثت و محیط و تأثیر آن بر انسان انجام داده‌اند، عقیده دارند که هر انسانی مخلوق فطرت و محیط خویش است. گروهی از این پژوهش‌گران، تأثیر و نقش محیط را مهم تر و مؤثرتر

ص: ۲۷

-
- ۱- ۱. بابائی، احمدعلی؛ برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۵۲.
 - ۲- ۲. فلسفی، محمدتقی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، ص ۶۱.
 - ۳- ۳. هاشمی، سید مجتبی؛ تربیت و شخصیت انسانی، ج ۱، ص ۱۶۷.

از وراثت دانسته اند. از جمله عوامل محیطی که در رشد شخصیت انسان تأثیر می گذارند عبارتند از:

الف. محیط پیش از تولد

اولین محیط مؤثر بر رشد شخصیت جنین، پس از آن که نطفه بسته شد، رحم مادر است. در این زمان اگرچه کودک با غذا تغذیه نمی شود، اما بهداشت تن و روان مادر در رشد شخصیت جنین تأثیر فراوان دارد.

در صورتی که مادر به این موارد مؤثر، بی توجه باشد آثار سوء بر رشد شخصیت کودک می گذارد و صدمات غیر قابل جبران برای او به بار می آورد. ناراحتی های بدنی و روانی و مصرف یک سری داروهای مضر در انتقال نوعی صفات عمومی و مشترک آدمیان به فرد مؤثرند. در هر حال در متون اسلامی به نقش وراثت بسیار توجه شده که در فصل سوم به تفصیل به آن اشاره خواهیم نمود.

ب. محیط پس از تولد

زمانی که نوزاد به دنیا می آید، عوامل محیطی بسیاری در رشد شخصیت او تأثیر می گذارند.

از جمله این عوامل، مادر و پدر و تغذیه هستند که در شخصیت کودک مؤثرند.

خانواده به عنوان بنیادی ترین و اساسی ترین نهاد اجتماعی و اولین کانونی که انسان در آن پای می نهد و زندگی خود را در آن آغاز می کند، نقش بسیار مهم و اساسی در تربیت بشر دارد، همان طور که نقشی اساسی در تشکیل جوامع و ایجاد تمدن ها دارد. به همین جهت شعار بسیاری از جامعه شناسان، «خانواده سالم جامعه سالم است.»

انسان بعد از تولد تا هنگام ورود به مدرسه، بیش تر از همه چیز تحت تأثیر پدر و مادر خود است. مادر اولین و مهم ترین کسی است که در زندگی کودک تأثیر می گذارد و کودک با او آشنایی و ارتباط حاصل می کند. وقتی مادر کودک را شیر می دهد با او رابطه محبت آمیزی برقرار می کند و در حقیقت عطف و مهربانی را در او پرورش می دهد؛ چرا که میان آن ها علاقه و محبت برقرار می گردد.

کودکی که مادرش با او رابطه محبت آمیزی برقرار کرده است، دارای شخصیتی سازگار، پویا و فعال می شود و کودکی که مادر با او رفتار محبت آمیزی نداشته است، ممکن است درون گرا و ناسازگار باشد و شخصیتی ناهنجار پیدا کند. زمانی که کودک به حد کافی رشد کرد و با اعضای خانواده آشنا شد، اهمیت و جایگاه پدر را بیش تر در می یابد. پسرانی که در خانواده های بدون پدر پرورش یافته اند، رشد شخصیتی کمتری دارند و از ویژگی های مردانه ضعیف تری برخوردار هستند.

معمولاً پدر، الگوی پسر است و پسر می کوشد که از راه همانندسازی پدر، از او تقلید کند ولی الگوی دختران، مادران هستند. دختران با توجه به عوامل فطری و محیطی، مادران خود را الگو قرار می دهند و خود را با آن ها همانند می سازند.

ج. مدرسه

از جمله عواملی که در ساختن شخصیت فرد دخالت دارد و خود متشکل از عوامل جزئی تری است، محیط مدرسه است.

مدرسه باعث ایجاد علاقه به کسب علم و دانش در کودک می شود. ممکن است محیط مدرسه در کودک مؤثر باشد و او را تا پایان عمر شیفته

دانش اندوزی نماید و از سوی دیگر بر اساس رفتار و برخورد نا بجا، سبب شود کودک از ادامه دادن به تحصیل بیزار شده تحصیل را ترک نماید.

د. محیط اجتماعی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در رشد و تغییر شخصیت انسان، ارزش‌هایی است که در فرهنگ جامعه حاکم است. ارزش‌های که در میان هر ملت و جامعه وجود دارد و مردم به آن احترام می‌گذارند و از آن پیروی می‌کنند و نمودار فرهنگ یک ملت به شمار می‌رود.

عوامل دیگری نیز وجود دارند که در تغییر، رشد و تکوین و ساخت شخصیت انسان مؤثر هستند. مانند گروه‌های همبازی‌ها، همسایگان و دوستان. هر کدام از این عوامل، بر رشد و تغییر شخصیت اثر می‌گذارند.

مبحث دوم: جوان

گفتار اول: مفهوم شناسی

اشاره

قبل از ورود به بحث، لازم است با تعریف لغوی جوان آشنا شویم و پس از آن به چند نمونه از روایات اشاره کرده، سپس توضیحات لازم را ارائه نماییم.

الف. در کتاب‌های لغت فارسی و عربی تعریف‌هایی از «جوان» ارائه شده است که برخی از این تعریف‌ها، عبارت‌اند از:

«هر چیزی که از عمر او چندان نگذشته باشد، خواه انسان باشد، خواه حیوان و خواه نبات، به او جوان می‌گویند.»^(۱)

ص: ۳۰

ب. مقطع سنّ جوانی: «برنا، ضدپیری: جوانی: برنایی، بهار عمر از سن ۱۸ تا ۳۵ سالگی در انسان را(۱)» جوانی می گویند.»

صاحب نظران در کتب عربی نیز تعاریفی برای جوان ارائه نموده اند. طریحی منظور از جوانی را «دوران قبل از پیری می داند.(۲)» روان شناسان نیز درباره این که دوره جوانی چه سنینی را شامل می شود اختلاف دارند.

آغاز دوران جوانی را نمی توان سن خاصی دانست، چون بر حسب افراد و جوامع متفاوت است. شروع جوانی را که همراه با بلوغ جنسی است، می توان با قاطعیت

بیش تری تعیین نمود، لکن پایان آن را بر حسب شرایط فرهنگی و محیطی نمی توان در جوامع یکسان دانست.(۳)

جوان در منابع دینی

با مراجعه به متون دینی می توان دریافت که گاه برای جوان، سن خاصی بیان شده و گاه به ویژگی دوران جوانی اشاره شده است و گاه به هردو مورد. امام علی(ع) می فرماید: «طول و قامت فرزند تا ۲۳ سالگی متوقف می شود و رشد عقل او در ۳۵ سالگی پایان می یابد؛ هرچه پس از این است در اثر تجربه و آموزش است.(۴)»

به هر حال هم از دیدگاه صاحب نظران علوم روان شناسی و هم در متون دینی، آغاز دوران جوانی با بلوغ جنسی همراه است و اتمام آن با آغاز کهولت سن شروع می شود. ما دوران جوانی را گستره ای وسیع در نظر می گیریم که شامل دوره نوجوانی نیز می شود یعنی سال های آغازین

ص: ۳۱

۱-۱. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۷۰۹.

۲-۲. طریحی، مجمع البحرین، کلمه شباب.

۳-۳. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۶۳.

۴-۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۶.

بلوغ جنسی که بلوغ جنسی را که به طور کامل حاصل نشده باشد هم مد نظر قرار می دهیم.

دوره نوجوانی و جوانی با تحرک و انرژی زایی همراه است و به همین علت اگر فرد در این دوره سعی و کوشش نماید و بهره گیری لازم را انجام دهد، تجربه و نتایج آن در دوره های بعدی عمر می تواند برای او به عنوان یک سرمایه با ارزش محسوب شود.

رسول گرامی اسلام می فرماید: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْئَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (ع)» (۱)

رسول خدا(ص) می فرماید:

«در روز قیامت عبد قدمی بر نمی دارد مگر این که از چهار چیز از او سؤال می شود از این که:

۱ - عمرش را در چه راهی فنا کرده است؟

۲ - جوانیش را در چه چیزی گذرانده است؟

۳ - از مالش که از چه راهی به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است؟

۴ - از محبت اهل بیت(ع)؟

امام علی(ع) نیز می فرماید:

«دو چیز است که کسی ارزش آن را نمی شناسد مگر وقتی که آن را از دست بدهد؛ جوانی و سلامتی. (۲)»

«فعالیت ذهن و قدرت فراگیری انسان در دوره جوانی، بیش از سایر

ص: ۳۲

۱- ۱. خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲- ۲. غررالحکم، ص ۴۴۹.

اوقات است و می توان بیش ترین اندوخته ها را در این مقطع گردآوری نمود و برتری خلاقیت ها را به نمایش گذاشت. (۱)

گفتار دوم: ویژگی های دوره جوانی

اشاره

«دوره نوجوانی و جوانی، دوره ای است که بیش ترین تحولات را در خود دارد.

در این دوره، انسان هم از لحاظ جسمی و هم از جهت روانی متحول و دگرگون می شود. گاهی نیز این تحولات و تغییرات، خیلی سریع و غافلگیر کننده است. چگونه سپری کردن این دوره و برخورد فرد و اطرافیان با این تحولات و تغییرات در سعادت یا شقاوت انسان نقش به سزایی دارد. (۲) صفاتی مثل عصیان گری، تصمیمات عجولانه و رفتارهای نادرست، پرخاشگری و... معمولاً در این دوره به وجود می آید.

پس شکی نیست که فرد در سراسر زندگی خویش همواره دستخوش دگرگونی هایی می شود. اما آشفتگی و نابسامانی خانوادگی در دوره جوانی، اثرات جبران ناپذیری بر شخصیت او می گذارد.

برخی از دوره های زندگی به دلیل تأثیرات فیزیکی و بدنی با اهمیت و برخی دیگر از لحاظ تأثیرات روانی قابل اعتنا هستند، لیکن نوجوانی و جوانی از هر دو جهت حائز اهمیت اند.

بخش مهم شکل گیری شخصیت انسان در این دوره صورت می گیرد؛ دوره ای که دیگر امکان برگشت ندارد و ضروری است به بهترین وجه از آن استفاده شود.

ص: ۳۳

۱- ۱. مجله پیام زن، شماره ۹، سال ۱۳۷۳.

۲- ۲. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوان، ص ۵۰.

بلوغ در یک برهه حساس از عمر رخ می دهد و برای همه یکسان نیست و چون از حساسیت خاصی برخوردار است، صاحب نظران - چه روان شناسان و چه دانشمندان علوم تربیتی - به آن پرداخته و هر کدام تعریف هایی برای آن ذکر کرده اند که ما به چند مورد از آن ها اشاره می نمایم.

«بلوغ به حدّ رشد رسیدن، و جوان شدن کودک است»^(۱).

«با به کار بردن کلمه بلوغ، معمولاً نوجوانان در ذهن ما مجسم می شوند؛ در این هنگام پیدایش غریزه جنسی در نوجوانان شروع شده است. در این دوره تغییرات زیادی در شخصیت به وجود می آید.»^(۲)

«بلوغ، دوران شکوفایی است. بسیاری از جنبه ها و خصایصی که تا به حال از نظرها مخفی بود، در این دوره آشکار می شود. نوجوان به خود می آید و درباره خود بصیرت و بینش پیدا می کند.»^(۳)

«دوره بلوغ از دیدگاه روان شناسان، مریان اخلاق و سایر دانشمندان دوره حساسی محسوب می شود. «ژان ژاک روسو در کتاب «امیل»، بلوغ را تولد ثانوی نامیده است.»^(۴)

با این که بلوغ، فرد را از دوران کودکی جدا کرده است اما این تولد دوباره گاه فرد را بدون تحمل، بی حوصله، تند مزاج و بی هدف می کند و حالت سرگردانی برای او به همراه می آورد. همه این علائم، مخصوص

ص: ۳۴

۱- ۱. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۳۷۳.

۲- ۲. شاهلویی پور، فضل الله و قائمی، پروین؛ روان شناسان بلوغ و تربیتی جنسی کودکان و نوجوانان، ص ۲۵.

۳- ۳. قائمی، علی؛ شناخت هدایت و تربیت نوجوان، ص ۴۵.

۴- ۴. قره بیکلو محمدرضا، کریمیان؛ روان شناسی و مسایل نوجوانان، ص ۱۵.

این دوره است.

اگر راه‌نمایی‌های لازم، از طرف والدین و از طرف مربیان صورت نگیرد، نوجوان نمی‌تواند بهترین بهره‌را ببرد و از دوران بلوغ به راحتی عبور نماید. دوره بلوغ ویژگی‌هایی دارد که در ذیل به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

۲. اهمیت دوران بلوغ

به سبب آن که این دوره، رشد و تکامل را برای انسان به همراه دارد، مربیان اخلاق، روان‌شناسان و سایر دانشمندان آن را دوره حساسی نامیده‌اند و دین اسلام نیز برای این دوره اهمیت زیادی قائل می‌باشد؛ زیرا شخصیت اساسی فردی و اجتماعی جوان در این دوره پایه‌ریزی می‌شود. در روایتی آمده است: «خداوند فرشتگانی دارد که هر شب فرود می‌آیند و به جوانان ندا می‌دهند برای رسیدن به سعادت و کمال خود کوشش کنید.»^(۱)

۳. ویژگی‌های بلوغ

اشاره

به هنگام بلوغ، تغییراتی را در رفتار و اعمال نوجوانان مشاهده می‌کنیم که بسیاری از آن‌ها طبیعی بوده و باید نسبت به این رفتار و اعمال برخورد مناسبی نشان داده در هدایت نمودن آن‌ها کوشش وسیعی از خود به نمایش بگذاریم. با توجه به مطالب فوق در می‌یابیم که بلوغ در یک دوره معین از زندگی اتفاق می‌افتد و با این سؤال که این دوره دارای چه ویژگی‌هایی است؟ به شرح مختصر آن می‌پردازیم.

ص: ۳۵

۱-۳. بلوغ یک دوره فراگیر است

«بلوغ یک دوره فراگیر است که در برگیرنده بخشی از دو دوره عمر ما می باشد. برای این که سال های محدود کودکی، آغاز سال های نوجوانی را در بر می گیرد، تا زمانی که انسان ها به بلوغ جنسی برسند کودکان به عنوان «کودکان بالغ» نامیده می شوند. پس از آن که به بلوغ جنسی رسیدند از آن ها به عنوان نوجوان یا جوان نارس می نامند.»^(۱)

۲-۳. بلوغ یک دوره کوتاه است

«دوران بلوغ از نظر زمانی محدود است اما زمان رخداد آن برای جوامع و افراد یک نواخت نیست. همان طور که با در نظر گرفتن تغییرات متعدد و جوامعی که در دوران ارگانیزم به میزان تغییرات ظاهری و شماری اتفاق می افتد، بلوغ را نسبتاً یک دوره کوتاه جلوه گر می سازد. این مدت از دو تا چهار سال طول می کشد.»^(۲)

پس این دوره از لحاظ مدت و زمان برای همه یکسان نیست.

«این مدت به دو بخش قابل تقسیم است برای بعضی که از رشد سریع برخوردارند دو سال طول می کشد و در بعضی دیگر این مدت بین دو تا چهار سال به طول می انجامد که این دوره انتقالی، خود را با بزرگسالی تکمیل می کند. در این دوره دختران نسبت به پسران از رشد سریع تری برخوردارند و معیار مشخص برای هر جنسیت وجود دارد.»^(۳)

ص: ۳۶

۱-۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۶.

۲-۲. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۷.

۳-۳. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۷.

۳-۳. مراحل بلوغ

این دوره را به سه مرحله تقسیم کرده اند:

۱. مرحله پیش از بلوغ

۲. مرحله بلوغ

۳. مرحله پس از بلوغ

(زمان و ویژگی های هر دوره در جایگاه خود بررسی خواهد شد.) (۱)

۳-۴. بلوغ، دوره تغییر و رشد سریع

در هنگام بلوغ، تغییر و رشد سریعی که در طول دوران بلوغ اتفاق می افتد به جهش رشد نوجوانی مرتبط می شود که از آن با عنوان «جهش رشد بلوغ» یاد می شود. زیرا این دوره با اندک زمانی اتفاق می افتد و با سایر تغییرات و این جهش رشد، به مدت کوتاه یکی دو ساله ادامه پیدا می کند. نوجوانان در این دوره در خود احساس تزلزل و ناامنی می کنند و پندار بی کفایتی در خود دارند که این تزلزل در رفتار و اعمال آن ها مشاهده می شود.

۳-۵. بلوغ یک مرحله منفی گرایی است

این دوره، طولانی مدت نیست و در این مرحله، فرد حالت ضدیت را در مقابل زندگی به خود می گیرد. چنین به نظر می رسد که فرد موقعیت ها و یا چیزهای خوبی پیش از این به دست آورده و در این دوره از دست داده است و این از بدیهیات به حساب می آید. چون نگرش منفی، بخش عمده شخصیت فرد را در اولین مرحله بلوغ در بر گرفته و از آن بدتر وقتی که فرد به رشد جنسی می رسد نگرش منفی در او به حد اکثر رسیده و بیش تر می شود.

۶-۳. بلوغ در سنین متغیری واقع می شود

بلوغ برای همه جوامع یکنواخت نیست اما بیش تر بین سنین ۱۵-۱۶-۱۹ می تواند واقع شود. گرچه معدل سنی رشد جسمی دختران در فرهنگ معاصر آمریکایی حدوداً ۱۳ سالگی و میانگین سنین پسران یک سال دیرتر واقع می شود. (۱)

مرحله انتقال فرد به بلوغ و تکمیل آن نیازمند زمان است و در آن تغییرات و اختلافاتی وجود دارد. این حدود از دو تا چهار سال برای دختران به طور میانگین و کمتر از این برای پسران می باشد.

در دوران بلوغ اتفاقاتی رخ می دهد که بعضی از آن ها برای جوان همراه سازندگی است اما بعضی دیگر همراه اخلاق و مشکل آفرینی است که اگر جوان در برخورد با آن ها تدبیری به کار گیرد، کمتر دچار منفی گرایی و تزلزل می شود.

۴. دوره تغییر

در دوران بلوغ همه چیز نوجوان تغییر می کند: جسم، قد، بدن، فکر، ذهن، روح و روان علائق و تعلقات، اخلاق و رفتار، ارزش ها و آرمان ها و... تقریباً پنج نوع تغییرات وجود دارد که طی این دوره واقع می شود:

۱. حیات عاطفی توسعه می یابد.

۲. سرعت تغییر که با رشد جنسی همراه است، نوجوان را از خود و از استعدادها و علائق خود نامطمئن می سازد و او قویاً احساس بی ثباتی می کند.

۳. تغییرات در بدن، علائق و نقش هایی که در گروه های اجتماعی

ص: ۳۸

انجام آن از فرد انتظار می رود، برای او مسایل جدیدی را به وجود می آورد.

۴. ارزش های او تغییر می کند، آن چه در کودکی برایش مهم بود، اکنون اهمیت کمتری پیدا می کند.

۵. حالت دمدمی دارد. (۱)

۵. دوره انتقالی

«دوره جوانی، نه با واقعیات بزرگسالی سازگاری دارد و نه با دنیای کودکی؛ در این دوره یک سری حالت خاص در فرد وجود دارد. از یک طرف، فرد دوست دارد اطرافیان او را یک جوان کامل و بزرگ بدانند و از طرف دیگر عادت های دوران کودکی را هنوز با خود دارد و ناپخته است و این، قضاوت بزرگسالان را در مورد او مشکل می سازد.» (۲)

۶. سن مسئله آفرین

در این دوره، جوانان مسایلی را به وجود می آورند اما نه عاقبت آن مسایل را می دانند و نه دوراندیش هستند. آن ها در همه موارد سطحی نگرند؛ از طرفی می خواهند آزاد باشند و از طرف دیگر کاری را که می خواهند انجام دهند، به خوبی از عهده آن بر نمی آیند و گاهی همه چیز را به هم می ریزند و مشکل آفرین می شوند.

«آنافروید» می گوید: «بسیاری از شکست هایی که اغلب با نتایج غم انگیزی در این رابطه همراه است، آن چنان که تصور می شود به دلیل

ص: ۳۹

۱-۱. شرفی محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۰.

۲-۲. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۱.

بی استعدادی فرد نیست.»(۱)

پس کارهای درست و یا نادرست مربوط به استعداد نیست بلکه مربوط به نوع شکل گیری شخصیتی فرد و نوع تربیتی است که او آموخته است؛ هم چنین این موضوع به نوع آرمان گرایی و ارزش هایی که در او شکل گرفته است بستگی دارد.

۷. بهترین دوره برای تربیت و هدایت انسان

«با توجه به تعریف هایی که در روان شناسی انجام گرفته، ثابت شده است که بهترین زمان برای ایجاد شخصیت واقعی انسان، دوره نوجوانی است.»(۲)

پس اگر مراحل تربیتی در سنین کودکی از طرف والدین و یا مربیان تربیتی با منش درست پی ریزی شده باشد، کودک در دوره نوجوانی با مشکل کمتری مواجه می شود.

البته نباید از نظر دور داشت که این دوره بحرانی بی حاصل نیست؛ بلکه دوره ای است که همه این سختی ها و نا همواری ها برای ساختمان شخصیت نهایی و برای پیشرفت سریع و قطعی نوجوان لازم است.(۳)

۸. دوره هویت جویی

سؤالات متعددی به ذهن جوانان خطور می کند؛ «اریکسون» در این زمینه می نویسد:

«هویتی که نوجوان در صدد است تا به طوری روشن با آن مواجه شود

ص: ۴۰

۱- ۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۴.

۲- ۲. بالایان مسروب، روان شناسی بلوغ، ص ۶۸.

۳- ۳. بالایان مسروب، روان شناسی بلوغ، ص ۶۸.

این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا نماید چیست؟ آیا او یک کودک است یا بزرگسال؟ آیا او می تواند روزی به عنوان یک همسر یا پدر باشد؟ با وجود نژاد و مذهب و زمینه های ملی که او را در نظر مردم کم ارزش جلوه می دهد، آیا او احساس اعتماد به نفس دارد؟»^(۱)

«نوجوانان تلاش می کنند نقش های متعددی را آزمایش کنند تا به نقش اصلی خود پی ببرند و این جاست که نیاز به راه نما دارند آن ها نباید احساس کنند که کسی دارد فکرش را به آن ها دیکته و تحمیل می نماید. در دوران نوجوانی، مسأله هویت یابی به صورت یک گره کور برای فرد در می آید. نوجوان در این دوره پرتلاطم ما روزبه روز دچار تغییرات عمده درونی و بیرونی گردیده با مجموعه ای از تغییرات روانی، فیزیولوژیکی، جنینی، شناختی و نیز تقاضای مختلف شغلی و اجتماعی روبه رو می شود»^(۲).

به همین دلیل به نظر دیگران در مورد خودش، اهمیت داده و آن را با تصویری که از خود دارد مقایسه می کند.

۹. دوره علاقه مندی به مذهب

نوجوان در دوران نوجوانی، تمایل بیش تری به مذهب پیدا می کند به ویژه اگر در خانواده ای متدین پرورش یافته باشد، این احساس در او شدیدتر است.

در این دوره، برای او سؤالات گوناگونی به وجود می آید و اگر خانواده بتواند خوب از عهده سؤالات او بر آید، علاقه او به مذهب دو چندان

ص: ۴۱

۱- ۱. شرفی، محمد رضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۵.

۲- ۲. نجاتی، حسین؛ روان شناسی کودک، ص ۲۰۹.

می شود و حتی مطالب برای او تازگی پیدا می کند و جَدَّاب می شود. چنین نوجوانی می تواند در این زمینه بسیار موفق تر باشد و در زندگی از سایر هم سالان خود آرامش بیش تری داشته باشد.

در این زمینه، تحقیقاتی که کولن و آرلوند انجام داده اند نشان می دهد که نوجوانان در سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی دارای اعتقادات مذهبی بیش تری هستند و این اعتقادات از سن ۱۸ سال به بعد کاهش می یابد.

به گفته مورس دبس، در این دوره حتی در افرادی که مذهبی نبوده اند، چنین بیداری مذهبی دیده می شود و حتی این بیداری را می توان بخشی از رشد نوجوانان دانست. (۱)

۱۰. اثرپذیری

اثرپذیری یکی از خصایص دیگر این دوره است. امام علی (ع) در سفارش به امام حسن (ع) می فرماید: «دل نوجوان مانند زمینی خالی و مستعد است که هر بذری در آن افشاندن شود می پذیرد. از این رو در آغاز جوانی بیش از آن که قلبت سخت شود، به تربیت تو اقدام کردم» (۲).

بنابراین نوجوان آمادگی هر گونه آموزش را دارد البته این آمادگی مادام العمر نیست و این از اثرپذیری این دوره است که امام برای فرزندش به آن اهتمام می ورزد و غفلت از آن با خسارت جبران ناپذیری همراه است.

اگر بخواهیم در رده بندی ویژگی های نوجوانی، اثرپذیری را انتخاب کنیم، جایگاه اول را به خود اختصاص خواهد داد.

ص: ۴۲

۱- ۱. بیابان گرد، اسماعیل؛ روان شناسی نوجوانان، ص ۹۹.

۲- ۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

اشاره

پیش از این از عوامل مؤثر بر شخصیت سخن گفتیم. آن عوامل بر شخصیت جوان نیز تأثیر گذارند ولی به سبب اهمیت برخی عوامل، بحث را با توضیحات بیش تری ادامه می دهیم.

الف. خانواده (پدر و مادر)

اشاره

خانواده، اصلی ترین عامل مؤثر بر شخصیت جوانان می باشد، چون اولین کانونی که انسان پای در آن می نهد و زندگی خود را از آن جا شروع می کند و وقت زیادی را آن جا می گذارند، خانواده است.

خانواده از دو حیث در تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد: یکی به عنوان عامل محیطی و دوم به عنوان عامل ارثی.

۱. پدر

در خانواده هم مادر و هم پدر نقش به سزایی در شخصیت و تربیت فرزندان دارند. با این وجود، اگر پدر وقت کافی برای هم نشینی در کنار فرزندان یا حضور کافی در خانواده نداشته باشد، نقش مؤثر پدر بر فرزند حاصل نمی شود.

لذا به خاطر آن که نقش پدر بسیار مهم است، فرزندان بالأخص پسران، از وی به عنوان الگو در شکل گیری شخصیت ها و روحیات خود، اثرپذیر هستند.

اگر پدر نقش فعال و قوی در مدیریت خانواده نداشته باشد و از اداره خانواده کنار باشد، پسر، فاقد روحیه مردانه خواهد شد و این امر، در رفتار اجتماعی بعدی او اثرات بسیار سوء باقی خواهد گذاشت. چنین

افرادی، قاعدتاً از استقلال، قدرت و مدیریت کافی برخوردار نیستند.

اگر پدر در مسایل مذهبی و انجام تکالیف الهی انسانی خود، سست اراده باشد، قطعاً عمل او آثار سوء فراوانی خواهد داشت و اگر آگاهی کامل از مسایل مذهبی داشته باشد و خودش به آن ها عامل باشد، قطعاً اثرات به سزایی بر شخصیت فرزندان خواهد گذاشت.

۲. مادر

اولین توقف گاه تربیتی فرزند در محیط خانواده، دامن مادر است و به طور طبیعی همه انسان ها بر اساس قانون خلقت و طبیعت، در شکم مادر با زندگی اولیه ای که متعلق به آن دوره است، انس گرفته و بعد از تولد، در دامن پر مهر مادر رشد می نمایند.

به دلیل علاقه فرزند به مادر، همه اعمال و حرکات و سکناات مادر به فرزند منتقل می شود. پس مادر، در رشد شخصیت و اثرگذاری بر فرزند نقش به سزایی دارد.

امام خمینی (ره) در یکی از بیانات خویش خطاب به مادران چنین فرموده اند:

«مسئولیت بچه را در دامن خودتان دارید... مادر خوب، بچه خوب تربیت می کند و خدای ناخواسته، اگر مادر منحرف باشد بچه از همان دامن منحرف بیرون می آید. چون بچه هرچه در این دوره از مادر می بیند، اگر مادر مهذب بود بچه خوب رشد می کند از همان اول و چون کردار بچه از روی تقلید است و تقلید مادر از همه تقلیدها مؤثرتر است (۱)، بچه آن گونه می شود.

ص: ۴۴

۱- ۱. موسوی خمین، روح الله، صحیفه نوری، ۶، ص ۱۵۷.

ب. مربیان و معلمان

نوجوان و جوان بخش مهمی از عمر خویش را در مدارس، دبیرستان ها و دانشگاه ها سپری می کند و با معلمان و مربیان در ارتباط است.

در روایتی که از سفارشات مولا علی (ع) به «کمیل» است، مولا چنین بیان می نمایند: «ای کمیل! همانا خداوند رسول الله را تربیت کرد و پیامبر نیز به تربیت من پرداخت و من هم مؤمنان را تربیت می کنم و آداب (زندگی) را برای مردم گرامی به ارث می گذارم.»^(۱)

بر این مبنا، مربی از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار می باشد.

در درجه اول کارهای یک مربی باید برای دیگران سرمشق باشد. تنها، گفتن کافی نیست و مربی باید خود واقعاً تربیت یافته باشد. امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید: «اگر خواستی دیگران را اصلاح کنی ابتدا خودت را اصلاح کن.»^(۲)

اگر یک مربی بتواند ویژگی های زیر را کسب کند می توان گفت مربی موفق است:

۱ - مهربانی و محبت

۲ - مزاح و خوشرویی

۳ - شجاعت

۴ - اشتیاق به کارهای جمعی و گروهی

۵ - علم و دانش

ص: ۴۵

۱- ۱. حرّانی، ابو محمد؛ تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۲۸۳.

۲- ۲. غررالحکم، ص ۲۷۸.

ج. نقش دوستان

جوانان، بیش تر دنبال هم نشینی با دوستان هستند و تا حدی از خانواده فاصله می گیرند و روی به دوست می آورند.

پدران و مادران نمی توانند جای دوستان را بگیرند بلکه فقط می توانند برای فرزند در این دوره سنی، مشاور خوبی باشند. آن ها حتی اگر خیلی هم با فرزند خویش دوست باشند باز هم نمی توانند برای او جای همبازی و هم سخن را پرکنند.

از نظر اسلام، دوستی و معاشرت نفی نشده است. در اصول کافی در مورد دوستی و معاشرت، به دو گروه انسان اشاره شده است: «اول، کسانی که نباید با آن ها دوستی و معاشرت کرد. دوم، کسانی که واجب است دوست و هم نشین انسان باشند.»^(۱)

«نقش دوست و هم نشین در سرنوشت انسان به حدی است که رسول اکرم (ص) می فرمایند: «المرء علی دین خلیله و قرینه»^(۲).

مولا علی (ع) نیز در مورد دوستان می فرماید: «لا تسئل عن المرء و سئل عن قرینه»^(۳) برای شناخت شخصیت افراد احتیاج به بررسی و مطالعه آنان نیست؛ با بررسی دوستان آن ها می توان به خلیات آن ها پی برد زیرا هرکس بر اساس روحیات خود، دوست خود را گزینش می کند.

در قرآن کریم نیز راجع به دوستان فاسد آمده است: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»^(۴). «وای بر من! کاش با فلانی دوستی نکرده بودم.»

ص: ۴۶

-
- ۱- ۱. مرحوم کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹۱ با ترجمه آیت الله محمدباقر کمره ای.
 - ۲- ۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰.
 - ۳- ۳. نهج البلاغه، ماده قرین، پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ح ۳۰۷۷.
 - ۴- ۴. سوره فرقان، آیه ۲۸؛ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

با توجه به این که جوانان در انتخاب دوست و رفیق براساس نیاز فطری عمل می کنند، دو ویژگی عمده در آنان دیده می شود:

۱ - دوستان غالباً شناخت کافی و کامل از هم ندارند و به راحتی یا از محیط درس و یا از محیط زندگی و یا کار طرح دوستی ریخته می شود.

۲ - دوستان به آسانی از همدیگر اثر می پذیرند.

امام علی (ع) می فرماید: «هرکس بدون سنجش با کسی دوستی کند، به ناچار با فاسدان هم نشین می شود» (۱).

حدیثی جامع و کامل از امام صادق (ع) راجع به این که چه کسی را برای خویش دوست قرار دهیم وجود دارد. ایشان می فرماید: «دوستی، دارای مشخصاتی است که هرکس آن مشخصات را به طور کامل نداشته باشد، او را دوست کامل محسوب نکن و هرکس هیچ یک از این مشخصات را ندارد، هیچ گونه دوستی با او نداشته باش:

۱ - در نمان و آشکار با تو یک گونه باشد

۲ - خوبی تو را خوبی خودش و بدی تو را بدی خودش بداند

۳ - مال و منال، در دوستی اش با تو اثر نگذارد

۴ - از توان خود برای تو مضایقه نکند

۵ - در سختی ها، تو را تنها نگذارد (۲).

د. محیط اجتماعی

یکی از عوامل مؤثر در شخصیت جوانان، محیط اجتماعی است. تأثیرگذاری محیط به حدی است که نه فقط در مسایل ظاهری، بلکه حتی

ص: ۴۷

۱- ۱. غررالحکم، ص ۴۱۶، ح ۹۴۹۶.

۲- ۲. امالی، شیخ صدوق، ص ۳۹۷.

در مسایلی مانند اعتقادات و جریانات مذهبی هم اثرگذار است. جوانان، صفات اجتماعی خود را از کسانی کسب می نمایند که بیشترین ارتباط را با آن ها دارند. این فراگیری از کودکی آغاز می شود و در دوران نوجوانی و جوانی به بالاترین حد خود می رسد.

پس در اصل اثرگذاری محیط اجتماعی، شکی نیست و نوع برنامه ریزی از طرف مسئولان برای جامعه در این زمینه اهمیت دارد. امام علی(ع) در این زمینه می فرماید:

«الْأَناسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ بِأَبَائِهِمْ» (۱).

مردم در روش های اخلاقی و صفات اجتماعی، به حکومت های خود بیش تر شباهت دارند تا به پدران خویش.

۵. برنامه های تربیتی

پس از این که جایگاه والدین و مربی و دوستان را با مختصر توضیحاتی شناختیم اکنون به عمده ترین عامل یعنی عامل تربیتی که نقش بسیار اساسی در تربیت دارد می پردازیم. داشتن یک برنامه دقیق در امور تربیتی، از واجبات هر فرد است. بهترین برنامه، آن است که مطابق روحیات، فطریات، استعداد و توانایی تربیت شونده و همگام با مقتضیات زمان باشد.

در تدوین برنامه تربیت جوان باید رعایت نکات زیر را در کنار مبنای کلی تربیتی لازم منظور داشت.

۱. توجه به روحیه نوگرایی و نشاط جوانی در محیطهای آموزشی و تربیتی و تبلیغی به همراه روحیات جوان پسند و حق طلبی.

ص: ۴۸

۲. توجه داشتن به روح اثرپذیری جوانان در برنامه های فرهنگی و جلوگیری از آلودگی های غلط و توجه به این که هدایت جوانان به صفات والای انسانی، یک وظیفه شرعی و انسانی است.

۳- رعایت و خواست فطری جوانان و رساندن رسالت برنامه جوانان از طریق رسانه های گروهی.

۴- ارایه دادن بهترین کتب تربیتی روز با قیمت های مناسب.

۵- بهره برداری از اردوهای تفریحی و زیارتی، در جهت امور تربیتی و کوشش در سالم سازی محیطهای ورزشی و تفریحی و غنی سازی برنامه های ورزشی و تفریحی که موجب رشد جوانان می شود.

۶- استفاده از نظرسنجی های جوانان در شناخت نیازهای نو و به روز آن ها، در جهت برنامه ریزی امور جوانان و با تأثیر از دستورهای کارشناسی برنامه ریزان.

۷- توجه کامل به دستورات دین مبین اسلام و گفتار انبیاء و بزرگان در تربیت جوانان و ارایه آن ها با شیوه های جدید.

فصل دوم: تأثیر نماز بر شخصیت جوانان

مبحث اول: طهارت

اشاره

طهارت شرط ورود به نماز است و آثار روحی و معنوی زیادی دارد اما پیش از هرگونه توضیحی در این باره باید معنای طهارت را بیان نماییم.

گفتار اول: مفهوم شناسی

الف. مفهوم لغوی

طهارت از ماده «طَهَرَ» گرفته شده، به معنی پاکیزگی و به معنی «تنزه عن الدّم» هم آمده که منظور، پاکی است (۱).

ص: ۵۱

۱- ۱. ابی الحسین احمد بن فارسی بن زکریا، معجم مقایس اللغه، ج ۳، ص ۴۸۲.

ب. اصطلاحی

معنای اصطلاحی طهارت نیز به معنای لغوی آن شباهت دارد. در معنی طهارت گفته شده است: «الطُّهْرُ الْخُلُوعُ مِنَ النَّجَاسَةِ» (۱). خالی بودن از نجاست از طریق کسب طهارت، گاهی با وضو میسر است، گاهی با غسل و در مواقعی هم با تیمم. البته عرفاً طهارت را به دو قسم ظاهری و باطنی تقسیم کرده اند.

۱. طهارت ظاهری: موجب رفع آلودگی ها از نجاسات ظاهری است.

۲. طهارت باطنی: پاک نمودن روح از مفاصل اخلاقی است (۲).

هر دو نوع طهارت را برای نماز گزار لازم دانسته اند. چنان که گفته اند: «بر سالک الی الله لازم است که در اوّل امر، رفع موانع و قذارات کند تا اتّصاف به طهارت و حصول طهور که از عالم نور است، برای او میسر شود و تا تطهیر جمیع قذارات ظاهریّه و باطنیه و عیثیه و سرّیه نشود سالک را حظّی محضّر حضور نخواهد بود» (۳).

گفتار دوم: فلسفه وضو

الف. طهارت و پاکیزگی جسمی و روحی

بدون وضو امکان ورود به نماز میسر نیست. حدیث معروفی در مورد آداب وضو از امام رضا (ع) وارد شده که می فرماید: «همانا امر شده است به وضو، تا آن که بنده پاک باشد هنگامی که می ایستد مقابل خدای جبار و وقت مناجات نمودن حق را و برای آن که مطیع باشد در آن چه او را

ص: ۵۲

۱- ۱. د. احمد فتح الله، معجم الالفاظ فقه جعفری ۲۷۲، بی جا بی تا.

۲- ۲. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجّهالبیضاء، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳- ۳. موسوی خمینی، روح الله؛ آداب الصّلاه، ص ۶۲.

فرموده و پاکیزه باشد از کثافت و نجاست»(۱).

وضو، دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می سازد. مرحوم فیض کاشانی می گوید: «یک باره برخاستن از مادیت و کوچ به معنویت مشکل است ولی وضو گرفتن انسان را کم کم آماده می سازد»(۲).

نورانیت و صفای باطنی که در سایه وضو به وجود می آید، دارای اهمیت خاصی است. در این مورد روایات فراوانی وارد شده و تأکید هم شده است که انسان همواره با وضو باشد. در روایات وضو به نور تشبیه شده است و این نور است که انسان را از ظلمات نجات می دهد(۳).

علاوه بر این، وضو به منزله اجازه ورود به محضر پروردگار است. امام رضا(ع) برای یکی از شاگردانش، فلسفه وضو را چنین تفسیر نموده است: «طرز وضو گرفتن و غسل و مسح این است که انسان با اعضای پاک متوجه خداوند سبحان گردد. آیا می شود انسان با چشم گناه کند و با همان چشم و صورت متوجه خداوند شود؟»(۴).

از نظر بهداشتی هم، شستن صورت و دست ها آن هم پنج بار یا لااقل سه بار در شبانه روز، اثر قابل توجهی در نظافت بدن دارد و سبب می شود اعضاء نیز پاکیزه بمانند(۵). علاوه بر این، تماس آب با پوست، باعث نشاط است. حتی در مواقعی که انسان تعادل خود را از دست می دهد و عصبی می شود، وضو باعث آرامش انسان می شود. در روایتی آمده است که

ص: ۵۳

۱- ۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- ۲. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجّهالیضاء، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳- ۳. مشکینی، علی؛ قصارالجمال، ج ۱، ص ۳۱۱.

۴- ۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، باب ۱۲، ح ۲.

۵- ۵. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۹۱.

امروز که مسایل اقتصادی از جمله دغدغه های جوانان است، هرچند در متون دینی توصیه های زیادی به کار و فعالیت شده است و جوانان را به داشتن شغل ترغیب کرده اند

اما اموری نیز وجود دارد که سبب توجه خداوند سبحان می شود و این دغدغه را همراه با داشتن شغل و کار کاهش می دهد که از جمله آن ها، وضو است.

ج. بازدارندگی از جرایم

دوران جوانی، دوران لغزش و غفلت و دورانی است که امکان ارتکاب جرم و گناه بیش تر است.

امیرالمؤمنین علی(ع) می فرمایند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَرْتَفِعُ فِيهِ الْفَاحِشَةُ... فَمَنْ بَلَغَ مِنْكُمْ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلَا يَبْتَئِنُّ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ».

زمانی بر مردم بگذرد که کارهای ناشایسته و زنا بسیار گردد. هر یک از شما که آن زمان را درک کند، نباید شب را به خواب راحت به صبح آورد و بدون وضو به خواب رود. (۱)

از این روایت می توان دریافت که وضو موجب بازدارندگی از گناهان و جرایم می شود، چون فردی که به دنبال وضو و نماز رفت و خدا را یاد کرد، خداوند او را از گناهان محفوظ می دارد.

د. رفع آلودگی ها

وضو، موجب رفع آلودگی های ظاهری می شود. نماز گزار که می داند باید در موقع اقامه نماز پاک باشد، در اندیشه مقدمات آن نیز هست و برای نماز، خود را مهیا می سازد.

او که می داند عالم محضر خداوند سبحان است و می داند در موقع

ص: ۵۵

نماز باید خداوندی را عبادت نماید که زیباست و زیبایی را دوست دارد، خود را از آلودگی های جسمی پاک می نماید و تمام دستوراتی را که اسلام سفارش نموده، در موقع وضو ساختن انجام می دهد و هیچ آلودگی را در بدن خود باقی نمی گذارد.

۵. سلامتی و تندرستی بدن

توصیه های زیادی برای اعمال مستحب در زمان وضو شده است که در ایجاد طهارت و نظافت جسم بسیار حائز اهمیت است؛ مثلاً مسواک زدن به عنوان شستن دندان و دهان به عنوان یک عبادت مهم محسوب می شود. رسول خدا(ص) می فرماید:

«السَّوَاكُ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: مُطَهِّرَةٌ لِلْفَمِ، مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ، يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ سَبْعِينَ ضِعْفًا وَ هُوَ مِنَ السَّنَةِ، وَ يُذْهِبُ الْخَفَرَ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يُشَدِّدُ اللَّثَّةَ وَ يَعْطِقُ الْبَلْغَمَ وَ يُذْهِبُ بَغْشَاوَهَا وَ الْبَصَرَ وَ يَشْهِي الطَّعَامَ.»

«در مسواک زدن ده خصلت است: ۱- دهان را پاکیزه می سازد و موجب خوشنودی پروردگارا است و دندان هارا سفید می کند و آن چه را که بر دندان ها جمع شده که باعث خرابی دندان می شود از بین می برد، بلغم را کم می کند و اشتهای طعام می آورد، حسنات را زیاد می کند و موجب می شود سنت بر پا گردد، لثه را محکم می سازد و موجب تقویت بینایی چشم شده و اشتها را زیاد می کند»(۱)

رسول خدا(ص) هم چنین می فرماید: «السَّوَاكُ شَطْرُ الوُضوءِ»(۲)؛ «مسواک زدن نیمی از وضو است» و در سیره عملی آن حضرت است که.

ص: ۵۶

۱- ۱. خصال، شیخ صدوق، ج ۲ ص ۴۴۹. چاپ جامعه مدرسین.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۷ ص ۳۴۳. محجهاالیضاء، ج ۱، ص ۲۹۷.

«لَمْ يُرِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَطَّ إِلَّا تَوَضَّأَ وَ يَتَّيَدِي ۚ بِالسَّوَاكِ» (۱)

هرگز دیده نشد رسول خدا (ص) مگر آن که وضو می گرفت و آن را با مسواک زدن شروع می کرد.

فرستادن صلوات، گفتن ذکرهای خاص، خواندن برخی آیات و سوره ها و نیز اعمال دیگر هنگام وضو گرفتن مؤثر هستند و سفارش شده اند.

و. شادابی و نشاط جسمی و روحی

وضو علاوه بر آن که یک عبادت محسوب می شود هم اثر بهداشتی دارد و هم اثر روحی. به عبارتی، وضو هم شامل طهارت جسم می شود و هم طهارت روح. وضو به نور شبیه شده و موجب آماده شدن و صفای باطن می گردد.

انسان با وضو، از حالت خمودی و کسالت بیرون می آید و با شستن دست و صورت، گرد و غبار و میکروب هایی را که مرتب به سروصورت او می نشیند، برطرف می کند. وضو هم چنین موجب پاکی، آمادگی معنوی، روحی، جسمی و کسب نشاط در فرد عبادت کننده می شود. در روایتی از امام رضا (ع) در مورد وضو چنین آمده است: «إِنَّمَا أَمَرَ بِالْوُضُوءِ... مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ؛ وضو باعث از بین رفتن کسالت و خواب آلودگی می شود» (۲). بنابراین وضو دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می سازد.

یک پزشک متخصص در مورد فواید وضو می گوید: قبض و بسطی که

ص: ۵۷

۱- ۱. مجله البیضاء، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲- ۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۷.

عروق جلدی در قالب جریان آب در وضو بر آن ها می یابند، موجب ازدیاد حرکت قلب و نشاط جسمی می شود. (۱)

در روایات هم اشاره شده که هنگام عبادت، انسان باید حالت کسالت و خواب آلودگی را از خود دور نماید. در این زمینه امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «الْوُضُوءُ بَعْدَ الطَّهْوَرِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ فَتَطَهَّرُوا أَيُّكُمْ وَ الْكَسَلِ فَإِنَّ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (۲)

وضو ساختن بعد از پاکیزگی موجب ثواب و اعمال نیک می گردد، بنابراین باید با وضو باشید و از کسالت دوری بجوید زیرا کسی که خواب آلود و مدام کسل باشد، نمی تواند عبادت را خوب ادا نماید.

امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: «تا این جا نکته اصل وضو را بیان فرمود و اهل معرفت و اصحاب سلوک را متنبه نمود به این که در محضر حق جل و علا ایستادن و مناجات با قاضی الحاجات نمودن را آدابی است که باید منظور شود، حتی با قدرات صوریه و کثافات ظاهریه و کسالت چشم ظاهر نیز نباید در آن محضر رفت چه جای آن که دل معدن کثافات باشد و قلب مبتلا به قاذورات معنویه که اهل همه قذارات است باشد.» (۳)

ح. پیش گیری از امراض

این که در اسلام، تأکید و سفارش بر نظافت می شود و دستور است به استحمام، چیدن ناخن های دست و پا و زدن موهای زاید سرو بدن و

ص: ۵۸

-
- ۱- ۱. عقیف عبدالفتاح طیاره، روح الصلاه فی الاسلام، ص ۸۳ چاپ سوم بیروت.
 - ۲- ۲. عقیف عبدالفتاح طیاره، روح الصلاه فی الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۷، چاپ سوم بیروت.
 - ۳- ۳. موسوی خمینی، روح الله؛ آداب نماز، ص ۷۶.

شستن دست ها پیش از غذا و پس از آن و شانه زدن مو، مضمضه و استنشاق، به این دلیل است که همه این ها موجب سلامتی جسمی و پیش گیری از امراض بدنی است.

اسلام به رعایت اصول حفظ صحت و سلامت جسم و عوامل پیش گیری اهمیت بسیاری داده است. هم چنین در اسلام در باب نظافت، مانند سایر مسایل، به جسم و جان توجه توأم شده و مردم را به پاکیزگی تن و روان به موازات یک دیگر دعوت نموده است. قرآن کریم می فرماید: «وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ تطهر به معنی پذیرفتن و شروع به طهارت است و نیز خدا انواع تطهر را دوست می دارد، چه آن که با گرفتن وضو و انجام غسل باشد. (۱)

آیه فوق به این موضوع اشاره دارد و می گوید: «کسانی که در پاکی روان و پاکیزگی جسم خود کوشش می کنند و وظایف خویش را انجام می دهند، آن ها دوستان خدایند.»

پس نمازگزاری که می داند باید به خصوص هنگام نماز پاک باشد و در فکر نظافت و فکر حمام کردن و بهداشت باشد، در پیش گیری از امراض پیش قدم شده و خود با رعایت نمودن پاکیزگی، جزئی از ایمان را به جا آورده است. (۲)

ت. سلامتی روانی

اسلام علاوه بر جسم، به روح و روان انسان نیز توجه کرده است و سلامت روحی و روانی را بسیار با اهمیت می داند و امراض روحی را

ص: ۵۹

۱- ۱. موسوی، سید محمدباقر؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲- ۲. قرائتی، محسن با همکاری بهشتی، سید جواد؛ همراه با نماز، ص ۱۴۴.

خطرناک تر از امراض جسمی می داند.

امیرالمؤمنین می فرماید: «بالا-ترین خطر برای جامعه فقر است... و بالاتر از آن مرض و بیماری جسمی و بالاتر از آن بیماری روح است.»^(۱)

امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: «خداوند از طهارت صورتی و نظافت ظاهریه نیز اهمال ننموده است... از فوائد وضو معلوم شود که برای وضو باطنی است که به آن تزکیه باطن شود و نیز رابطه ما بین ظاهر و باطن و شهادت غیبت معلوم شود و نیز استفاده شود که ظهور ظاهری و وضوی صورتی از عبادات است و اطاعت رب است و از این جهت، ظهور ظاهر باطن گردد و از طهارت صورتی تزکیه فؤاد حاصل می شود.»^(۲)

ی. آثار معنوی و اخروی وضو

وضو دارای حکمت گسترده ای است و تأثیر آن نیز در عمل کرد انسان بی نتیجه نیست. بعضی آثار آن، در این دنیا حاصل می شود و بعضی دیگر مربوط می شود به سرای ابدی. هر یک از اعضای وضو که آب به آن ها می رسد، وسیله ای می شود که گناهان را از میان می برد و شخص را مهبای به پیشواز خدا رفتن می کند.^(۳)

در این زمینه پیامبر خدا(ص) می فرماید: «يَتَّبَعِدُ عَنْهُ الشَّيْطَانُ، فَإِذَا تَمَضَّمَ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لِسَانَهُ بِالْحِكْمَةِ وَإِذَا اسْتَنْشَقَ أَمَنَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَ رَزَقَهُ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، وَإِذَا غَسَلَ وَجْهَهُ بَيَّضَ اللَّهُ وَجْهَهُ، يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهُ وَ تَسْوَدُ وُجُوهُ فَإِذَا غَسَلَ سَاعِدَيْهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَغْلَالَ النَّارِ وَإِذَا مَسَحَ رَأْسَهُ مَسَحَ اللَّهُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ»

ص: ۶۰

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷.

۲- ۲. موسوی خمینی، روح الله؛ آداب نماز، ص ۶۹.

۳- ۳. گرامی، اخلاق و عرفان در وضو و نماز، ص ۲۸.

وَإِذَا مَسَّحَ قَدَمَيْهِ أَجَازَةً عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. (۱)

وقتی آب را مضمضه می کند، شیطان از او دور می شود. خدا دل و زبانش را به حکمت نورانی می کند و وقتی در بینی آب می ریزد، خدا او را از آتش دوزخ امان می دهد و بوی بهشت نصیبتش می کند. آن گاه که رستاخیز فرا می رسد و برخی از چهره ها سفید و برخی دیگر سیاه می شود، وضو گیرنده را خداوند سرفراز و رو سفید می کند. او که دست ها را می شوید، خدا زنجیرها و پابندهای جهنم را بر او حرام می کند؛ وقتی سر را مسح می کند پلیدی های ناشی از گناه را از بین می برد؛ زمانی که پاها را مسح می نماید،

خداوند پاهایش را برپیل صراط نمی لرزاند. پس این همه آثار به وسیله وضو فراهم می شود.

مبحث دوم: آثار نماز

گفتار اول: تأثیر نماز در بعد شخصیت روحی و معنوی جوان

الف. آثار وضعی

احکام الهی و دستورات دینی، در قالب اوامر و نواهی به وسیله قرآن کریم و سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) برای انسان ها بیان شده و به شکل قوانین و مقررات حاکم شده اند.

در این شکی نیست که هدف تمامی قانون گذاران از وضع قانون، برقراری آرامش، آسایش، امنیت و نظم و نظام در زندگی انسان هاست و سعادت مندی و خوشبختی برای عموم در آن ها لحاظ شده است. گاهی در

ص: ۶۱

قانون هایی که انسان آن را وضع می نماید، سلیقه های شخصی و جناحی به وضوح دیده می شود. به همین جهت با گذشت زمان این قوانین مفهوم خود را از دست می دهند. اما قانون گذار الهی، بالاتر از همه انسان ها و آگاه به تمامی مصالح و مفاسد آن هاست و کوچک ترین تنگ نظری و ظلم و اعمال سلیقه های شخصی و حکومتی نیز در حوزه قانون گذار اسلامی وجود ندارد.

قوانین آسمانی و الهی همه جانبه است. هم سعادت دنیا و هم آخرت و هم جسم و هم روح انسان در قانون گذاری دیده شده است. تاکنون از آثار جسمی نماز یا آثار نماز بر جسم انسان سخن گفتیم. اکنون به بیان آثار نماز بر روح و روان انسان می پردازیم.

ب. آرامش روانی

آرامش خاطر و آسودگی روان از گم شده های مردم در روزگار ماست که همه نیازمند و طالب آن هستند. توجه دادن به این امر که فقط یاد خدا و نماز می تواند روح سرگردان انسان را آرام کند و از دغدغه های مختلف برهاند و سعادت مندی دائمی برای انسان حاصل نماید، تأثیر زیادی در فراهم سازی آسایش و آرامش روان جوانان دارد.

قرآن نیز به این معنی اشاره دارد: «أَلَا بِعِزِّ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۱)»؛ آگاه باشید تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد. نماز یک عبادت است که موجب ارتباط بین خالق و مخلوق می شود و برای نماز گزار آرامش روانی و آسایش روحی را نیز به همراه دارد و او را از ابتلا به امراض و کسالت های روحی و روانی دور نگه می دارد. نماز، انسان را از هرچه که به موجب آن به روح و روان فرد لطمه

ص: ۶۲

وارد می شود، نهی می کند.

امروزه در دنیای علم پزشکی و روان پزشکی نیز اعتقاد است که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی، تشویش و ترس را که علت بیش تر بیماری هاست، برطرف می سازد. «در آمریکابیش ترین بیماری ها، روانی است و در کشورهای اروپایی نیز اضطراب، بزرگ ترین بیماری است.»^(۱)

در کشورهای غربی وجود این همه امکانات و تکنولوژی، باعث آرامش روحی آنان نشده و علت بیش تر امراض آنان، عدم برقراری ارتباط با خداوند است.

حال سؤال این است که چگونه نماز باعث آرامش روانی جوانان می شود؟

افرادی که زندگی را پوچ و بی معنی و بی هدف برای خود تصور می کنند و آن را رنگ باخته و از دست رفته می بینند، به ناامیدی و افسردگی، اضطراب و انزواطلبی مبتلا می شوند. آنان به علت این که برای خود و کار خود ارزش قائل نیستند و قدرت ماورایی را که ناظر بر اعمالشان باشد قبول ندارند، اعتماد به نفس و امنیت روانی خود را از دست می دهند. اما جوان نمازگزار در روز، مرتباً می گوید: این جهان آفریننده و پرورش دهنده ای دارد که بر آن نظارت دارد و داور ارزش گذار کار بندگان خود است. کوچک ترین کار آنان را زیر نظر دارد و به آن نمره می دهد و برای آن، ثواب و عقاب معین می کند. او مالک روز محاسبه (یوم الدین) است. پس نمازگزار به یقین می داند که هر ذره ای قابل حساب است: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند و هر کس هم وزن

ص: ۶۳

ذره ای کار بد کرده آن را می بیند.»^(۱) و همین است که به او آرامش خاطر و

امنیت روانی می دهد؛ لذا گرفتاری های دنیا، رنج ترک گناه و عمل به تکلیف را راحت تر و آسان تر می پذیرد.

توجه و خشوع از شرایط مهم نماز است و وسیله ای است برای پرورش و تمرین حضور و تمرکز حواس که در زندگی بسیار حائز اهمیت بوده، بیش ترین موفقیت های انسان در نتیجه همین تمرکز و توجه کامل و حضور ذهن است. نماز نشان می دهد که رابطه ای بین انسان و پروردگارش وجود دارد. خشوع و خضوع انسان در نماز، به او نیرویی معنوی می بخشد که صفای روحی و آرامش جسمی و امنیت روانی را در او به وجود می آورد.

رسول خدا به بلال می فرماید: «قُمْ يَا بَلَالُ فَأَرِحْنَا بِالصَّلَاةِ (۲)» «بلال برخیز و ما را با نماز، آسایش بخش»؛ نقش نماز در آرامش انسان مورد آزمایش و بررسی نیز واقع شده است و امروزه یکی از روش های مورد استفاده برخی روان پزشکان جدید است. رسول خدا می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِصِيَالِهِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ مُطْرِدُهُالدَاءِ فِي الْجَسَدِ (۳)»؛ نماز شب را بخوانید که آن دافع بیماری از بدن است.

پس نماز، نه تنها یک عبادت است، بلکه یک برنامه تدوین شده برای نظم و سلامت جسمی و روحی و آرام کننده ناراحتی های تن می باشد.

در دوره پناه جویی، بشر به کسی پناه می برد که نمی داند کجاست، اما می داند همه جا هست و او را از ناامیدی می رهاند. او همان خدایی است

ص: ۶۴

۱- ۱. سوره زلزال، آیات ۷ و ۸، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲- ۲. متقی الهندی، علاءالدین؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۶۹۳.

۳- ۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۲۳.

که در همه ادوار به او پناه می برد و از او آرامش می گیرد و در سایه عبادت او، به آرامش می رسد.

پس نماز، نمازگزار را از اضطراب و دغدغه های فکری دور نگاه می دارد، به او آرامش روح و روان می بخشد و در آرامش روانی او اثر فراوان دارد.

گفتار دوم: ایجاد تنفر از بدی ها در جوان

الف. ایجاد نفرت از گناهان

یکی از بارزترین ویژگی ها و خصوصیات نماز، ایجاد تنفر و بازدارندگی از فرورفتن در منجلاب فساد و منکرات است.

این امر، البته از اقتضائات نماز است، نه این که این علت تامه آن باشد؛ لذا بدیهی است کسی که در روز، پنج بار به سوی پروردگارش با خشوع و خضوع و خاکساری، نماز به جای می آورد به ویژه اگر در محیطی سالم باشد انسانی با نزدیک ترین رابطه به درگاه خداست. اگر انسان خدا را فراموش نمود و او را ناظر اعمال خویش دانست، حلاوت عبادت موجب ایجاد تنفر از گناه در او می شود و او را از هر زشتی و پلیدی باز می دارد. از سفارشات امام علی (ع) به «کمیل» است که می فرماید: «ای کمیل! مهم نیست (این که) نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی! مهم این است که نماز با قلبی پاک انجام پذیرد و مورد قبول خداوند باشد و با خشوع و خاکساری ادا شود.»^(۱)

وقتی نماز خواندن صرفاً یک عادت نباشد و همراه با فروتنی انجام

ص: ۶۵

پذیرد و با دقت تمام و کمال به جا آورده شود، موجب توجه به ذات اقدس احدیت می گردد.

چنین نمازی فرد را از کارهای زشت و قبیح که با فطرت انسان سازگاری ندارد، باز می دارد و دژ محکمی در مقابل شیطان است. امام علی(ع) می فرماید: «نماز قلعه و دژ محکمی است که نماز گزار را از حملات شیطان دور نگاه می دارد.»^(۱)

پس نماز وقتی با عشق خوانده شود و استمرار پیدا کند، موجب دوری از گناهان می شود و حلاوت ارتباط با خدا برقرار کردن، تنفر از گناه را در وجود فرد تقویت می کند.

با این وصف اگر از همان ابتدا که فرزندان هنوز تأثیرپذیر هستند، از طرف خانواده به درستی به نماز سوق داده شوند نفس آنان از گناه احساس لذت نمی نماید و احساس تنفر از گناهان در وجود آن ها ایجاد می شود.

ب. بازدارنده از گناهان

خداوند می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^(۲). نماز را بر پا دار، که نماز انسان را از زشتیها و گناه باز می دارد.

اولویت برنامه های دینی، بر پاداشتن نماز است و به این علت، ما سعی داریم نوجوانان و جوانان را از این امر مهم آگاه سازیم و نماز را در برنامه های آنان قرار دهیم، چرا که هر نوجوان و یا جوانی که قلبش به نور ایمان روشن شود، برای او شیرین ترین و زیباترین حال ها میسر می شود و

ص: ۶۶

۱- ۱. آمدی تمیمی، محسن؛ غررالحکم، ص ۵۶.

۲- ۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

نماز برای آنان آنقدر لذت بخش و آرام بخش است که نیازهای روحی و روانی آن‌ها را برآورده می‌سازد و از مراجعه آنان به سایر چیزها جلوگیری می‌کند. این امر، یعنی برپایی نماز برای جوان و نوجوان تأثیرات بیش‌تری در سازندگی روحی و شخصیتی آن‌ها دارد؛ به همین علت، جوانان، دیگر به دنبال گناه نمی‌روند، چون قلب آنان از گناه سیاه نشده است. وقتی جوان به آثار شخصیتی نماز پی‌برد، جایگاه آن‌را می‌شناسد و به‌طور قطع به دنبال گناه نمی‌رود و مدام خداوند را واقف بر اعمال خویش می‌داند و از گناه دوری می‌جوید.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که اگر نماز دوری از گناه را در فرد ایجاد می‌کند، چرا این حالت برای برخی افراد پیش نمی‌آید؟

ذکر یک روایت از تاریخ در این زمینه بی‌تأثیر نیست. «روزی به رسول خدا(ص) گزارش دادند فردی که به شما در نماز اقتدا می‌نماید، مرتکب فواحش می‌شود. رسول خدا(ص) در جواب آن‌ها فرمود: بالاخره روزی نماز او را نجات خواهد داد و پس از مدتی آن جوان توبه کرد.»^(۱)

در تفسیر آیه ذکر شده در بالا، مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «سیاق آیه شاهد بر این است که مراد از این، باز داری طبیعت نماز از فحشا و منکر است. البته بازدارندگی آن، به نحو اقتضاء است، نه علیت تامه. که هر کس نماز خواند دیگر نتواند گناه کند.»^(۲)

ص: ۶۷

-
- ۱- ۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸.
 - ۲- ۲. طباطبائی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۲.

اشاره

از روزی که لعنت الهی به شیطان تعلق گرفت، شیطان به نام مقدس خدا قسم یاد کرد که افراد غیر خالص و صالح را گمراه نماید. امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «پس شیطان بزرگ ترین مانع برای دین داری و زیان بارترین و آتش افروزترین فرد دنیای شما است.»

شک نیست که شیطان، گمراه کننده ترین موجود است و در پی گمراهی دین داران. امام علی (ع) می فرماید: «مردم! آتش خشم خود را بر ضد شیطان بکار گیرید و ارتباط خود را با او قطع کنید.»^(۱)

اگرچه باید از همه شرور و آفات به خدای تعالی پناه برد اما آن چه در استعاذه آمده است، پناهندگی از شرالاشرار و دشمن آشکار یعنی شیطان است که در سوره ناس هم به خوبی به آن پرداخته شده است.^(۲) در سوره مؤمنین نیز خداوند به رسول گرامی می فرماید: «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ؛ (و بگو پروردگارا به تو پناه می برم.)»^(۳)

وقتی می دانیم که عبادات، نزد شیطان مبعوض ترین عمل است، با نماز می توانیم وسوسه های زیادی را که در انسان به وجود می آورد، از خود دور نماییم و از شر او ایمن باشیم. در ادامه به مواردی در ارتباط با موضوع اشاره می نمایم.

ص: ۶۸

۱- ۱. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۸۳.

۲- ۲. اکبری، محمدرضا؛ تفسیر نماز، ص ۳۵.

۳- ۳. سوره مؤمنون، آیه ۹۷، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

الف. حسادت شیطان به نماز جوان

امام علی (ع) می فرماید: «هنگامی که نماز گزار به نماز می ایستد، شیطان به خاطر رحمتی که نماز گزار را فرا می گیرد، به چشم حسادت به او می نگرد.»^(۱)

به این نکته باید توجه نمود که شیطان به اقامه نماز حساسیت دارد، چون توفیق او را در کشاندن جوانان به فحشا و منکر از بین می برد. نماز بازدارنده از فحشا و منکر است و شیطان تلاش می کند بین بندگان خدا و نماز فاصله بیندازد و آن ها را از عبادت دور کند. با توجه به حساسیت نماز و پناهندگی دائمی به حضرت حق، اثر ویژه آن در دوری از شیطان مشخص می شود.

ب. ایجاد موانع در عبادت

گفته شد که شیطان مدام در پی آن است که انسان اصلاً یادی از خدا نکند و به هر وسیله ممکن انسان را به گمراهی بکشاند و از نماز باز دارد. قرآن هم به تبیین این مورد پرداخته، می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصِيدَ كُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ؟»^(۲) شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت، ایجاد کند و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد. آیا با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید، خودداری خواهید کرد.

در تفسیر المیزان، در ذیل این آیه آمده است: «بغض» و «بغضاء» ضد محبت است. رجسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ، معنای آن این است که این امور از

ص: ۶۹

۱- ۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۸۰.

۲- ۲. سوره مائده، آیه ۹۱، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

عمل شیطان اند و رجس هم از عمل شیطان است برای این است که شیطان هیچ غرضی از این اعمال خود یعنی خمر و میسر ندارد، مگر ایجاد عداوت و بغضاء بین شما و این که به این وسیله شما را به تجاوز از حدود خدا و دشمنی با یک دیگر وادار کند، و در نتیجه به وسیله همین شراب و قمار و انصاب و ازلام، شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد.^(۱)

پس شیطان با این عوامل در صدد فراهم سازی عداوت بین شما و دوری جستن از ذکر خدا و رواج دادن بی بندوباری و ارتکاب فواحش و مخالفت با احکام الهی است.

و گاهی برخی دچار این توهم می شوند که اگر از انسان گناهی سر زد و یا کار زشتی انجام داد، دیگر نمازخواندن فایده ای ندارد. گاهی نیز فرد به خود چنین تلقین می نماید من مشغول گناه هستم دیگر چرا نماز بخوانم و نماز چه تأثیری می تواند در من داشته باشد؟ این افکار در دوران جوانی بیش تر است و شیطان در چنین مواقعی وسوسه بیش تری دارد. در روایتی از مولا علی (ع) آمده است: «الْصَّلَاةُ صَابُؤُنُ الْخَطَايَا»^(۲) نماز صابون شست و شوی گناهان است.

پس نباید از رحمت الهی، نا امید شد چون ناامیدی از گناهان کبیره است و وقتی انسان نا امید شود وسوسه شیطان بیش تر می شود و باب توبه رو به فروبستگی می گذارد.

امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «پس شیطان، بزرگ ترین مانع برای دین داری است.»^(۳) وسوسه های

ص: ۷۰

۱- ۱. طباطبائی، محمدحسین؛ ترجمه موسوی، سید محمدباقر؛ تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۲- ۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۱۳.

۳- ۳. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۸۲.

شیطانی انسان را رها نمی سازند و مدام در پی آتش افروزی هستند؛ چه وسوسه های فردی و چه جمعی.

ج. خشمناکی شیطان از عبادت

وقتی شیطان نماز گزاری را در حین سجده می بیند، به سختی بر می آشوبد و تحمل نمی کند؛ چون خود از درگاه الهی رانده شده است. در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «وقتی که بنده ای سجده کرد، ابلیس (شروع) به داد و فریاد زدن می کند و ای بر من! او اطاعت کرد، ولی من معصیت کردم، او سجده کرد و من از این عمل سر باز زدم.»^(۱)

د. نماز جماعت، رهایی از دام شیطان

در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ ذُنُوبُ الْإِنْسَانِ كَذُنُوبِ الْغَنَمِ يَأْخُذُ الشَّاهَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاحِيَةَ فَأَيُّكُمْ وَالشُّعَابِ وَ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ»^(۲).

«شیطان گرگ انسان است، همانند گرگ گوسفندان که همیشه میش های دورافتاده و کناره گیر را می گیرد. از اختلاف اندازی پرهیزید بر شما باد حضور در جماعت و مجالس عمومی و مسجد» از این روایت فهمیده می شود فایده نماز جماعت از نماز فرادا بیش تر است. جوانان نیز باید به نکاتی که در حدیث فوق آمده توجه کنند تا این امکان برای آن ها میسر شود که از دام های شیطان در امان باشند.

ص: ۷۱

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۶۱.

۲- ۲. متقی الهندی، علاءالدین، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۸۱.

ه. نماز و طرد شیطان

نماز، زمانی که برای انسان دادرسی نیست، کمک انسان است. البته نماز دارای تأثیر زیادی می باشد. هم چنین نماز، شیطان را از انسان دور و طرد می کند؛ بالأخص در هنگام مرگ. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «وَمَلِكُ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيَلْقُنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»^(۱) فی

تَلَمَّكَ الْحَالَةَ الْعَظِيمَةَ؛ «هنگام مرگ ملک الموت شیطان را از کسی که محافظت به (اوقات) نماز کند دفع می کند و کلمه شهادتین را به او القاء و تلقین می کند.»^(۱)

و. نماز عامل شکست شیطان

نماز گزار به وسیله نماز شیطان زدایی و شیطان ستیزی می کند. هیچ چیزی مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد. پس نماز بهترین و نیرومندترین سلاح برای سرکوبی شیطان و دور کردن او از یافتن راه نفوذ و تسلطش بر انسان است. اگر ما بر شیطان پیروز نشویم، خوار می شویم و به ذلت می افتیم.

امام زمان علیه السلام (عج) در حدیثی می فرماید: «مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلُ الصَّلَاةِ فَصَلِّ لَهَا وَارْغَمِ أَنْفَ الشَّيْطَانِ»^(۲)؛ «هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد و او را خوار نمی کند. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.»

ص: ۷۲

۱- ۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

۲- ۲. معزی، جامع احادیث الشیعه، ج ۷، ص ۶۱.

مبحث سوم: نماز شاخص اعمال

گفتار اول: تأثیر نماز در کیفیت بخشی به اعمال

اشاره

نماز بازدارنده از بدی ها، معراج مؤمن، مایه نزدیکی پرهیزکاران به خدا، پاک کننده گناهان، شستشو دهنده جسم و جان، خاموش کننده آتش دوزخ، پایه دین، نردبان رسیدن به اوج کمال و انسانیت، مهم ترین نهاد دین، بهترین کارها و معیار سنجش اعمال است. امام صادق(ع) فرموده اند: «إِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَسْوَاهَا» «اگر نماز قبول شود بقیه اعمال هم قبول می شود و اگر نماز قبول نشود بقیه اعمال هم پذیرفته نمی شود.»^(۱)

پس اگر نماز قبول شود، کارهای دیگر نیز پذیرفته می شود و اگر نماز رد شود، کارهای دیگر نیز مردود است. به وسیله نماز، دعاها مستجاب و نیازها بر آورده می شود. نماز غایت و نهایت کسی است که خدا را یاد کند و خدا نیز او را یاد می کند در روزی که جز خدا کسی یا چیزی نمی تواند به حال انسان مفید و ثمربخش باشد.

الف. نماز معیار ارزش یابی و محاسبه اعمال

نماز هم چنین در ارزیابی اعمال اثر فراوانی دارد. انسان خداجو، دائماً در صدد ارزیابی اعمال خویش است و در پی بررسی این که آیا فلان عمل که انجام داده ام مورد قبول خداوند بوده یا نبوده است؟ اولین عملی هم که فرد مسلمان با آن سرو کار دارد، نماز است که روزی چندین مرتبه آن را به جای آورد. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ

ص: ۷۳

بِهِ الْعَبِيدُ عَنِ الصَّيْءِ إِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَ إِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ، فَإِذَا صَلَّيْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي صَلَاتِهِ وَ دَعَائِهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ وَ أَيْدٍ مَع مَوَدَّتِهِمْ إِثَاءً بِالْجَنَّةِ»^(۱)؛ اول چیزی که انسان با آن مورد محاسبه قرار می گیرد نماز است. اگر نماز قبول شد سایر اعمال هم از نماز گزار قبول می شود و اگر رد شد، سایر اعمال نیز مردود است. پس هر گاه نماز می خوانی، با قلب خود متوجه خدای سبحان باش تا دعا و نماز تو قبول شود و خدا با قلوب مؤمنان به تو رو کند.

نماز کوثری است که انسان را تطهیر میکند. اگر ما از نماز این طهارت را در خود احساس نکردیم، باید بپذیریم که نماز مان، نماز واقعی نبوده است.^(۲)

پس فرد نماز خوان می تواند اعمال خود را با ملاک و میزان نماز، مورد ارزیابی قرار دهد و هر کجا که نیاز به تغییر و اصلاح دارد، نسبت به آن اقدام کند.

ب. نماز تقویت کننده اخلاص و تقوی

باید توجه داشت فرد نماز گزار به آن مقدار که توجه او به خداست از او نماز به آن مقدار پذیرفتنی است. امام باقر(ع) می فرماید: «عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ بِصَلَاتِكَ فَإِنَّمَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ»؛ «در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می شود که تو، به آن توجه داری.»^(۳)

لذا فرد نماز گزار برای تقویت اخلاص در تمام حرکات و سکنتات و

ص: ۷۴

۱- ۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳.

۲- ۲. جوادی آملی، عبدالله؛ حکمت عبادات، ص ۱۱۵.

۳- ۳. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجها لیبضاء، ج ۱، ص ۳۵۴.

حضور قلب و خشوع در نماز باید دقت ویژه کند تا بتواند نمازی کامل به تمام معنی داشته باشد.

در خصوص حضور قلب در نماز هم، از کلام اولیاء دین چنین استفاده می شود: «حضور قلب یعنی فارغ ساختن دل از همه، برای عملی که به آن مشغول است تا این که بداند چه می کند و چه می گوید و تمرکز فکر و اقبال به نماز داشته باشد و این را خشوع دل نیز می گویند»^(۱)

ج. تقوا، فراهم سازی قبولی اعمال است

بطور قطع کار نیک بر مبنای خدا پرستی پذیرفتنی است و بندگی خدا با شرط تقوی و ترک گناه قبول می شود. قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره دارد و می فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»؛ «خداوند تنها (اعمال) از اهل تقوا قبول می کند.»^(۲)

همان طور که اگر فرد دزدی کند و مال دیگران را حتی انفاق کند و در راه خیر هم بدهد، از او پذیرفتنی نیست، آن که حق مردم را بخورد و به نماز بایستد هم، نمازش مردود است. هم چنین کسی که نماز را ترک نکند ولی جهاد ننماید یا در حق دیگران ظلم و ستم کند. به همین قیاس، کسی که به دیگری تهمت بزند، غیبت کند، یا چشم ناپاک به نوامیس مسلمین داشته باشد و حتی نماز شب هم بخواند، آن نماز و جهاد و این زیارت و نافله را خداوند از او نمی پذیرد.»^(۳)

دلیل این نپذیرفتن هم این است که این اعمال، همراه با تقوا نبوده است و انسانی که در پی تقواست، باید توجه داشته باشد که تقوا یک

ص: ۷۵

۱- ۱. نراقی، معراج السعاده، ص ۱.

۲- ۲. سوره مائده، آیه ۲۸، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۳- ۳. قرائتی، محسن؛ راز نماز، ص ۲۸.

سری مقدمات دارد که اگر در برنامه نباشند، تقوای او پذیرفتنی نیست. امام صادق می فرماید: «وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهَ» (۱) «عمل خالص، عملی است که در انجامش، جز از خدا از احدی انتظار و سپاس نداشته باشد.»

آن حضرت هم چنین می فرماید: «گاهی پنجاه سال بر انسان می گذرد ولی خداوند یک نماز او را نپذیرفته است.» (۲)

جوانان باید به موجبات قبولی اعمال توجه داشته باشند این موجبات از طهارت گرفته تا سلام کردن و... برنامه دارد و هر کدام در جای خودش لازم است.

د. پاداش نماز گزار

اگر از طرف فرد معروفی وعده ای به انسان داده شود، انسان تقریباً مطمئن است که به آن عمل می شود. اگر این فرد خدای عزوجل باشد که به کسی وعده ای بدهد، اطمینان بیش تر می شود. در مورد نماز، خدا با نماز گزاران عهد بسته که پاداش خوبی به آنان می دهد. رسول خدا می فرماید: «قال الله عزوجل ان العبد على عهد ان اقام الصلاة لوقتها ان لا اعذبه وان اذخله الجنة بغير حساب»؛ «خداوند عزوجل فرمود «برای بنده ام تعهد کرده ام اگر نماز را در وقتش به پا دارد (بخواند) کیفرش ندهم و او را بی محاسبه وارد بهشت گردانم؛» امام صادق (ع) نیز می فرماید: «مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ» (۳)

خداوند از هر کس یک نماز را بپذیرد، عذابش نمی کند» چون نماز از

ص: ۷۶

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۳۰.

۲- ۲. وافی، ج ۲، ص ۱۳.

۳- ۳. وافی، ج ۲، ص ۱۳.

جایگاه خاصی برخوردار است و عملی با فضیلت تر از نماز نیست. روایت دیگری نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که می فرماید: «بهترین عمل در روز قیامت نزد خداوند، نماز است.»^(۱)

گفتار دوم: نماز و گناهان

الف. ریزش گناهان

در این دنیا انسان مدام با نیرنگ های عدیده سرو کار دارد و با انواع تخلف هایی که منجر به گناه شده و او را به معصیت و می دارد، روبه روست. در چنین حالاتی، او در وجود خود نیازمند به بخشودگی و محو این گناهان و در صدد یافتن راهی برای ریزش و بخشش آنان است. این راه می تواند همان نماز باشد که دلیل بخشودگی است امام علی (ع) در وصیتش در مورد نماز می فرماید: «إِنَّهَا تَحْتُ الدُّنُوبِ حَتَّ الْوَرَقِ وَتُطْلِقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ، وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْحَمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجْلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا عَسَى يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؟»^(۲). «نماز، گناهان را فرو می ریزد، هم چون ریزش برگ از درختان و آن ها را از گردن بندگان باز می کند،

هم چون باز کردن رسن از گردن چهار پایان. رسول خدا (ص) نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه فرمود که جلو در خانه مردم باشد و اگر شبانه روز پنج مرتبه خود را در آن بشویند بر بدن آن ها چرک و کثافتی باقی نخواهد ماند.»^(۳)

ص: ۷۷

-
- ۱- ۱. متقی الهندی، علاء الدین؛ کنز العمیال، شماره ۱۹۰۳۶؛ کافی، ج ۳، ص ۲۶۶؛ التهذیب، ج ۲ ۲۳۸/۹۴۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷.
 - ۲- ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.
 - ۳- ۳. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

بنابراین نماز بدی ها را از بین می برد، گناهان را از صفحه قلب انسان محو می کند و سبب می شود خداوند بزرگ مجازات ها را عفو فرماید. خداوند عزوجل می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» (۱) «در دو طرف روز و اوایل شب نماز را برپا دار، چرا که حسنات، سیئات (و آثار آن ها را) از بین می برد. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند.» این خاصیت نماز، برای جوان که در معرض لغزش ها و آفات است، جای امیدواری فراوان دارد.

در روایاتی از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است که از اصحاب سؤال فرمودند: «آیا می دانید امیدبخش ترین آیه قرآن کدام است؟» هر کدام از اصحاب، آیه ای را عنوان کردند. حضرت فرمودند: «امیدبخش ترین آیه در کتاب خدا، «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (۲) است.»

نماز، جوان را از گناهان شستشو می دهد و او را از ارتکاب گناه بازمی دارد و به همین علت، نماز یک اهرم قوی و یک محافظ خوب برای جوان است و تذکری است به او تا از خلاف دوری کند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (۳) «نماز را برپا دار، که نماز انسان را از زشتی ها و گناه باز می دارد.»

زمانی که انسان به سبب گناهانی که برای او اندوه و غم به همراه آورده است، خود را از همه جا رانده می بیند و نمی داند چه کند تا از این حال

ص: ۷۸

۱- ۱. سوره هود، آیه ۱۱۴، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲- ۲. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، ج ۵ ص ۳۱۴.

۳- ۳. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

رهایی یابد، نماز به او یاری می رساند. امام علی(ع) می فرماید: «ما أَهْمَنِي ذَنْبٌ أُمِّهَلْتُ بَعْدَهُ حَتَّى أَصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَ

أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ؛(۱)» اندوهگینم نکرد گناهی که در پی آن مهلت یافتم دو رکعت نماز بگزارم و از خدا اصلاح آن را بخواهم.»

ابن میثم در شرح این جمله چنین می نویسد: «علت این که انسان نباید پس از خواندن دو رکعت نماز نسبت به گناهان اندوهگین باشد، این است که نماز پوشاننده گناهان است.»(۲)

این رهنمود مولا- در نهج البلاغه، برای ما یک الگوست تا وقتی گناهی از ما سر زد با توسل و نماز، موجبات غفران و پاکی آن را فراهم آوریم.

ب. نماز و كفاره گناهان

گناهان انسان سبب می شود که در روز قیامت، آتشی که به دست خود او روشن شده است، برای او عذاب شود. اما می توان این آتش را در همین دنیا خاموش نمود و با اقامه نماز، اثر آن را محو کرد. در حدیثی از رسول خدا(ص) روایت شده است: «شنیدم منادی حق در اوقات نماز ندا می کند و می گوید: «ای فرزندان آدم! آتشی را که به دست خود افروخته اید خاموش کنید. پس می بینم که برمی خیزند و وضو می گیرند و بعد از آن، گناهان و معاصیشان ساقط می شود و آن هنگام که نماز می خوانند، هرچه زشتی ها که در میان دو نماز مرتکب شده اند، بخشیده می شود؛

اما آن ها مجدداً در بین دو نماز آتش می افروزند. همین که هنگام نماز ظهر فرا می رسد، منادی حق ندا می دهد: ای انسان ها بر خیزید و آتشی را

ص: ۷۹

۱- ۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۹.

۲- ۲. بحرانی، ابن میثم؛ شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۳۹۵، چاپ مؤسسه نصر ۱۳۷۸.

که برای سوزاندن خویش بر افروخته اید خاموش کنید. آن‌ها مجدداً برمی‌خیزند و وضو می‌گیرند و نماز به جا می‌آورند و آن‌گاه هرچه که در میان دو نماز مرتکب شده بودند بخشوده می‌شود و هرگاه نماز عصر فرا می‌رسد نیز چنین است. با فرارسیدن نماز مغرب و اقامه آن نیز معصیت‌های قبل از نماز مغرب آمرزیده می‌شود و هرگاه وقت نماز عشا می‌شود با اقامه نماز، گناهان گذشته فرد آمرزیده می‌شود.

سپس آن‌ها می‌خواهند درحالی که آمرزیده شده‌اند و چیزی از گناهان بر آنان نیست؛ اما دریغ که بعد از آن، گروهی در راه خیر سیر می‌کنند و گروهی در راه شر.^(۱)

از حدیث فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر انسان بخواهد گناه او پاک شود و به قیامت کشیده نشود، با اقامه نماز این مسیر است که هم موجب بخشیدن گناهان می‌شود و هم موجب فراهم سازی خاموشی آتشی که انسان به دست خود افروخته است. پس نماز نهر روان و چشمه کوثری است که هم آتش‌ها را خاموش می‌کند و هم نمی‌گذارد انسان بعدها گرفتار آتش شود.

علاوه بر این، در شرح نهج البلاغه آمده است: «حتی اگر انسان توفیق خواندن دو رکعت نماز پیدا کند و به آن عمل نماید، موجب کفاره گناهان و از بین بردن اثر آن می‌گردد؛ چون حسنات، اثر سیئات را محو می‌نمایند.»^(۲)

ص: ۸۰

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۴.

۲- ۲. هاشمی الخوئی، علامه میرزا حبیب‌الله؛ منهاج البراعه فی شرح النهج البلاغه، ج ۲۱، ص ۳۹۰.

الف. سعادت مندی

در بسیاری از آیات قرآن، به ثمرات و فواید نماز پرداخته شده است. این امر خود عامل مهمی در تشویق به نماز است. امام علی (ع) می فرماید «بَا دِرُّ بِالطَّاعَةِ تَسْعَدُ»^(۱)؛ «به طاعت شتاب (کن) تا سعادت مند شوی.»

اگر انسان در موقع انجام کار، به نتایج، ثمرات و فواید آن آگاهی داشته باشد، با اشتیاق، علاقه و اطمینان بیش تری به انجام آن مبادرت می کند.

عبادت، به زندگی رنگ خدایی دادن است و از روزمره گی خارج شدن. نجات از بیهودگی و مفید شدن است و عبادت واقعی یعنی کل زندگی را رنگ خدادادن و در حقیقت مجموعه دگرگونی هایی که در فکر و عقیده فرد به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار و ضوابط مذهبی ایجاد می شود.^(۲)

برای جوانان و نوجوانان آگاهی از فواید و ثمرات نماز بسیار مهم است. این کار نیز باید با زبان قرآن و توجه به آیات شریفه الهی صوت بگیرد تا تأثیر بیش تری داشته باشد.

در صورت توجه جوانان و ارایه سفارشات لازم در این مورد، آن ها می توانند با شخصیتی کاملاً پرورش یافته و دین دار، قدم به بالاترین جایگاه سعادت نهند و با نماز، سعادت مندی خود را تضمین نمایند.

ص: ۸۱

۱- ۱. آمدی تمیمی، محسن؛ غررالحکم. حدیث ۴۳۶۰.

۲- ۲. کریم، زهرا؛ پایان نامه سطح ۲ معارف اسلامی و تبلیغ؛ ص ۱۷.

ب. نماز و تکامل معنوی

بهترین وسیله برای پرورش فضایل اخلاقی و تکامل سیر معنوی جوانان، نماز است. نماز، جوان را از جهان محدود و عالم طبیعت، بیرون می برد و او را به اعلا-علیین آسمان ها می رساند. در این فضا است که او با فرشتگان، هم صدا و هم راز می شود. خود را بدون نیاز به واسطه ای در برابر خدا می بیند و با او به گفت و گو بر می خیزد. تکرار این عمل در شبانه روز، آن هم با تکیه بر صفات باری تعالی و کمک گرفتن از سوره های مختلف قرآن بعد از حمد که بهترین دعوت کننده در مورد پرورش دادن فضایل اخلاقی است، روح جوان را به تعالی می رساند.

در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «الصلوه قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»^(۱)؛ نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خداست. نماز جوان را با تربیت بار می آورد و پرورش اخلاقی او را کامل می کند و او را به مقامی می رساند که مستجاب الدعوه شود. نماز ریسمان خداست و شکی نیست که هر که به پیمان خدا وفا کند، خداوند به عهدی که با او بسته وفا می کند. در قرآن آمده است: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»^(۲)؛ «وفا کنید به عهد من تا من به عهد شما وفا کنم» نمازگزار جوانی که همه غرایز و تمایلات در وجود او هست، وقتی به نماز می ایستد، دل به خدا می بندد و از همه این تمایلات، دل می کند و با روحی پاک به سوی خدا پرواز می کند. چنین نمازی است که انسان را - به خصوص در سن جوانی به تکامل معنوی می رساند.

ص: ۸۲

۱- ۱. نهج البلاغه کلمه قصار، جمله ۱۳۶.

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۴۰، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

ج. دست یابی به مقامات معنوی

یکی از آثار مهم دیگر نماز گزار، دست یابی به مقامات معنوی و کسب فضایل است. این اثر یکی از مهم ترین برکات نماز برای جوان است.

دست یابی به مقامات معنوی، خود امری بسیار مهم و اساسی است. یک جوان همان طور که برای تأمین و رفع نیازمندی های مادی خود تلاش و کوشش می کند، باید برای رفع نیازهای روحی و معنوی خود هم سعی و تلاش نماید. او در این راه باید تلاش و جدیت خاصی از خود نشان دهد، زیرا خسارات ناشی از خلأهای معنوی به مراتب بیش تر از خسارت ناشی از کمبودهای مادی است و رسیدن به مقامات و درجات، آثار مهمی در زندگی فرد دارد.

د. تأمین نیازهای روحی جوانان

تلاش هایی که انسان برای آسایش خویش و تحصیل و تأمین مسکن و... انجام می دهد بدون توجه به مسایل معنوی، انسان را به سعادت و آرامش دل خواه نمی رساند و همیشه او را در نگرانی نگه می دارد.

جوامع لائیک با وجود همه امکانات مادی و پیشرفته و اوج آسایش مادی، از آسایش فکری و روحی برخوردار نیستند. آن ها مدام از بی قراری رنج می برند و بالأخص جوانان در این جوامع، بی قرارتر هستند. آن چه دانشمندان و جامعه شناسان این جوامع، دائماً خطرناک ترین پرتگاه جامعه را تذکر می دهند، فساد اخلاقی ناشی از بی دینی و بی ایمانی است. این موضوع آن جوامع را به بن بست کشیده و به ستوه آورده است. وقتی در یک جامعه، جوانان در پرتگاه فساد و بی ایمانی قرار گرفتند، نمی توان به آن جامعه با چشم امید نگریست.

خانواده هایی که روح ایمان و مذهب و اعتقاد به معنویت در آن ها جای ندارد با وجود این که از جهت مادی بی نیاز هستند اما مسایل تربیتی فرزندان و مشکلات اخلاقی و خانوادگی جدی دارند که در موارد بسیاری برای آن ها مشکل ساز است. درمقابل، خانواده های با ایمانی که بی بضاعت اند، همواره کانونی گرم و محبت آمیز دارند؛ زیرا از جذب نیروی ایمان و معنویت، خوشبختی و سعادت حاصل می شود و آن ها را از رذایل اخلاقی دور می سازد.

ه. نماز و خودسازی

دوران نوجوانی و جوانی، بهترین دوره خودسازی و آماده شدن برای ایفای نقش مفید و مؤثر در جامعه است. قبلاً اشاره شد که جوان می خواهد با ساختن خود در جامعه و خانواده، نقش خود را به دیگران نشان دهد.

قرآن کریم بهترین راه و الگو برای خودسازی را نمازگزاری معرفی نموده، با بیان تأثیرات نماز در سازندگی شخصیت جوانان و بازداشتن آنان از بدی ها و ایجاد شوق و علاقه نسبت به نماز می فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا* إِلَّا الْمُصَلِّينَ»^(۱)؛ به یقین انسان، حریص و کم طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی تاب می کند و هنگامی که خوبی به او رسد، مانع دیگران می شود (بخل می ورزد) مگر نمازگزاران»، پس نماز به عنوان یک عامل تأثیر گذار بر شخصیت جوانان، می تواند در خودسازی کمک مؤثری به آن ها بنماید.

ص: ۸۴

۱- ۱. سوره معارج، آیات ۱۹ تا ۲۳، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

نماز روح ایمان و اطاعت از پروردگار را در وجود فرد زنده می سازد و اگر فرد اهل نماز شد، بهترین راه خودسازی برای او فراهم شده است.^(۱)

و. نماز و نورانیت خانه

نماز نوری است از الطاف الهی که خانه ی دل و خانه ی دنیا را روشن و منور می کند. منزلی که در آن نماز خوانده نشود تاریک و ظلمانی است. چرا که نماز، آثار فراوانی در این باب دارد. رسول خدا می فرماید: «نُورُوا مَنَزِلَكُمْ بِالصَّلَاةِ...؛ با خواندن نماز به خانه هایتان نورانیت ببخشید.»^(۲)

نماز، منزل را نورانی می کند و به آن خیر و برکت می بخشد. بالأخص در منزلی که نوجوان و جوان در آن زندگی می کنند، نماز موجب دوست داشتن خداوند می گردد. روایت است که: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يُفْنِي شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»^(۳)؛ «خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا سپری می کند، دوست دارد.» زندگی جوان در

محیطی که در آن نور نماز و یاد خدا جاری است، او را پرهیز کار و خدا ترس بار می آورد و چراغ عقل و بصیرت او را روشن می سازد.

مولا- علی(ع) می فرماید: «هر کس خداوند سبحان را یاد کند، خداوند دل او را زنده کرده، عقل و خردش را روشن می کند.»^(۴)

ص: ۸۵

- ۱- ۱. متقی الهندی، علاءالدین، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹.
- ۲- ۲. متقی الهندی، علاءالدین، کنز العمال، ج ۶، ص ۴۳.
- ۳- ۳. متقی الهندی، علاءالدین، کنز العمال، ج ۶، ص ۴۳.
- ۴- ۴. آمدی تمیمی، محسن؛ منتخب غررالحکم، ص ۱۹.

ز. نماز و رهایی از سختی

در مواقعی که انسان احساس تنهایی می کند، در صدد یافتن پناه گاهی بر می آید که او را حفظ کند. او در این حال، جز خداوند پناه گاه برای خودش نمی یابد و خداوند متعال نیز او را به وسیله نماز، به صبر و استقامت دعوت می نماید. خداوند می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ؛ از صبر و نماز یاری جوئید و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید و این کار جز برای خاشعان فروتن گران است.» (۱)

در آیه دیگر نیز صبر و نماز با هم ذکر شده اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۲)؛ ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر و استقامت و نماز کمک بگیرید زیرا خداوند با صابران است.» در تفسیر المیزان، علامه طباطبائی از اهمیت نماز و صبر، تصویر تازه ای ارائه داده اند: «جمع نمودن این دو با هم، بهترین وسیله برای کمک و یاری در برابر سختی ها و ناراحتی هاست؛ زیرا صبر، انسان را از بی تابی و بیداد و سستی باز می دارد و نماز، انسان را متوجه خدای متعال می کند. پس فراموش می کند سختی هایی را که به او رسیده است.» (۳)

ح. برطرف شدن غم و اندوه

در زندگی هر انسانی پیچ و خم ها و مشکلات فراوانی وجود دارد که هر آن ممکن است او را به سختی بیندازد. تنها چیزی که می تواند به انسان نیرو بدهد و قدرت او را در مقابله این مشکلات زیاد کند صبر و نماز

ص: ۸۶

- ۱-۱. سوره بقره، آیه ۱۴۵، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ۲-۲. سوره بقره، آیه ۱۵۳، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ۳-۳. طباطبائی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۵۹.

است.

برای هر فرد امکان غم و اندوه وجود دارد. ممکن است از دست دادن عزیزی یا مقامی باشد و یا اضطراب و نگرانی حاصل از مشاهده صحنه های تأثرانگیز. در این مسایل، صبر انسان به خصوص جوان کم است و دچار غم و اندوه و اضطراب می شود. در این حال، نماز می تواند فرد را از مشکل رهایی بخشد و غم و اندوه او را برطرف سازد. در این مواقع و مواقف، خداوند بهترین پناه گاه برای رهایی است. قرآن می فرماید: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ»^(۱)؛ «تا بر آن چه از دست رفته، افسوس نخوری».

انسان به وسیله نماز، به درجه ای از معرفت دست می یابد که به خاطر از دست دادن دنیا اندوه گین نمی شود. آن که خدا را مالک خود می داند و به تقدیر او رضایت می دهد در واقع خود را از این مشکلات رهاییده است.

ط. نماز و دریافت فیض الهی

همه عبادات و در رأس آن ها نماز، وسیله ای برای دریافت الطاف الهی هستند. حضرت موسی (ع) برای دریافت کتاب آسمانی تورات، چهل شبانه روز در کوه طور به عبادت پرداخت. رسول اکرم (ص) برای دریافت وحی، مدت های طولانی را در غار حرا به عبادت مشغول بود.^(۲)

«تمامی اولیای خداوند و عرفا نیز توفیقات خود را مدیون عبادت، بالأخص راز و نیازهای شبانه اند.»^(۳) در روایتی از حضرت رسول

ص: ۸۷

۱- ۱. سوره حدید، آیه ۲۴.

۲- ۲. قرائتی، محسن؛ تفسیر نماز، ص ۲۱.

۳- ۳. تحف العقول، ص ۵۰۸.

خدا(ص) منقول است که می فرماید: «هر کس چهل شبانه روز تمام اعمال و عبادت را خالصانه انجام دهد، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می کند.»(۱)

وقتی اولیاء و انبیاء از دریافت امداد الهی به وسیله نماز بهره برده اند، لازم است جوانان نیز در این زمینه تلاش لازم را بنمایند.

گفتار چهارم: نماز و زندگی دنیوی

الف. رفع مشکلات مادی

از آن جا که هویت و ابعاد وجودی انسان در ساختار جامعه، می تواند به شناسایی و رفع نیازهای فرد در جامعه و نیز ارتباط با جوامع بیانجامد، پرداختن به مشکلات و نیازهای مادی و معنوی جوانان در جامعه و مطالعه و بررسی آثار نماز و عبادات دیگر، بدین منظور مهم و ضروری به نظر می رسد.

بدون شک اثر و نقش کلیدی نماز در رفع مشکلات عاطفی، معنوی، مادی و روحی جوانان و در راستای ایجاد یک هویت اصیل برای آن ها قابل چشم پوشی نیست. انسان مسلمان با روی آوردن به عبادات به ویژه اجرای فریضه نماز، آن هم بصورت عمیق و کامل و خالص، می تواند به رفع نیازهای فکری، مادی و معنوی خویش پرداخته، خود را از وابستگی ها و تعلقات فکری و مسایل دنیوی رها سازد. این رهایی از مشکلات مادی و معنوی نیز می تواند زمینه ساز شکل گیری هویت یک جوان مسلمان باشد و موجب فراهم سازی محیط امن و آرام برای او

ص: ۸۸

ادای نماز به فرد، وجهه اجتماعی و تکریم شخصیت می بخشد و به دنبال آن، شرافت ظاهری او در جامعه حاصل می شود. وقتی نماز گزار در سوره حمد به ستایش خداوند متعال و تحمید او می پردازد و او را مورد ستایش قرار می دهد، خداوند هم او را به این شکل مورد ستایش قرار داده و بی پاداش رها نمی سازد. در نصایح حضرت عیسی (ع) وارد شده است که: «... و هیچ یاور و ناصری بر مشکلات و سختی های دنیا، بهتر و بالاتر از نماز دائمی نیست...»^(۱) البته باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که این امر به معنی دست شستن از کارهای دیگر نیست، بلکه هرچیز اثر خاص خود را دارد.

ب. فراوانی رزق و روزی

انسان مدام دوست دارد در کارهای خود پیشرفت کند و یکی از دغدغه های او، آسایش زندگی و ازدیاد رزق و روزی خانواده است. برکت در مال هم فراهم نمی شود مگر در سایه نماز. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «الصَّيْلَةُ... بَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ^(۲)؛ «نماز باعث برکت در رزق و روزی است.»

اگر انسان بداند از راه نماز چه آسانی می تواند به فراوانی رزق دست پیدا کند، هیچ گاه نماز را رها نمی کند.

در روایت دیگری امام صادق (ع) می فرماید: «كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُصَلِّي... وَ هُوَ يَجُوعُ، إِنَّ الصَّلَاةَ إِلَيْهِ... تَضْمِنُ رِزْقَ النَّهَارِ^(۳)؛ «اگر کسی بگوید من نماز

ص: ۸۹

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۰۸.

۲- ۲. خصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۲۲ و بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۲۷۷ و محاسن برقی، ص ۶۱.

شب می خوانم و روز را در گرسنگی به سر می برم، دروغ گفته است؛ زیرا نماز شب... ضامن روزی روز است.»

البته روایات زیادی در این مورد هست که از ذکر آن در این جا چشم پوشی می کنیم.

ج. بر آوردن نیازها

یکی از آثار نماز که حاجت مؤمنین را بر آورده می کند و از قدیم الایام در سیره انبیاء و اولیاء به چشم می خورد، خواستن حاجت از راه نماز است. در روایات هم داریم که هرگاه حاجتی دارید و یا مشکلی برای شما پیش می آید، برخیزید دو رکعت نماز بخوانید و خواسته های خود را از طریق نماز بیان کنید تا خداوند به این وسیله، شما را کمک نماید. در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «إِذَا أَرَدْتَ حَاجَةً فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلْ تُعْطَهُ»^(۱)؛ «هنگام حاجت دو رکعت نماز بخوان و درود بر پیغمبر(ص) و آل او بفرست و حاجت را بخواه که به تو داده می شود.» در بعضی موارد و حاجت ها، جز پناه بردن به خداوند متعال چاره ای وجود ندارد.

در چنین مواقعی است که انسان با اعتماد کامل دست به درگاه الهی دراز می نماید و با او به راز و نیاز می پردازد. جوانانی هم که با نماز انس دارند و دل را با نورانیت نماز روشن کرده اند، قطعاً برای حاجت خود، با نماز به خدا پناه می برند و برای نیازهای خود، از او کمک می طلبند و می دانند که بر آوردن نیاز آن ها به وسیله نماز امکان پذیر است.

ص: ۹۰

الف. صبر در لغت

«خودداری و نگهداری نفس به اقتضای عقل و شرع را در لغت صبر گفته اند!»^(۱)

«مقایس اللغه» نیز سه معنی برای صبر ذکر نموده است: «حبس»، «علوه» و «جزئی از سنگ محسوب کردن»^(۲)

معنی اصطلاحی صبر هم چندان دور از معنای لغوی آن نیست. مصباح الشریعه، صبر را «شکیبایی» معنی کرده است.^(۳) و در توضیحات «معراج السعاده» نیز صبر به معنی شکیبایی آمده است؛ یعنی ضدّ جزع و بی تابی. شکیبایی عبارت است از ثبات و آرامش نفس در سختی‌ها و بلاها و مصائب و پایداری و مقاومت در برابر آن‌ها؛ به طوری که از گشادگی خاطر و شادی و آرامشی که پیش از آن حوادث داشت، بیرون برود و زبان خود را از شکایت و اعضای خود را از حرکات ناهنجار نگاه دارد.^(۴)

ب. صبر در روایت

از جمله مواردی که در اسلام مورد تأکید فراوان واقع شده است «صبر» و پایداری است که در خصوص آن آیات و روایات بسیاری وارد شده و به مناسبت‌های مختلف، انسان‌ها به صبر سفارش و توصیه

ص: ۹۱

۱-۱. اصفهانی، راغب؛ مفردات راغب، ص ۴۷۴.

۲-۲. مقایس اللغه، ج ۳، ص ۳۲۹.

۳-۳. مصباح الشریف و مفتاح الحقیقه، ترجمه حسن مصطفوی. ص ۴۱۴.

۴-۴. معراج السعاده مهدی نراقی، ترجمه جلال الدین مجتوبی، ج ۳، ص ۳۵۵.

شده اند. درباره اهمیت «صبر» همین بس که امام علی (ص) می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَالْخَيْرَ فِي جَسَدٍ لَارَأْسَ مَعَهُ وَ لَافِي إِيْمَانٍ لَاصْبَرَ مَعَهُ»^(۱)؛ «به صبر و شکیبایی رو کنید که صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به تن است. نه در تن بی سر، ارزشی هست و نه در ایمان بدون صبر.»

روزی رسول خدا(ص) از جبرئیل سؤال نمودند: «ای جبرئیل! معنی صبر چیست؟» جبرئیل گفت: «این که در سختی صبر می کنی، همان طور که در روزگار آسایش. در هنگام توان گری صبر می کنی، هم چنان که در فقر و این که در بیماری و گرفتاری صبر می کنی هم چنان که در زمان سلامت و عافیت. انسان صبور از بلایی که به او می رسد، نزد مخلوق زبان به شکوه نمی گشاید.»^(۲)

پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی صبر و توضیحاتی که داده شد، در صدد بیان آثار صبر هستیم و این که اصلاً صبر چه کاربردی دارد و در زندگانی انسان و برای جوانان چه راهبردهایی می تواند داشته باشد و یک جوان چه قدم هایی می تواند در این راه بردارد تا به حد مطلوب برسد؟

ج. استعانت از نماز و صبر در مشکلات

یک نکته بسیار حائز اهمیت که می توان به آن استناد نمود و آن را از آیه ذیل استفاده کرد، استعانت از نماز و صبر در هدف های عالی و پیشرفت و کسب موقعیت هایی در زندگی و خدمت به جامعه اسلامی است.

ص: ۹۲

۱- ۱. دشتی، محمد؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۳.

۲- ۲. ابی جعفر، محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی؛ معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۶۱، چاپ جامعه مدرسین.

اگر جوانان می خواهند راه موفقیت را در پیش بگیرند، باید اهل نماز و صبر گردند. قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^(۱)؛ «ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر و نماز کمک بگیرید، خداوند با صابران است.»

در سیره معصومان وارد شده است که ایشان هرگاه با مشکل و ناراحتی برخورد می کردند به نماز می ایستادند و از نماز برای رفع مشکل کمک می گرفتند و بلافاصله هم نتیجه می گرفتند.

د. صبر در جوانی

در دوران جوانی که ایام ساختن شخصیت و یافتن جایگاه مطلوب فردی و اجتماعی است، انسان بیش تر از هر زمان دیگر به پایداری و استقامت در برابر نارسایی ها و مشکلات نیاز دارد.

از ملزومات این دوره، تداوم و پشتکار در تحمل سختی ها و ادامه راه تا رسیدن به موفقیت های آینده و ثمر دهی تلاش و فعالیت های دوران جوانی است.

باید به جوان آموخت که هرگز با بروز مشکلات، دچار یأس و ناامیدی نشود بلکه با اراده ای قوی و آگاهی، مشکلات پیش رو را تحمل نماید و آن را مربی سخت گیر و پرفایده ای بداند که او را آماده مقابله با مشکلات و سختی ها می نماید.

بسیاری از علمای اخلاق، برای «صبر» سه شاخه ذکر کرده اند: صبر بر طاعت، صبر بر محبت، صبر بر مصیبت.^(۲)

ص: ۹۳

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۵۳، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲- ۲. شریعتمداری و جعفری؛ شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۶۲، چاپ رضوی.

هم چنین بزرگان اخلاق نظیر حضرت آیت الله مشکینی، برای صبر چنین توضیح نموده اند:

«صبر ملکه و نیروی استحکام نفس است که مایه عدم انفعال در برابر ناملازمات و تسلیم نشدن در برابر هوای نفس است. بر اثر همین نیروی صبر است که انسان در برابر مصیبت ها، آرامش خود را حفظ می کند و در برابر وظایف دینی به اطاعت واداشته می شود. براین اساس پاره ای از صفات ارزشی زیرمجموعه صبر واقع می شود؛ صفاتی مانند شجاعت، رازداری، تقوا، و سخاوت.»^(۱)

پس، از معنی صبر چنین برداشت می شود که آن چه مطلوب عقل و شرع است، صبر فعال و تحرک آفرین است. زیرا در آن، دو عنصر عقل و شرع همزمان وجود دارد.

۵. نماز و صبر

جوانی، دوران بی قراری و بی صبری و تحولات فکری و عقیدتی است. وجود این دوره در تکامل شخصیت جوانان لازم است. استقامت و صبر برای جوانان در این دوره مهم است و نیز رفتن و پذیرفتن راه هایی که می تواند برای آن ها این صبر و استقامت را به ارمغان بیاورد.

تحمل و استقامت در برابر مشکلات و ایستادگی در برابر آن ها در دوران جوانی، تأمین کننده آسایش آینده و تعیین کننده سعادت پاینده برای جوان است.

جوانانی که توان مقابله با مشکلات را ندارند و صبر و استقامت از خود نشان نمی دهند نمی توانند آینده موفقیت آمیزی داشته باشند.

ص: ۹۴

اصولاً رشد و بالندگی بر پایه صبر و استقامت استوار است و هیچ استقامتی منجر به شکست نمی شود. این را تأکید می کنیم که هر استقامت و ایستادگی در برابر سختی ها و جهی از خوشبختی را به دنبال دارد. قرآن کریم نیز مؤید این مطلب است: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^(۱)؛ «به یقین با هر سختی آسانی است (آری) مسلماً با هر سختی آسانی است.»

به دلیل اهمیت فراوان صبر در زندگی است که خداوند رسول خود را به صبر فرا می خواند و به دلیل اهمیت بیش تر صبر و استقامت در جوانی است که ائمه دینی پیوسته فرزندان خود را به صبر و پایداری دعوت می نموده اند. به طور کلی یکی از خصلت های مهم پیشوایان دینی که می بایست اسوه زندگانی ما باشد، خصلت صبر و استقامت آن هاست.

امام رضا(ع) در این باره می فرماید: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خَصَالٍ... وَ سَنُهُ وَ لِيَهُ... وَ أَمَّا لِشَيْنِهِ مِنْ وَلِيهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ»؛ «هیچ مؤمنی مؤمن واقعی نمی شود مگر این که سه خصوصیت اخلاقی از سه کس بیاموزد تا ایمانش کامل گردد... از امامان صبر و استقامت در سختی ها.»^(۲)

جوان می خواهد هم چون بسیاری از بزرگ ترها به کمال برسد و رشد کند و بالنده گردد و به شغل و علم و زندگی خوب برسد. تصور او این است که رسیدن به این هدف میسر است، اما وقتی این هدف محقق نمی شود، آرزوها فرو می ریزد و جوان، سر خورده و ناامید می گردد.

قرآن در این موقعیت، دو راه مناسب پیش پای او می گذارد: یکی صبر و شکیبایی و دیگری نماز. نماز انسان را در رسیدن به هدف ها یاری

ص: ۹۵

۱-۱. سوره انشراح، آیات ۵ و ۶، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲-۲. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷؛ خصال، ج ۱، ص ۸۲.

می کند. قرآن کریم می فرماید: «ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر و استقامت و نماز کمک بگیرید؛ زیرا خداوند با صابران است.»^(۱)

براین اساس، نوجوانان و جوانان در مسیر رسیدن به کمال در زندگی خویش بر مبنای افق ذهنی خود که برای خویش ساخته اند، گاهی خود را تنهای تنها می یابند و در این حالت است که با نماز و انس با پروردگار، روح خود را دارای پشتیبان و همراه، می بینند.

امام علی(ع) در مورد راهیابی به سعادت چنین سفارش می فرماید: «بَادِرْ بِالطَّاعَةِ تَسْعُدْ»^(۲)؛ به طاعت بشتاب تا سعادت مند شوی.»

پس با این تفاسیل صبر بر سختی ها و مصائب به خصوص در دوران جوانی، برای رسیدن به کمال بسیار مهم است و ضرورت جدی دارد.

ص: ۹۶

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۵۳، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲- ۲. غررالحکم، حدیث شماره ۴۳۶۰؛ میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۷، ص ۳۳۲۶.

فصل سوم: عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به نماز، از دیدگاه متون دینی

مبحث اول: نقش خانواده در گرایش جوانان به نماز

گفتار اول: مسئولیت والدین

مسئولیت والدین در آموزش و وادار کردن فرزندان به نماز، نقش بسیار جدی در گرایش جوانان به نماز دارد. این آموزش و تأکید را باید از همان اوایل کودکی آغاز نمود تا به مرور زمان، عادت به نماز و عبادات دیگر در آنان پیدا شود. گرچه نماز، به هنگام بلوغ بر انسان واجب می شود ولی باید قبل از آن آموزش های لازم را در این زمینه دیده باشد و تمرینات اولیه را انجام داده باشد تا وقتی به سن تکلیف رسید، دیگر نماز برای او سخت و دشوار نباشد.

یکی از اصحاب امام صادق(ع) به نام «معاویه بن وهب» از امام پرسید:

ص: ۹۷

«در چه سنی فرزند را وادار به نماز کنیم» فرمودند: «در سن ۶ الی ۷ سالگی»^(۱).

از این فرمایش امام فهمیده می شود که مسئولیت خطیر والدین در آموزش نماز فرزندان و هم چنین در مورد زمان آموزش نماز، از همان دوران کودکی آغاز شود.

در احادیث و آیات قرآن نیز مسایلی در ارتباط با نماز در خانواده و دعوت اعضای خانواده به نماز و استمرار این امر دیده می شود که همگی بیان گر مسئولیت والدین در فراهم سازی زمینه های جذب و گرایش جوانان به نماز است.

در سوره مریم نماز این چنین مورد سفارش قرار گرفته است:

«وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ... وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» «و خاندان خود را به نماز... فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده رفتار بود.»^(۲)

در سوره مریم، خداوند به شرح حال انبیای گذشته و فضایل و صفات ارزنده ای که داشته اند پرداخته است نظر این آیه که به یکی از خصوصیات بارز حضرت اسماعیل اشاره دارد و فرمان و سفارش خاندان خود به نماز است و مراد از اهل خانواده اش، فرزندان و خویشانش می باشند.^(۳)

از جمله «کان یا امر» نیز استنباط می شود که حضرت اسماعیل در فرمان دادن خانواده اش به نماز استمرار داشته است.

این روش یک روش اساسی در تشویق و ترغیب فرزندان (شامل

ص: ۹۸

۱- ۱. کافی، ج ۲ ص ۱۲.

۲- ۲. سوره مریم، آیه ۵۵، ترجمه فلاذوند، مهدی.

۳- ۳. طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیرالمیزان، ج ۱۴، ص ۶۳.

کودکان، نوجوانان و جوانان) به نماز است که خداوند در قرآن به عنوان یک رفتار پسندیده برای حضرت اسماعیل (ع) نقل می‌فرماید و می‌تواند برای همه پدران و مادران الگو و سرمشق باشد.

با توجه به مباحثی که در گذشته به آن‌ها اشاره کردیم و مباحث آینده و نیز خصوصیات نوجوانان و جوانان به لحاظ شرایط سنی و غیره در می‌یابیم که جوانان از برخی امور مهم دچار غفلت می‌شوند و اگر یادآوری مستمر و پیوسته برای آن‌ها نباشد و با روش و اسلوب صحیح موضوع، پی‌گرفته نشود، مسلماً نتیجه مطلوب گرفته نخواهد شد.

از جمله «وکان عند ربّه مرضیاً»؛ استفاده می‌شود که این توجه دادن به نماز، با روش پسندیده و مناسب روحیه آنان انجام می‌شده است؛ نه آنطور که برخی والدین با روش‌های غلط و تذکرات ناپسند و با عصبانیت و توهین و تحقیر انجام می‌دهند. در نتیجه‌گیری از این آیه به این نکات می‌رسیم:

۱. پدران و مادران باید فرزندان خود را پیوسته به نماز سفارش نمایند.

۲. روش صحیح و الگوی آنان در این مورد باید قرآن باشد.

۳. سفارشات و تأکیدات باید همراه با احترام و محبت و دل‌سوزی خوشایند برای نوجوانان و جوانان باشد. در این زمینه توجه به مسایل زیر مهم است:

الف. از مسایل بسیار مهم امروز، ایجاد احساس خوشایند و دل‌پذیری در برنامه‌های دینی است. دانشمندان علم تربیت و روان‌شناسان بر این باورند که برای تقویت گرایش نوجوانان و جوانان به مسایل دینی و مذهبی از جمله نماز، یکی از بهترین راه‌ها، ایجاد همین احساس است که امر مورد توصیه، امری خوشایند است.

«کودکان و نوجوانان در یادگیری و کسب عادت مطلوب، بیش از آن که متأثر از زبان منطق و استدلال باشند وجودشان مملو از عواطف و احساسات بوده و مستعد پذیرش از طریق زبان مهر و محبتند؛ با ایجاد این احساس، یادگیری رفتارهای مطلوب و پیدایش انگیزه‌های همانندسازی و اتصاف به صفات و الگوهای دل خواه فراهم می‌گردد»^(۱).

پس ایجاد انگیزه در جوانان و نوجوانان، باید از همان دوران کودکی آغاز شود؛ آن هم با کلمات محبت آمیز. بارزترین سبک آن هم در قرآن کریم و از زبان لقمان حکیم به فرزندش آمده است که می‌فرماید:

«يَا بُنَيَّ! أَقِمِ الصَّلَاةَ»؛ «پسرم! نماز را برپا دار»^(۲).

در این آیه، لقمان حکیم صریحاً فرزندش را سفارش به نماز نموده است و نکته حائز اهمیت در این آیه به کار بردن (یا بنی) است که حکایت از محبت و مهربانی و دل سوزی دارد که این بهترین روش و مؤثرترین راه برای تأثیر نصیحت و پند و جذب نوجوانان و جوانان به رفتارهای پسندیده است.

«به کار بردن «یا بنی» به صورت اسم تصغیر در این جا، برای دل سوزی و محبت است نه برای تحقیر و کوچک شمردن»^(۳).

پس نتیجه می‌گیریم که با توجه به لحن آیه، سفارش و نصیحت به فرزندان اگر همراه با محبت و مهربانی و دل سوزی باشد، پذیرش بهتر و همراه اطاعت خواهد بود؛ اما اگر با سرزنش یا تحکیم و زور همراه باشد،

ص: ۱۰۰

۱-۱. افروز، غلامعلی؛ روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۲.

۲-۲. سوره لقمان، آیه ۱۷، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۳-۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۱۹.

نوجوانان و جوانان را به جبهه گیری و مقاومت و اخواهد داشت و نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

ب. استمرار بر نماز: مسئله مهم در مورد نماز، تنها جذب و گرایش نیست بلکه ادامه و استمرار بر آن نیز یکی از رکن های اصلی است. در قرآن، خداوند به پیامبر(ص) امر می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا(۱)»؛ «ای پیامبر! خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش.»

در تفسیر این آیه و زمان نزول آن بین مفسرین بزرگ قرآن اختلاف نظر است. برخی از آنان من جمله صاحب مجمع البیان روایت ذیل را در تفسیر آن آورده اند:

ابوسعید خضری روایت کرده: «وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا (ص) به مدت نه ماه هنگام هر نماز می آمد به خانه علی(ع) و فاطمه (س) و می فرمود: «الصلوة (نماز)؛ خدا شما را رحمت کند» و آیه شریفه تطهیر را می خواند.»(۲)

این روایت دلالت بر این مطلب دارد که پیامبر(ص) خانواده خود را به نماز دعوت نموده و در این کار دقت و توجه جدی داشته تا استمرار این امر، مورد تاکید قرار گیرد؛ چرا که نماز بدون استمرار، عبادتی است که اثر چندانی بر آن مترتب نیست.

ص: ۱۰۱

۱- ۱. سوره طه، آیه ۱۳۲، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲- ۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷.

اشاره

در این گفتار، در صددیم روش های تربیتی مناسب فرزندان را در پرتو سیره تربیتی معصومین (ع) در تربیت فرزند بیان نماییم؛ چرا که سیره آن بزرگواران، بهترین و برترین روش تربیت است.

در همه تحولاتی که در جوامع به وجود می آید، تعلیم و تربیت از عوامل اصلی و مهم انتقال سرمایه فکری و ارزش های والای انسانی و خصلت های نیک از نسلی به نسل دیگر است.

میراث تمدن و فرهنگ، در طول تاریخ توسط تعلیم و تربیت از پدران و مادران و مربیان جامعه به فرزندان منتقل شده و این سلسله هم چنان در حرکت و تطور است. در این نکته نیز تردیدی نیست که تعلیم و تربیت، عامل اصلی سازندگی انسان ها و اجتماع انسانی است.

الف. تربیت دینی

از تعریف دین در مباحث گذشته فهمیدیم که وجود دین، بازدارنده انسان ها از بدی ها و انحرافات اخلاقی و نفسانی در زمینه های فردی و اجتماعی است.

اگر اصل وجود انسانی به تربیت دینی آموخته شود، می تواند شکوفا شود و استعدادهای بالقوه آدمی را در جهت رستگاری به ظهور برساند.

تربیت دینی، غرایز و نیازهای آدمی را در جهت هدایت الهی منطبق با فطرت، ارضا می کند.

حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می فرمایند: «باید توجه داشته باشید که این بچه ها که پیش شما (والدین و مربیان) تربیت می شوند، تربیت دینی شوند؛ تربیت اخلاقی بشوند. اگر یک بچه متدین را شما

تحویل جامعه بدهید، یک وقت می بینید که همین یک بچه متدین متعهد، یک جامعه ای را اصلاح می کند»^(۱).

پس تربیت دینی، استوار کردن دین و تعالیم الهی در نفس انسان و اجتماع است و اگر دین در نفس انسان پایگاه استواری بیابد، او را به حد اعتدال می رساند و حرکت او را به سوی کمال تسهیل می کند.

براین اساس، در تربیت دینی مساعد نمودن زمینه برای رشد فکری، عاطفی و انفعالی انسان، او را برای دنیا و آخرت آماده می کند و به همین دلیل گفته می شود که تربیت دینی با تمدن همگامی دارد.

تربیت دینی، به عقل جایگاه خاص می بخشد و فرهنگ را غنی می سازد. اگر نگاهی به تاریخ سیر تمدن ها و فرهنگ ها بیاندازیم در می یابیم که همه آن ها از سرچشمه دین

سیراب شده اند و توانسته اند مسیر رشد و کمال خود را طی کنند. هرگاه نیز که تمدن ها و فرهنگ ها خود را از وحی دور نگه داشته اند، انسان ها را به سراشیبی سقوط، فلاکت، نابودی و هلاکت کشانیده اند.

در این گفتار به نکاتی پیرامون آشنایی با شرایط، زمینه ها و عوامل مؤثر در تربیت از دیدگاه متون دینی می پردازیم و در واقع، با بیان نکاتی که از متن دستورات و آئین اسلام برداشت شده، زمینه های مناسب تربیت دینی را داشتن پیشینه ای سالم سرشت و فطرت پاک و مستعد و آماده می دانیم و اهداف تربیتی را بیان می نماییم.

باید بر این نکته تاکید کنیم که اسلام در واقع با سفارش های خود، خواسته است همه زمینه های لازم برای رسیدن به سعادت و کمال را در انسان مسلمان فراهم آورد.

ص: ۱۰۳

روان شناسان و عالمان تعلیم و تربیت، دو عامل را در رشد و تربیت مؤثر می دانند:

۱- وراثت ۲- محیط.

وراثت: مجموعه خصوصیات ژنتیکی است که از آغاز تولد همراه انسان و در نهاد و سرشت انسان هست و از طریق پدر و مادر به او منتقل شده است. در فصل اول به طور کامل در این زمینه توضیح داده ایم.

محیط: محیط رشد انسان دوجاست: «محیط در دوره جنینی» و «محیط بعد از تولد» که شامل خانواده و جامعه است. در مورد محیط نیز تعریف لازم در فصل اول داده شده است.

از دیدگاه اسلام و بر اساس برداشت از آیات و روایات و دستورات و احکام اسلام، همه موارد فوق مورد تأیید و توجه و دقت کافی قرار گرفته است. مسائلی را که در تربیت و هدایت انسان نقش دارند می توان به صورت خلاصه در موارد ذیل بیان نمود:

۱- اخلاق، روحیات و عمل کرد و رفتارهای والدین در دوره های قبل از ازدواج (کودکی، نوجوانی و جوانی) تأثیر بسیاری در فرزندان آن ها دارد. همان طور که ظاهر و قیافه آن ها چنین اثری دارد.

«از دیدگاه روان شناسی، این ویژگی ها را «ویژگی پرژنی» می نامند که فقط شامل بخشی از وضعیت ظاهر فرد می شود.»(۱).

نکاتی که در مورد خصوصیات و صفات همسر خوب و شایسته در روایات و اخبار مطرح گردیده نیز مؤید این مطلب است که به اهم آن ها در ادامه اشاره خواهیم کرد.

ص: ۱۰۴

۱. صفات همسر مطلوب

بر اساس جمع بندی مجموع روایات، هنگام ازدواج هر دختری، والدین او وظیفه دارند ببینند با چگونه مردی و دارای چه خصوصیتی قرار است پیوند ازدواج برقرار نماید. پیامبر خدا(ص) فرمود: «ازدواج بندگی است؛ پس باید هر کدام از شما دقت داشته باشید که کریمی خود را کجا قرار می دهد». (۱۷۳)

مهم ترین صفات و خصوصیتی که باید توسط والدین برای همسر آینده فرزندشان بررسی شود به شرح زیر است.

۱- ایمان و تقوا

۲- اخلاق نیک

۳- توانایی اداره خانواده و رعایت حق همسر

۴- اصالت خانوادگی

در میان تمام شرایط ازدواج «هم کفو بودن» و «ایمان» مهم ترین شرایط هستند؛ البته در این مورد امام باقر(ع) فرمودند: «مؤمنان کفو و هم شأن یک دیگرند و براین اساس از دواج مؤمن با مؤمن که از سر ایمان باشد، رعایت هر دو شرط را نموده است». (۱۷۴)

در بیان دیگری، امام صادق(ع) در مورد کفو چنین فرمود: «کفو در ازدواج، خصوصیت مردی است که پاک دامن و قادر بر نفقه باشد»

رسول خدا(ص) نیز در این مورد فرمودند: «بهترین مردان شما آن کس است که پرهیزکار، پاکدل، دست و دل باز، پدر و مادر دار و خوش رفتار با

ص: ۱۰۵

پدر و مادر باشد و عیالش را محتاج دیگری نکند» (۱).

پس اگر کسی با این اوصاف، قصد ازدواج با دختری را داشت باید والدین دختر بپذیرند؛ چون در تربیت فرزندان، همه این اوصاف از جهت وراثت قابل انتقال است.

۲. صفات ناشایست

۱. ستمگری ۲. فسق ۳. شراب خوری ۴. بی دینی ۵. بداخلاقی.

آیا با کسی که این اوصاف در او هست وصلت صحیح است؟ پیامبر خدا (ص) فرمود: «هرگاه کسی دختر خود را به همسری ستمگر (ولو در حق همسر و فرزندان خوب باشد - یا فاسقی یا بی دینی یا شراب خمری درآورد، به دین خود خیانت کرده و مورد خشم خدا قرار گرفته است و قطع رحم نموده است» (۲).

رسول خدا در مورد بدترین مردان چنین می فرماید:

«بدترین مردان شما کسی است که به بی گناهان تهمت می زند، بخیل و بدزبان است، سر سفره تنها می نشیند، خیرش به کسی نمی رسد، همسر، و غلامش را می زند، خانواده خود را محتاج به دیگران می کند و پدر و مادر را می آزارد» (۳).

از فردی با این صفات ناشایست باید دوری جست و از تزویج دختر به وی خود داری کرد.

ص: ۱۰۶

۱- ۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۷.

۲- ۲. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محججهالبیضاء، ج ۳، ص ۹۴.

۳- ۳. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۲، باب هفتم.

۳. خصوصیات زن شایسته برای ازدواج

درباره صفات زن خوب نیز روایات زیادی داریم. در این باره مرحوم ملامحسن فیض کاشانی در کتاب محججهالبيضاء صفات زیادی را برای زنان از مجموعه روایات و اخبار جمع آوری نموده است که خلاصه ای از آن را در این جا مطرح می کنیم:

۱- دین داری، ۲- اخلاق خوب ۳- جمال و زیبایی ۴- اصالت خانوادگی ۵- مهربان و ودود ۶- ولود (نازا نبودن).

در این باره رسول خدا(ص) فرمود: «بهترین زنان، زنانی اند که پاک دامن و عفیف، خوش اخلاق و مطیع همسر باشد». (۱)

باز در محججهالبيضاء در مورد اصالت خانوادگی زن نکته بسیار ظریفی آمده است: «یکی از صفات زن این است که اصالت خانوادگی داشته باشد، یعنی از خانواده خوب و نیکی باشند؛ زیرا چنین خانواده ای دخترانش را خوب و با ادب تربیت می نماید» (۲)

پس چنین زنی می تواند فرزندان خوب و پاک را پرورش دهد و تربیت نماید.

در روایتی از امام صادق(ع) آن حضرت در مورد این که با چه کسی باید ازدواج کرد و آن ها را شریک خود قرار داد، به یکی از اصحاب خود به نام ابراهیم کرخی چنین فرمود:

«بین نزد چه کسی خود را قرار می دهی و چه کسی را در مالت شریک می گردانی و بردینت آگاه می نمایی و از سرت مطلع می سازی! و اگر ناچاری که ازدواج کنی، دختری را برگزین که به نیکی و خوش اخلاقی

ص: ۱۰۷

۱- ۱. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۲ تا ۹۴.

۲- ۲. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

چنین زنانی موجب خوشبختی مردان می شوند و هم همسر خوب و شایسته و هم مادر خوب و مربی لایقی برای فرزندان هستند. سعادت همسر و فرزندان در دنیا و آخرت بدون شک به داشتن مادر و همسر شایسته بستگی دارد.

۴. صفات زنان ناشایست

۱- بی دینی یا ضعف عقیدتی

۲- بدخلق، نامهربانی و فساد و ناپاکی

۴- زشت بودن و عقیم و نازا بودن

۶- غیر مطیع و نافرمان بودن

باید از ازدواج با چنین زنانی دوری جست؛ چرا که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «آیا خبر دهم شما را از بدترین زنانان؟»

«آن ها کسانی هستند که در خانواده خود، خوارند ولی نزد شوهر خود عزیز؛ عقیم و نازا و کینه ورزند و از هیچ کار زشتی فرو گذار نیستند. در غیاب شوهر، زیباییهایشان را آشکار می کنند و در حضور شوهر، خود را حفظ می کنند. به حرف شوهر گوش نمی دهند و از او فرمانداری و اطاعت ندارند و در خلوت از همبستر شدن شوهر ممانعت می کنند. آن ها هیچ وقت عذری را از شوهر نمی پذیرند و هیچ گناهی را از او نمی بخشند.»(۲)

آن چه می توان از این نکات نتیجه گرفت این است که تأکید پیامبر

ص: ۱۰۸

۱- ۱. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

۲- ۲. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۷.

خدا(ص) و ائمه(ع) بر احراز این شرایط قبل از انتخاب همسر است و مسلم است که وجود این صفات و خصوصیات اخلاقی در فرد، نقش بسیار اساسی در تحکیم و ضعیف یا قوی بودن بنیاد خانواده و داشتن فرزندان سالم و دارای زمینه های تربیت خوب یا بد دارد.

اگر از هر طالب ازدواجی بپرسیم که هدفش از ازدواج چیست؟ جواب می گوید: «خوشبختی و داشتن فرزند صالح و نیکوکار» و گرچه خوشبختی یک امر نسبی است و هر کس ممکن است خوشبختی خود را در مورد خاصی ببیند اما در فرهنگ جامعه ما (مسلمانان) که متأثر از فرهنگ غنی اسلام است، خوشبختی در جلب رضای خدا و داشتن رفتاری متعادل و مطلوب بر اساس موازین دینی و شرعی و برخورداری از امکانات مناسب برای چنین زندگانی است.

پس ملاحظه می شود که این برنامه ها و دستورات اسلام در مراحل مختلف ازدواج، متضمن سعادت و خوشبختی و داشتن فرزندان صالح و نیکوکار و تربیت صحیح دینی و اخلاقی آنان است.

برای تکمیل بحث، اکنون به برخی از آیین ها و برنامه های ارزش مند دین اسلام در هنگام ازدواج به صورت خلاصه اشاره می کنیم.

برخی از آیین ها و برنامه های ارزش دین اسلام

۱. نماز برای ازدواج

در آیین اسلام و از سنت های موکد این است که هر کس قصد ازدواج کرد، برای خواستگاری دو رکعت نماز بخواند. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند:

«هر گاه کسی اراده خواستگاری نماید، دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی را بگوید و این دعا را بخواند: بار خدایا من تصمیم به ازدواج دارم پس مقدر کن برای من از میان زنان، آن کسی را که پاک دامن تر

و حافظ خود و مال من و باعث رزق بیش تر و برکت زیادتر است.

و مقدر کن برای من فرزندی پاک که خلف صالحی برای من در زندگی و پس از مرگم باشد». (۱)

از این موضوع به خوبی فهمیده می شود که در اسلام هدف از ازدواج، جز زندگی سعادت مندانه و همراه با صفا و صمیمیت و داشتن فرزندی با تربیت پاک و صالح نیست.

۲. نماز و دعا هنگام شب عروسی

از جهت تربیتی حائز اهمیت است که در شب عروسی، داماد در فکر نماز خواندن باشد و از خدا بخواهد فرزندان صالح به او عطا نماید. روایتی از امام باقر(ع) که چنین فرمود:

«چون عروس را نزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو نیز وضو بساز و دو رکعت نماز بخوان. پس از حمد الهی صلوات بر محمد و آل محمد بفرست بعد از آن دعا کن و امر کن زن هایی که همراه عروس آمده اند آمین بگویند و این دعا را بخوانید:

بار خدایا روزی فرما به من انس گرفتن به او را و دوستی اش و رضایت خاطرش را و مرا به او راضی گردان».

برای شب عروسی دعای زیر نیز با همان توضیحات قبلی از امام باقر(ع) نقل گردیده است: (اللَّهُمَّ يَا مَانِتِكَ أَخَذْتُهَا وَ بَكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهَا مُبَارَكًا، تَقِيًّا، مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شَرِيكًا وَ لَانصِيبًا؛ بار خدایا این امانتی است که دریافت کردم و به واسطه تو بر من حلال گردید. اگر فرزندی از او قرار داده ای، آن فرزند

ص: ۱۱۰

را مبارک و پرهیزکار از شیعیان آل محمد(ص) قرار بده و قرار مده برای شیطان در او بخشی و شراکتی. (۱)

۳. اراده فرزندداری

اشاره

والدین وقتی قصد و اراده فرزنددار شدن را پیدا کردند، باید آداب خاصی را به جا آورند که در اسلام به آن سفارش شده است. این نکات که اهمیت تربیتی فراوانی دارد، نقش به سزایی در سرنوشت فرد دارد. ما در این جا به صورت خلاصه به برخی از این موارد اشاره می نمایم.

۳-۱. زمان، ساعت و شب مخصوص

در مورد زمان مناسب آمیزش، سفارش شده که ماه در عقرب نباشد، ماه در محاق نباشد، شب اول و آخر ماه و شب چهارشنبه نباشد؛ در هنگام طلوع و غروب نباشد و هنگام خسوف و کسوف هم نباشد.

نیز توصیه شده که اگر شب سه شنبه و یا روز جمعه باشد، خوب است و فرزند از فلان روحیه خوب و فلان صفات شایسته برخوردار می گردد.

۳-۲. مکان

۱- هم بستر شدن نباید در مکان شلوغ و در مقابل شعاع خورشید باشد؛ چنان که نباید در حضور کودکان و حتی طفل خردسال نیز باشد.

۲. مادر در حال استحاضه و... نباشد و هیچ کدام از پدر و مادر، در حال مستی از مسکرات و... و در پریشانی و اضطراب نباشند.

ص: ۱۱۱

۳. لوازم بهداشتی و نکات بهداشتی مثل استفاده نکردن والدین از دستمال مشترک نیز سفارش مؤکد شده و استفاده از غذای پاک و طاهر و حلال قبل از آن نیز توصیه شده است.

۴. توصیه شده که آمیزش با طهارت و وضو باشد و بسم الله بگویند و از شر شیطان به خدا پناه ببرند. (۱)

از مولا- امیرالمومنین (ع) نقل است که می فرماید: «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْنِي؛ (۲) بار خدایا! شیطان را از من دور گردان و دور گردان

شیطان را از فرزندى که به من عطا می کنی تا اگر فرزندی به وجود آید، شیطان هرگز به او ضرر نرساند.»

از امام باقر (ع) نیز دعای خاص ذکر شده که می فرماید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلِئِدًا وَ اجْعَلْهُ تَقِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَ لَا نُقْصَانًا وَ اجْعَلْهُ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ؛ (۳).

«بار خدایا! روزی فرما بر من فرزندی و او را پرهیزگار قرار ده که در خلقت او هیچ زیادی و نقصانی نباشد و عاقبتش را خیر قرار ده.»

بسیاری از آدابی که بیان شد، سفارش های پیامبر اکرم (ص) در شب ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است که در منابع معتبر از جمله حلیه‌المتقین نقل گردیده است. رعایت کلیه این آداب و توجه خاص به مسایل مذکور، تأثیر و نقش سرنوشت ساز و به سزایی در فضائل و خصوصیات فرزندان دارد. اسلام نیز بر این مبنا و برای این که فرزندان سالم و مستعدی داشته باشیم که ایمان و تقوا در ذات آن ها و سرشت آنان

ص: ۱۱۲

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیه‌المتقین، خلاصه ای از شماره ۴، از صفحات ۱۲۶ الی ۱۳۱.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ حلیه‌المتقین، خلاصه ای از شماره ۴، ص ۱۳۵.

۳- ۳. مجلسی، محمدباقر؛ حلیه‌المتقین، ص ۱۳۵.

نهادینه گشته باشد، ما را به این امور و آیین و آداب سفارش نموده است.

هم چنین در اسلام آمده است که رعایت نکردن برخی آداب یا رعایت آن ها چه اندازه در خصوصیات فرزند اثر دارد.

۱. رعایت نکردن برخی مسایل

عدم رعایت برخی از موارد قبل از تولد فرزند باعث می شود فرزند، مجنون، ناقص الخلقه، کم هوش (عقب افتاده ذهنی)، کوردل، بخیل و مانند آن شود.^(۱) گرچه این موارد در میان غیرمسلمین بیش تر مشاهده می شود.

۲. رعایت برخی از آداب

رعایت برخی سنن و آداب سبب می شود که فرزند، دارای صفات پسندیده و خوب شود. مواردی مثل: «خوش بو کردن دهان، دل رحم بودن، جوان مرد بودن، دوری از غیبت و بهتان».^(۲)

۳. رعایت تقوا و پاکی

دوری از هر نوع گناه و معصیت، تناول غذای حلال و کمک به مستمندان، داشتن مراسم سالم و به دور از گناه در شب عروسی و نظیر آن مورد تأکید جدی رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) و از سنت ها و روش های آنان محسوب می شود. رسول خدا(ص) تمام این موارد را در شب عروسی فاطمه زهرا(س) رعایت نموده که بیان آن در این موضوع نمی گنجد.

ص: ۱۱۳

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیه‌المتقین، ص ۱۲۹.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ حلیه‌المتقین، ص ۱۳۰.

۴. مراقبت در دوره بارداری

دوران حمل و بارداری، دوران حیات جنینی و حساس ترین و مهم ترین دوران برای تربیت فرزند به حساب می آید.

از دیدگاه دین مبین اسلام، این دوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است و روایات، آداب و سنن زیادی برای آن نقل شده است.

همه رفتارهای والدین در این دوره، خصوصاً مادر در سلامت جنین مؤثر است و نقش اساسی دارد؛ حتی غذاهایی که مادر می خورد، به نوعی در فرزند تأثیر دارد. به این موضوع بالأخص در کتب تربیتی و روان شناسی پرداخته شده و ما نیز برای توجه بیش تر به اهمیت این دوره، یک روایت از رسول خدا(ص) نقل می نماییم. پیامبر می فرماید: «السَّعِيدُ سَعِيدٌ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ شَقِيٌّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ»^(۱) «سعادتمند، سعادتمند است

از شکم مادر و بدبخت، بدبخت است از شکم مادر.»

در «روضه‌المتقین» آداب و سفارش های لازم برای دوره بارداری نقل شده است. بر اساس اخبار و روایات معصومین (علیهم السلام)، در این دوره، مادر باید موارد ذیل را مورد توجه قرار دهد: «زندگی در محیطی آرام باشد، سلامت جسمی او تضمین شود، کار زیاد نکند، از حرام بپرهیزد، از هوس بازی روگردان باشد، غذایش پاک و سالم باشد، به هر مجلسی رفت و آمد نکند، از هر غذایی نخورد، حتی در فکر کردن نیز

روحیات و روان خود را از خطرها و آلودگی ها دور نگه دارد و... دقت در این مسایل در تربیت فرزند سرنوشت ساز است»^(۲).

ص: ۱۱۴

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیه‌المتقین، ص ۱۳۰.

۲- ۲. قائمی، علی؛ نظام حیات خانواده اسلام، ص ۱۳۷، به نقل از روضه‌المتقین.

۵. آداب تولد و پس از آن

اشاره

هنگامی که فرزند به دنیا می آید آدابی وجود دارد که باید رعایت شود؛ چون جزء مواردی است که در تربیت فرد اثر مهمی دارد. برخی از این آداب چنین است:

۵-۱. گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او

نقل است که «وقتی خبر ولادت امام حسین (ع) به پیامبر گرامی (ص) رسید، به خانه حضرت علی (ع) و فاطمه (س) رفت. آن ها کودک را در یک پارچه سفید رنگی پیچیده بودند و توسط اسماء به جدش رسول الله دادند. پیامبر (ص) به گوش راست او اذان و به گوش چپ او اقامه گفت» (۱).

۵-۲. نام گذاری

نام نیکو بر فرزند نهادن از وظایف مهم والدین است؛ چرا که در زندگی و شخصیت او اثر جدی دارد. از امام باقر (ع) نقل است که «راست ترین نام ها، نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند، مثل عبدالله و بهترین نام ها نام پیغمبران است» (۲).

۵-۳. عقیقه کردن و سر تراشیدن و صدقه دادن به میزان موهای فرزند به طلا و نقره

نقل است که در روز هفتم ولادت امام حسین (ع)، فاطمه (س) گوسفندی را برای فرزندش به عنوان عقیقه کشت و سر آن حضرت را تراشید و هم وزن موی سر او نقره صدقه داد. (۳)

-
- ١-١. طوسی، امالی، ص ٣٧.
 - ٢-٢. مجلسی، محمدباقر؛ حلیہ المتقین، ص ١٤١.
 - ٣-٣. کلینی، اصول کافی، ج ٦، ص ٣٣.

۵-۴. آداب شیردادن و تربیت کردن فرزند

الف. شیر دادن همواره باید با طهارت و رعایت نکات بهداشتی باشد و سلامتی غذا و طهارت آن و نوع غذا مورد دقت و توجه باشد.

ب. ارتباط درست برقرار کردن با کودک از طرف والدین و رعایت نکات اخلاقی، رفتارهای مناسب و نیز به کار بردن کلمات زیبا نیز اثری مهم در تربیت و تکوین شخصیت کودک دارد.

ج. دقت کردن در رشد، سلامتی جسمی و روانی کودک و مراقبت های ویژه در بهداشت کودک نیز مسئله مهم دیگر است. (۱)

در دوره کودکی، یادگیری و آموزش طفل از طریق نگاه کردن و گوش دادن، نکته مهمی است. زیرا آن چه را می بیند و می شنود، در ذهن و اندیشه خود ثبت می کند. لذا در این دوره، پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده باید دقت زیادی در رفتارها و گفتارهای خود داشته باشند و با کودک درست و صحیح ارتباط برقرار نمایند.

همه مواردی که مطرح شد، در تربیت درست و دینی کودک نقش مهم و حیاتی دارد و شقاوت انسان به آن ها بسته است. مهم ترین نتیجه چنین تربیتی، شکل گیری فطرت پاک و سالم فرزندان است که مسایل تربیتی در آن دخیل است.

دوران کودکی، نوجوانی و جوانی

مهم ترین نکات تربیتی و مسئولیت والدین و روش های تربیتی درست مربوط به این دوره است. گرچه آداب و مواردی که تا این جا بیان شد، نقش به سزایی در ایجاد زمینه های فطری برای تربیت دارد اما احادیث و

ص: ۱۱۶

روایات، برنامه های تربیتی را بر اساس سنین مختلف طبقه بندی و اولویت گذاری نموده، برای هر دوره سنی، برنامه و توصیه های خاص ارائه نموده است که باید در تکمیل موارد فوق به آن ها نیز توجه کرد.

در این زمینه، پیامبر اکرم (ص) بهترین برنامه را ارائه نموده اند: «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عِبْدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»؛^(۱) «فرزند ۷ سال آقا و سرور است و ۷ سال فرمانبرو و مطیع و ۷ سال وزیر و مشاور».

در روایتی از حضرت مولا امیرالمؤمنین علی (ع) منقول است که فرمودند: «يُرْفَى «يُرَبَّى» الصَّبِيُّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَتَخَدَمُ سَبْعًا»^(۲) فرزند ۷ سال بازی می کند و ۷ سال تربیت می شود و ۷ سال به خدمت گرفته می شود».

باز در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «طفل، هفت سال نگاه داری و تربیت لازم دارد، هفت سال به آموختن آداب و هفت سال دیگر دوران خدمت اوست».^(۳)

از این روایات، روش اهل بیت (ع) در تربیت کودک مشخص می شود.

در تربیت دینی فرزندان باید از ظرافت های خاص و آموزش های آسان و تدریجی استفاده کرد و او را مشتاق برنامه های دینی نمود.

در واقع اولین مرحله تربیت دینی که موجب ایجاد شوق و علاقه نسبت به برنامه های دینی و از جمله نماز است، در این دوره باید سپری و محقق شود.

در بحث سیره ائمه و پیامبر (ص) موارد زیادی مطرح شده است؛ در

ص: ۱۱۷

۱-۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۲-۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۳-۳. مجلسی، محمدباقر؛ حلیه المتقین، ص ۱۵۸.

مورد این که پیامبر(ص) چگونه با بچه های خردسال و کودکان برخورد می نمود. مثلاً ایشان در حال نماز بود و امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام) هنگام سجده از شانه های حضرت رسول بالا می رفتند(۱) ولی پیامبر(ص) صبر می کرد تا آنان خودشان پائین آیند یا به آرامی آن ها را می گرفت و بر زمین می گذاشت. اما وقتی پیامبر(ص) دوباره به سجده می رفت، همین کار تکرار می شد؛ با این حال هیچ گاه پیامبر با آنان رفتار خشونت آمیزی نداشت.

این گونه برخوردها و رفتارها می تواند در دوره کودکی به ایجاد علاقه و اشتیاق نسبت به نماز در ذهن و دل کودک بینجامد. همانگونه که خشونت و عصبانیت همه می تواند به ایجاد نفرت و بیزاری از رفتارهای دینی در کودک منجر شود.

برخی بر این تصورند که منظور از «سروری» که در کلام رسول خدا(ص) آمده این است که کودک را باید کاملاً رها کرد تا هرچه خواست از خوب و بد انجام دهد.

اما سروری و آقایی به این معنی نیست بلکه مراد برخورد مطلوب و بزرگووارانه و بزرگ منشانه با آن هاست. باید به آن ها احترام گذاشت و آن ها را مورد اکرام قرار داد و سعی کرد در قالب بازی و شادی، آموزش های لازم به آن ها داده شود. هم چنین باید با آن ها به درستی سخن گفت و خوب و صحیح آن ها را راه نمایی کرد.

ص: ۱۱۸

۱- ۱. در مراحل قبل اشاره لازم انجام گرفته.

هفت سال دوم دوره فرمان بری و اطاعت

بر اساس دستورالعمل پیامبر(ص) و حضرت علی(ع)، هفت سال دوم، دوره فرمانبری و اطاعت و بهترین فرصت برای تأدیب و ایجاد رفتارهای نیکو در فرزند و عادت دادن او به انجام برنامه های دینی مخصوصاً نماز می باشد.

امیرالمؤمنین علی(ع) راجع به این دوره فرموده اند: «این دوره بخشی از اول نوجوانی است»^(۱). پدر و مادر و عوامل دیگر مسئولیت دارند. تا در این دوره تعلیم و تربیت او را به ثمر برسانند. مانند معلم و مدرسه که موظفند در مسئولیتی که به عهده آنان نهاده شده است همراه والدین بکوشند و در آموزش دینی فرزندان و آموزش احکام دین و برنامه های دینی به آن ها، تلاش نمایند.

در تربیت، این مرحله مرحله دشواری است، اما با تلاش و سعی و جدیت والدین و مربیان به ثمر رسیدن آن، میسر و امکان پذیر است.

در این دوره البته باید روشی بکار برده شود که در کودک احساس اجبار و اکراهی در ارتباط با این امور به وجود نیاید بلکه با به کارگیری روش های صحیح، طوری عمل شود که فرزندان با میل و رغبت و اشتیاق به امور دینی بپردازند.

امام صادق(ع) در این مورد به پیروان و شیعیان خود سفارش نموده است:

«إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُّوْا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَعِ سِنِينَ»^(۲). «ما فرزندانمان را وقتی پنج ساله هستند فرمان به

ص: ۱۱۹

۱-۱. در مراحل قبل توضیح داده شد.

۲-۲. کافی، ج ۲، ص ۱۲.

نماز می دهیم، شما فرزندانمان را وقتی هفت ساله شدند فرمان به نماز دهید».

یکی از یاران امام صادق(ع) به نام معاویه بن وهب از امام صادق(ع) درباره این که در چه زمانی فرزندان خود را وادار به نماز نمائیم پرسید. امام در جواب چنین فرمود: «بین ۶ تا ۷ سالگی»^(۱).

اگر در این سنین بتوان کودکان را به نماز عادت داد و سایر فرایض دینی را به آنان آموخت، به مرور نماز جزئی از شخصیت رفتاری آن ها در دوره نوجوانی و جوانی می شود.

در واقع نوجوان و جوانی که از دوره کودکی به خواندن نماز عادت کرده و زیر نظر والدین خوب و مربیان و معلمان خوب با برنامه های دینی آشنا شده و آموزش های لازم را دیده و به انجام وظایف دینی و نماز عادت پیدا کرده است، به مرور زمان در دوره نوجوانی و جوانی، در وجود او یک شاکله و شخصیت دینی به صورت ملکه ذهنی پیدا می شود و به فردی دین دار و متدین تبدیل می شود. او دیگر حاضر نمی شود عملی را که بر خلاف دین باشد و در واقع شخصیت او را زیر سؤال ببرد انجام دهد.

چنین فردی همواره تلاش و کوشش لازم را در دین داری و مواظبت و مراقبت از رفتارهای خود دارد و در جمع دین داران و مراسم های مذهبی شرکت می نماید. این همان چیزی است که از یک جوان مسلمان انتظار می رود.

ص: ۱۲۰

هفت سال سوم که در واقع نوجوان وارد مرحله بلوغ و جوانی می گردد از ویژگی های خاص خود برخوردار است؛ از جمله احساس استقلال و خودپنداری، احساس بزرگی، جدا شدن ظاهری از والدین و نواخواهی و کشف هویت و در نتیجه این ویژگی ها و حالت ها گاه نافرمانی و درگیری با فرهنگ اجتماعی و خانوادگی.

بنابراین والدین، مربیان و معلمان مسئولیت خطیر و حساسی را در این دوره بر عهده دارند(۱). باید تلاش و سعی شود بر اساس دستورالعمل پیامبر(ص) و حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) با دادن مسئولیت و اعتماد به توانایی و پذیرش آنان به عنوان

افرادی بالغ و کامل و نظرخواهی و بها دادن و پذیرفتن نظرات خوب آنان و شخصیت دادن و احترام گذاشتن و مهر و محبت و دوستی و رفاقت با آنان، آنان در مسیر صحیح خدمت به والدین، خانواده و جامعه قرار گیرند و از ایجاد انحراف و درگیری با فرهنگ دینی و نماز و برنامه های دینی توسط آنان خودداری شود.

در همین رابطه در سیره و روش پیامبر(ص) و ائمه(ع) نکات قابل توجهی یافت می شود که می تواند سرمشق مهمی برای نوجوانان و جوانان باشد. یکی از این موارد چنین است:

«اولین نماینده و سفیر پیامبر(ص) در میان مردم مدینه، «مصعب» یکی از فرزندان اشراف آن زمان بود که در ناز و نعمت، بزرگ شده بود. اما او جوان نورسی بود که پس از ایمان آوردن به پیامبر(ص) به مدینه هجرت نمود و به خواندن قرآن و برنامه های تبلیغی دین اسلام پرداخت و افراد زیادی را مسلمان نمود و در میان آنان به اقامه نماز و آموزش قرآن

ص: ۱۲۱

پرداخت و زمینه هجرت پیامبر(ص) به مدینه را فراهم نمود»^(۱).

نوجوانان و جوانان بسیاری در طول تاریخ اسلام، حماسه آفرین بودند و نقش های بسیار با اهمیت و شگفتی داشتند.

از جمله نمونه های این افراد در انقلاب اسلامی نیز می توان افرادی مانند شهید محمد جهان آرا، شهید فهمیده و... را نام برد.

بنابراین اگر والدین برنامه های تربیتی را قبل از ازدواج تا دوران نوجوانی و جوانی، آنطور که به صورت خلاصه بیان شد، مورد توجه جدی و عمل قرار دهند، می توان انتظار داشت که فرزندان شایسته، لایق، متدین و خدمت گذار به دین و جامعه و خانواده تربیت شوند.

گفتار سوم: نقش الگویی والدین

الف. الگودهی

یکی از روش های تربیتی در مهیاسازی کودکان و نوجوانان برای انجام تکالیف دینی الگودهی است. «الگو در لغت به معنی نمونه، سرمشق و مقتداست»^(۲) و ارایه نمونه و مدل تربیتی از شیوه هایی است که در تربیت مورد توجه جدی است.

الگوگیری کودک از همان دوران کودکی شروع می شود و اگر والدین توجه و یا اطلاعات کافی در زمینه های تربیتی نداشته باشند، بعدها با مشکل روبرو می شوند. مخصوصاً اگر این الگودهی فرزندان فارغ از زمینه مذهبی باشد، مشکل چند برابر می شود. یکی از روان شناسان بر آن است

ص: ۱۲۲

۱-۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۴۰۵.

۲-۲. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا.

که «یک جوان بدون زمینه مذهبی و دینی، شبیه به کشتی بدون سکان است»^(۱).

پس نقش الگویی، خیلی مهم است و می تواند در سرنوشت انسان بسیار مؤثر باشد. کودک در دوره کودکی اراده خاصی از خود ندارد. او یا از رفتار دیگران تقلید می کند و یا از الگویی که به اسوه ها و بزرگان دین مربوط است، پیروی می کند.

در مسیر الگودهی، والدین و مربیان از جایگاه خاصی برخوردارند و از ارکان اساسی الگودهی به حساب می آیند. رفتار عملی والدین در الگودهی به فرزندان قطعاً جایگاه ویژه و اول را دارد و بعد از آن مربیان (معلمان) و بعد دوستان و سپس جامعه در این مسیر نقش دارند. امروزه رسانه های خبری هم تأثیر گسترده ای در الگودهی به نوجوانان و جوانان دارند.

ب. نقش الگویی والدین

یکی از عوامل که می تواند در ارایه الگوی تربیتی جوانان و نوجوانان مؤثر باشد، محیط خانواده است؛ اگرچه خود این محیط برای آنان خیلی جذاب نباشد.

این عدم جذابیت یا به خاطر تکراری بودن است و یا به خاطر روحیات خاص خانواده که با جامعه متفاوت است. بنابراین برای این که رفتار خانواده جنبه الگویی داشته باشد باید تمهیداتی اندیشیده شود.

بهترین شیوه و تمهید در آموزش، شیوه رفتاری است. والدین و مربیان باید با رفتار و گفتار خود الگوی فرزندان باشند. برای نوجوان، حیات،

ص: ۱۲۳

۱- ۱. دوربین، اودلوم؛ سیری در بلوغ، ص ۱۴۹، ترجمه کاظم سامی.

رودخانه ای است که او شاید بترسد در آن پای بگذارد و غرور و خود خواهی به او اجازه پرسش از بهترین مسیر برای رسیدن به مقصد را ندهد.

اما رفتار والدین به صورت ناخواسته راه را به او نشان می دهد و او را به مسیر درست هدایت می کند.

حق نیز این است که والدین و مربیان کمک و هدایت خویش را به نوجوانان عرضه نمایند. (۱)

از سوی دیگر با توجه به این که فرزند، والدین خود را بهترین و موفقترین انسان ها می داند و برای آن ها نقش کامل قایل است باید به او از طریق غیر مستقیم رفتار و سیره صحیح تربیتی را آموخت. او زمین مناسبی است تا در این دوره کشت تربیتی لازم در آن صورت گیرد و در آینده از آن برداشت شود.

ارایه الگوهای مناسب

از همان بدو تولد، کودک استعداد و آمادگی بالقوه و فطری خاصی برای آموختن دارد و پدر و مادر اولین سرمشق او هستند. کودکان با مشاهده رفتار والدین خود آن را الگوی رفتاری خود قرار می دهند و از آن پیروی می کنند و بدون تردید در این مدل اگر والدین دارای رفتار خوبی باشند، شخصیت کودک نیز تحت تأثیر رفتار خوب آن ها قرار می گیرد.

اسلام بر این که در ارایه الگوی مناسب باید دقت کرد تأکید فراوانی نموده است.

ص: ۱۲۴

امام کاظم (ع) فرموده اند: «يُحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ»؛^(۱) «رفتار کودکان (فرزندان) در اثر خوبی های رفتار والدین آن ها، حفظ و نگهداری می شود.»

پیش از آن که پدر و مادر به امر و نهی کودک پردازند، عملشان مقابل کودک و فرزندان و در منظر تیزبین او جلوه می کند و این زمان زمانی است که والدین فکر

می کنند فرزندشان چیزی را متوجه نمی شود، اما کودک در حال الگو برداری است. اسلام در این مورد تأکید زیادی داشته، پدر و مادر را به مواظبت بیش تر در اوقات خلوت با یک دیگر توجه داده است.^(۲)

در بعد تربیت دینی نیز اگر مادر و پدر مذهبی بودند و مقید به تکالیف دینی، مسلماً در تربیت دینی و پرورش احساس مذهبی تأثیر گذار خواهند بود. در غیر این صورت نباید توقع خاصی داشت.

گفتار چهارم: نقش آموزشی والدین

اشاره

بی شک فردی که سرپرستی یک خانواده را به عهده می گیرد در قبال هر نوع آموزش آنان نیز مسئول است. وظایف سرپرست در قبال خانواده و فرزندان، توجه به مسایل معنوی، تربیت دینی و اخلاقی آنان است نه این که تنها به فکر فراهم آوردن اسباب مادی زندگی باشد.

از آن جا که ائمه معصوم (ع) فرصت آموزش نماز را به همه مسلمانان نداشتند از ابزارهای دیگری نیز برای آموزش نماز و سایر عبادات استفاده می کردند. یکی از این ابزارها آموزش نماز به خانواده ها بود. مالک بن حویرث می گوید:

ص: ۱۲۵

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۸۷.

۲- ۲. کریم، زهرا؛ پایان نامه، روش های جذب کودکان به نماز.

«ما که چند جوان همسال بودیم نزد پیامبر رفتیم و بیست شب نزد پیامبر(ص) ماندیم. پیامبر(ص) مهربان و نرم خو بود و هنگامی که دانست ما میل به خانواده مان داریم از خانواده مان پرسید و ما جواب دادیم. آن گاه فرمود: به سوی خانواده خود برگردید و در خانواده هایتان نماز را بر پا دارید و به آنان بیاموزید و آنان را به نماز امر کنید».(۱)

پایداری و سفارش اهل بیت(ع) به انجام نماز سبب می شود که خانواده بیش تر به نماز توجه کند و فرزندان نیز به آن گرایش پیدا کنند هم چنین باید در دعوت فرزندان و اعضاء خانواده به خصوص کودکان و نوجوانان و جوانان به نماز، شکایا و صبور بود(۲) و با محبت و مهربانی با آنان مواجه شد و تلاش کرد به شبها و ایرادات آن ها به درستی پاسخ داده شود و در برنامه فریضه نماز آموزش صحیح و رفع اشکالات باشد.

تعجیل و اصرارها در دعوت به نماز ممکن است منجر به سرکشی و نافرمانی و در نهایت بی علاقه‌گی و دل زدگی به انجام این عبادت گردد که باید به آن توجه نمود.

آموزش نماز در سیره معصومین

در سیره معصومین(ع) آموزش نماز و سایر عبادات به نوجوانان و جوانان دارای نکاتی می باشد. ما در این قسمت به چند نکته تربیتی اشاره می نمایم:

۱. سن شروع آموزش نماز به کودکان در سیره معصومین(ع) مورد توجه جدی بوده است. بر اساس سیره معصومین(ع) سن شروع آموزش

ص: ۱۲۶

۱- ۱. داوودی، محمد؛ تربیت دینی فرزندان، ص ۱۳۲.

۲- ۲. در مطالب قبلی اشاره شد.

نماز به کودکان، هفت سالگی است و در این زمینه روایت متعدد آماده است:

امام صادق(ع) به یکی از یاران خود فرمود: «ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم؛ شما فرزندانمان را از هفت سالگی امر به نماز کنید.»(۱).

در سن هفت سالگی کودک آمادگی هر نوع آموزش را دارد و اصلاً دل نوجوانان مانند زمین خالی است و در این دوران، استعداد یادگیری او بسیار قوی است.

امام علی(ع) نیز در وصیت به فرزند بزرگوارش می فرماید: «دل نوجوان مانند زمین خالی و مستعد است که هر بذری در آن افشاندن شود می پذیرد. از این رو در آغاز جوانی و قبل از آن که قلبت سخت شود به تربیت تو اقدام کردم.»(۲).

این نکته را نباید فراموش کرد که آمادگی نوجوانان و جوانان برای پذیرش هر گونه آموزش آمادگی موقتی است و از دست خواهد رفت. ضرورت استفاده از این آمادگی و استعداد تربیتی امری مهم است.

گفتار پنجم: نقش نظارتی والدین

اشاره

یکی از نکات بسیار مهم مسئولیت تربیتی والدین، موضوع نقش آنان در نظارت و مراقبت بر رفتار فرزندان است.

در تربیت فرزندان، مسئولیت بسیار سنگینی به عهده والدین است و بالأخص در مورد پدر، این نقش بیش تر مورد تاکید است. در روایات و

ص: ۱۲۷

۱- ۱. حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۹.

۲- ۲. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، نامه ۳۱.

احادیث نیز این نکته بیان شده است رسول خدا(ص) در تبیین این موضوع می فرماید: «الرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ»؛^(۱) «مرد، سرپرست خانواده خود است و نسبت به زیردستان مسئول خواهد بود.»

والدین در قبال اعمال فرزندان خود مسئولیت دارند. پس باید نسبت به اعمال آنان نظارت و مراقبت نیز داشته باشند. از جهت تربیتی، اخلاقی، عبادی و حتی معاشرت با دوستان، این مسئولیت مهم است. تربیت فرزندان مانند پرورش نهالی است که باید از آن مراقبت کرد تا ثمر دهد و این مراقبت، آب دادن نیست بلکه گاهی هرس کردن و زدن شاخ و برگ های اضافی نیز هست.

تربیت مانند هر علم دیگری نیاز به مدیریت و برنامه ریزی صحیح دارد و در مدیریت، نظارت و کنترل نیز لازم است.^(۲)

اما وجه نظارتی والدین چند لایه و شاخه دارد:

۱. کنترل محیط

در دوران کودکی، امکان کنترل و منع برای والدین بیش تر است اما در دوران نوجوانی و جوانی این امکان میسر نیست؛ چون فرزند بزرگ شده است. لذا والدین وظیفه دارند بر محیطهایی که فرزندان آنان با آن ها ارتباط دارند نظارت داشته باشند و اگر فرزندان نیاز به اطلاعاتی دارند، آن را به آنان بدهند و اگر دچار غفلت هستند، آن ها را آگاه کنند تا دچار لغزش های اجتماعی نشوند.

ص: ۱۲۸

۱-۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲-۲. در مباحث گذشته توضیح لازم داده شده است.

۲. رفت و آمدها

فرزندان در آمد و شدها نیازمند مراقبت و کنترل هستند. نیاز به این که بدانیم کجا می روند؟ از کجا می آیند؟ و اگر حیثاً غیبتی از مدرسه انجام گرفت دلیل آن؟ یا این که چرا از مدرسه دیر به خانه می آیند را بدانیم. نظارت بر این رفت و آمدها باعث می شود کودک به بی حسابی در آمد و شدها عادت و به هرجایی رفت و آمد نکند.

۳. معاشرت

دوستان و معاشران کودک باید مورد شناسایی قرار گیرند. معاشرت گاه می تواند برای او عزت آفرین باشد و گاه با نکبت و ذلت همراه گردد. باید بررسی شود که با چه کسانی دوست و معاشر است. همدم و محرم او چه کسانی و از چه خانواده هایی هستند. در مدرسه با چه کسانی همبازی و مأنوس است. حتی اگر نیاز باشد، باید با خانواده های آنان رابطه معاشرت و رفاقت برقرار شود.

دلیل این نظارت ها هم آن است که ممکن است شما در خانواده خود مراقبت های ویژه ای در تربیت اخلاق فرزندان به کار ببرید ولی دیگران این مراقبت ها را اعمال نکنند و در نتیجه آموزش های آنان به فرزند شما سرایت کند.

حتی گاهی به خاطر دوست بد، لازم است والدین خانه و مدرسه فرزند خود را تغییر دهند و دوستان مناسب و صالح را در سر راه فرزندان خویش قرار دهند.

انجام تکالیف دینی را باید از همان دوران کودکی آغاز نمود؛ اگرچه در این دوره، انجام تکلیف، بیش تر به عنوان تفریح برای بچه هاست و نه امر واجب. اما باید والدین بر اعمال و تکالیف دینی فرزندان نظارت داشته باشند، چه بسا گاهی به آن امر نیز بنمایند. در مورد تعلیم نماز، در شرح غررالحکم چنین آمده است:

«عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ؛^(۱) به کودکان نماز بیاموزید و آن ها را به هنگام بلوغ بر ترک نماز مواخذه کنید.»

پس مراقبت و نظارت والدین بر اعمال فرزندان به نفع آنان است. از لحاظ تربیتی نیز در دوران کودکی، بیش تر نیاز به مراقبت است و در این دوره سنی مراقبت تأثیر بیش تری دارد. اهل بیت(ع) نیز در سیره تربیتی خود به نظارت بر رفت و آمد و رفتار فرزندان توجه داشتند. قرآن نیز به مؤمنان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛^(۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید.»

در سیره معصومین(ع) نیز به این مسئله اشاره های زیادی شده است. ابوهریره می گوید: «هنگامی که نخل ها به بار می نشست و میوه های آن می رسید، مردم برای پیامبر(ص) خرما می آوردند، به اندازه ای که گاهی کومه ای (زیاد) از خرما جمع می شد در این هنگام امام حسن و امام حسین(ع) با خرما بازی می کردند و گاه دانه ای از خرما را به دهان می گذاشتند. پیامبر(ص) وقتی این صحنه را مشاهده می کرد، دانه خرما را

ص: ۱۳۰

۱- ۱. مصطفوی، حسن؛ شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ج ۴، ص ۳۶۳.

۲- ۲. سوره تحریم، آیه ۶، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

از دهان آن‌ها بیرون می‌آورد و می‌فرمود: آیا نمی‌دانید که آل محمد صدقه نمی‌خورند» (۱).

پس مسئولیت سنگین تربیت بر عهده والدین است و آنان می‌توانند بهترین فرد برای این کار باشند.

مسئولیت تربیتی والدین، بعد دیگری نیز دارد. در بعضی موارد ناچارند مستقیماً به تربیت دینی فرزندان خود اقدام کنند. به عنوان مثال الزام فرزندان به نماز و روزه، مواظبت و نظارت بر انجام فرایض دینی، نظارت بر رفت و آمدهای آنان با دوستان، نظارت بر رفت و آمدهای آنان در بیرون خانه، رعایت آداب اسلامی در معاشرت‌ها و رفت و آمدها و مانند آن از اموری هستند که والدین، بهترین افراد - اگر نگوییم تنها افراد مناسب - برای انجام آن هستند. (۲)

آسان‌گیری در عبادت جوانان

یکی از نکات مهم دیگر، آسان‌گیری و سهولت در برنامه تربیت عبادی جوانان است و اگر این موضوع نباشد برنامه تربیتی موفق نخواهد بود. سیره ائمه (ع) هم ابتدا بر آسان‌گیری بود. آنان به فرزندانشان دستور می‌دادند نماز مغرب و عشا و نیز ظهر عصر را با هم بخوانند؛ با این که بزرگسالان این نمازها را در چهار وقت جداگانه می‌خواندند.

فضل بن یسار از علی بن الحسین (ع) روایت نموده که آن حضرت به کودکان دستور می‌داد نماز مغرب و عشاء را با هم بخوانند و می‌فرمود: «این بهتر از آن است که بخوانند و نماز عشا آنان قضا شود.» (۳)

ص: ۱۳۱

۱- ۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲- ۲. داوودی، محمد؛ سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع).

۳- ۳. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

امام صادق(ع) می فرماید: «اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَنَا شَابٌّ فَقَالَ لِي أَبِي: يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ مِنْهُ بِالْيُسْرِ(۱)؛ در سنین جوانی در عبادت سخت کوش بودم. پدرم به من فرمود: فرزندم کمتر از این که از تو می بینم عبادت کن، زیرا وقتی خداوند بنده ای را دوست بدارد به کم هم از او راضی می شود.»

پس ائمه معصومین(ع) از افراط و تفریط فرزندان خود در عبادت جلوگیری می کردند و روش معتدل را به آنان ارائه کردند. آن ها با آسان نشان دادن دین و سهل گیری در عبادت موجبات گرایش هرچه بیش تر آنان به عبادت را فراهم می آوردند.

نکته ها و پیشنهادات

۱. دستور به سفارش نوجوانان و جوانان به برپا داشتن نماز از طرف والدین و مربیان.

۲. سفارش به نماز همراه با مهر و محبت و با سخنان زیبا و دلسوازه و احترام و حفظ شخصیت نوجوان و جوان.

۳. سفارش و توجه دادن به نماز به صورت مستمر، با صبر و حوصله و در یک جو صمیمی و گرم دوستانه.

۴) اظهار انتظار و توقعات والدین از فرزندان درباره اهل نماز بودن در قالب دعا و آرزو.

۵. دعای والدین برای داشتن فرزندان اهل نماز.

۶. عمل نمودن والدین به نماز و مراقبت و مواظبت در امر نماز و خواندن نماز با روح و معنویت، بیش تر از نصیحت کردن و سفارش.

ص: ۱۳۲

۷. آگاهی دادن و آشنا نمودن فرزندان به فواید، ثمرات و نتایج خوب و ارزش مند نماز.

۸. بیان و تفسیر داستان های قرآن درباره پیامبران و امت های قبل با موضوع نماز و تأثیر آن بر شقاوت یا سعادت آنان.

۹. فراهم نمودن زمینه های مساعد در محیط خانواده برای تمام اعضای خانواده جهت برپایی نماز.

۱۰. گفتن داستان های معتبر و تأثیر گذار راجع به نماز برای فرزندان.

۱۱. آگاهی دادن به فرزندان در مورد عواقب ترک نماز و دوری از خدا.

۱۲. تشویق فرزندان به خاطر خواندن نماز.

مبحث دوم: نقش جامعه در گرایش جوانان به نماز

گفتار اول

الف. مسئولیت جامعه

جامعه نیز در امر راه نمایی و هدایت نسل جوان و زمینه سازی برای سوق دادن آنان به سمت مذهب و تکالیف دینی و تعلیم آن ها وظیفه دارد. اصل نظارت اجتماعی ایجاب می کند که محیط سالم و زمینه ساز برای رشد مذهب در میان جوانان، فراهم شود.

اسلام مسئله امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه عموم قرار داده است. در جوامع اسلامی مردم باید مرشد، هادی و راه نما و ولیّ یک دیگر باشند و با همکاری هم و امکان کنترل اجتماعی. فضای سالم برای جوانان و نوجوانان را فراهم آورند.

ص: ۱۳۳

در جامعه اسلامی مردم وظیفه دارند جلوی نابسامانی‌ها را بگیرند، راه نفوذ و گسترش عوامل فساد را سد کنند، محیطی سالم را برای جوانان فراهم آورند تا جوانان و نوجوانان با فضیلت، در جامعه پرورش یابند. سلامت اعتقادی و اخلاقی مردم و حاکمیت فرهنگ معنوی بر فضای عمومی جامعه می‌تواند در مذهبی کردن و نمازی نمودن (جوانان و نوجوانان) مؤثر باشد. (۱)

وقتی یک نوجوان و جوان صدای مؤذن را می‌شنود و جامعه نیز در مقابل حساسیت از خود نشان می‌دهد. او اشتیاق جامعه را در برابر این رستگاری می‌بیند و آمادگی خانواده خود را قبل از اذان، برای برپایی نماز مشاهده می‌کند مسلماً این موارد تأثیر فراوانی بر ذهن و ضمیر او خواهد گذاشت اگر این بستر اجتماعی آماده باشد، قطعاً گرایش جوانان و نوجوانان به نماز نیز بیش تر خواهد بود.

یکی از عوامل بسیار مهم در ایجاد محیط سالم در بین جوانان، فراهم نمودن هم‌دلی و وفاق و وجود نیکی در بین گروه‌های مختلف سنی جامعه است. مهر و نیکی در جامعه نقش اساسی در ایجاد و برقراری حس همکاری روحی و روانی دارد. بر همین مبنا اسلام دستور داده است: «حتی به افراد فاسق و گناه کار، خوبی و محبت نمایند». (۲)

احسان و نیکی در ایجاد روابط محکم، مؤثر است و به گفته عامیانه «الانسان عبید الاحسان»؛ انسان در برابر نیکی و احسان بنده، اسیر است.

بر همین اساس، امام علی (ع) می‌فرمایند: «احسان کن تا دیگران را به

ص: ۱۳۴

۱- ۱. کریم‌ما، زهرا؛ پایان نامه، روش‌های جذب کودکان به نماز، ص ۵۸۰.

۲- ۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۷.

در بین گروه های جامعه، جوانان و نوجوانان بیش تر از سایر گروه ها در عرصه اجتماعی نیاز به نیکی و نگاه پر مهر و محبت و لطف بزرگ ترها دارند. عدم توجه به این نیاز از طرف بزرگ ترها، عرصه شکفتن و بالندگی را بر جوانان تنگ می کند.

جوانان در مقام یک گروه نوپا در محیط اجتماع، حق توجه و پذیرش از طرف بزرگ ترها را دارند تا ریشه گل وجود شان پایدار و وجودشان سرزنده و بالنده شود؛ همان طور که بزرگ ترها در جایگاه خود به عنوان باغبان جامعه، هدایت آن ها را دارند تا آینده جوانان و جامعه به این وسیله تضمین شود. جوانان فرزندان جامعه اند و برای آینده اجتماع، امانت دارانی مطمئن به حساب می آیند.

بنابراین باید رفتاری شایسته با آنان داشته باشیم! چون جوانان دارای روحی حساس و دلی پاک هستند. رسول خدا(ص) فرموده است: «أَوْصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُّ أُمَّةً إِنْ اللَّهُ بَعَثَنِي بِشِيرًا وَ نَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ ثُمَّ قَرَأَ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَفَسَسَتْ قُلُوبُهُمْ»؛ (۲) «شما را به نیکی به نوجوانان و جوانان سفارش می کنم، زیرا آن ها دلی نرمتر (پذیراتر) دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند ولی پیران سرباز زدند» (۳).

ص: ۱۳۵

۱- ۱. آمدی تمیمی، محسن؛ غررالحکم، فصل ۲، ح ۸.

۲- ۲. مجموعه روایات جوان، به نقل از کتاب الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۹.

۳- ۳. سوره حدید، آیات ۵۷ - ۴.

ب. مدارا با جوانان

یکی از رفتارهای بسیار خوب و دارای آثار فراوان اخلاقی و تربیتی، مدارا کردن با مردم است. از جمله رفتارهای برگزیده پیامبر نیز مدارا با مردم بود. (۱)

در اسلام مدارا با مردم به طور عام سفارش شده و به طور خاص، مدارا با جوانان دستور داده شده است.

مدارا با جوانان، طبق سفارش ائمه و پیشوایان دینی، در گرایش آنان به امور دینی و معنوی اثر بسیار زیادی دارد. (۲)

امام صادق (ع) یکی از روش های نیکو به فرزند را مدارا با او معرفی می نماید. وقتی از امام پرسیده می شود: «راه یاری به فرزند چیست؟» امام در پاسخ می فرماید: «يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَلَا يَزْهِقُهُ، وَلَا يَخْرُقُ بِهِ» (۳) «آن چه در توان فرزند بوده است قبول کن و از آن چه بر او مشکل بوده است در گذر و او را به گناه وامدار و با او مدارا کن».

جمله ولا ینخرق به این معنی است که نباید با جوان با سختی و بدتدبیری و بی خردی برخورد کرد و باید با او مدارا و سازگاری نمود.

پس مدارا با جوانان، نقش به سزایی در تربیت معنوی آن ها دارد و در هدایت و ترغیب آنان به انجام تکالیف دینی و بالأخص گرایش آنان به نماز اثر زیادی دارد.

ص: ۱۳۶

۱- ۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷.

۲- ۲. مجموعه روایات جوان، ص ۱۰۵.

۳- ۳. ورام، ج ۱، ص ۵۷.

ج. احساس برادری با جوانان

جوان ها موهبت های الهی اند، امانتداران آینده و امانت های فعلی اند. از این جهت بر همگان لازم است با جوانان مدارا نمایند و آنان را از خود نرنجانند. باید نسبت به آنان هم چون فرزندان و برادران خود دل سوزی کرد تا روح صفا در زندگی و در جامعه حکم فرما شود. باید به آن ها نوید آسایش و بالندگی در آینده را داد و در این راه احساس برادری با جوانان و نوجوانان و کل افراد جامعه نقش اساسی دارد.^(۱)

در قرآن کریم آمده است «مؤمنان برادر یک دیگرند»^(۲). امام صادق(ع) نیز درباره برادری با جوانان و نوجوانان و میان سالان می فرماید:

«أوصيك أن تتخذوا صغیر المؤمنین ولداً، و أوسطهم أخاً... و صلّ أخاک...»؛ «سفارش می کنم خردسالان مسلمانان را فرزند، جوانان را برادر... خویش بدان بدانید. پس به فرزند خود رحم کن و با برادرت پیوند و هم دلی داشته باش.»^(۳)

این دستور دینی امام صادق(ع)، آثار فراوانی نیز در جامعه دارد که مهم ترین آن، ایجاد فضای دوستی همراه با صمیمیت، هم دلی، وفاق، احساس برادری و تفاهم اجتماعی نسبت به یک دیگر است.

در چنین فضایی راحت تر می توان جوانان را به سمتی هدایت نمود که موجب شکوفایی آنان گردد. قبلاً نیز به این که جوانان مسئولیت آینده جامعه را بر عهده دارند اشاره نمودیم. در صدر اسلام نیز بسیاری از پیروزی ها مدیون برادری و ایثار جوانان تحت لوای رسول خدا(ص) بود.

ص: ۱۳۷

-
- ۱-۱. سوره حجرات، آیه ۱۲، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
 - ۲-۲. سوره حجرات، آیه ۹، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
 - ۳-۳. فرید، مرتضی؛ الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۶.

جوانان فطرتاً پاک و مسئولیت پذیر و هدایت پذیرتر از پیران هستند. پس جامعه و عوامل اجتماعی در تربیت دینی و گرایش آنان به امور عبادی از طریق هم دلی و اتحاد، نقش به سزایی دارد.

گفتار دوم: نقش معاشرت

الف. نقش معاشرت و دوستان

اشاره

مسئله معاشران، یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیر گذار در تربیت است. در دنیای امروز نمی شود درب منزل را بست. اما باید دقت لازم را داشت که خانواده و فرزندان با چه کسانی ارتباط دارند؟

فرزندان علاوه بر والدین، (۱) در رفت و آمدهای دوستان والدین خود هم الگوپذیر می شوند و این رفت آمدها در الگو برداری آن ها بی تأثیر نیست. چه بسا فرزندان که نوع گرایش و تربیت آنان با نوع تربیت فرزندان خانواده ما در تضاد باشد. به این علت، باید در معاشرت ها جدیت و دقت بیش تری صورت گیرد. اگر دوستان خانوادگی مذهبی باشند، قطعاً اثر خوبی بر فرزندان خواهد گذاشت و اگر بالعکس باشد، از اثر بد آنان در امان نخواهیم بود.

نقش دوست در سرنوشت انسان

یکی از مسایل مهم در دوران جوانی برای یک جوان، مسئله دوستی و هم نشینی است و این که معاشرت او با چه کسانی است؟ همه جوانان در پی آن هستند که دوستی ایده آل برای خویش انتخاب نمایند که با او همراه باشند.

ص: ۱۳۸

خداوند در قرآن کریم و بزرگان و رهبران دینی ما - به عنوان کامل ترین کارشناسان تربیتی - دیدگاه های ارزنده ای پیرامون این مسئله دارند. در تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۸ سوره فرقان، یک نکته بسیار مهم و سرنوشت ساز نقل شده که ما نیز آن را در دوستی جوانان بسیار مفید می دانیم. بدون شک، عامل سازنده شخصیت انسان بعد از اراده و تصمیم او، امور مختلفی است که از اهم آن ها، هم نشین، دوست و معاشر است؛ چرا که انسان خواه ناخواه تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش می گیرد. این حقیقت هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات حسی به ثبت رسیده است.

به راستی گاه نقش دوست در خوشبختی و بدبختی یک انسان از هر عاملی مهم تر است؛ گاه او را تا سرحد فنا و نیستی پیش می برد و گاه او را به اوج افتخار می رساند. (۱).

براین اساس، اگر دوستان دوران جوانی گرایش به امور عبادی مانند نماز داشته باشند، فرد نیز گرایش به نماز پیدا می کند، چون دوست از دوست تأثیر می پذیرد.

ب. معاشرت با صالحان

یکی از مسایل قابل طرح و مفید دیگر برای جوانان، مسئله دوستی و معاشرت با صالحان است. ما قبلاً توضیح دادیم که تأثیر هم نشینی با نیکان در تربیت اخلاقی بسیار زیاد است.

دوستان نیک همیشه برای دوستان خود مفید هستند و در جامعه از جایگاه خاص و در درگاه الهی نیز از تقرب و مکان ویژه ای برخوردارند.

ص: ۱۳۹

امام علی(ع) در نامه به فرزندش امام حسن(ع) می فرماید: «از بهترین بهره های مرد، داشتن هم نشین خوب است؛ پس با نیکان بنشین تا از آنان به شمار آیی.»^(۱)

هم نشینی صالح، با کردار و رفتار خود بر فرد اثر بگذارد و در تفسیر نمونه نیز به جایگاه «صالحان و افراد شایسته و برجسته ای که با انجام کارهای مثبت و سازنده و مفید و پیروی از اوامر انبیاء به مقامات برجسته نایل شده اند» اشاره شده است.^(۲)

در همین مأخذ آمده است:

«موضوع معاشرت خوب و هم نشین های باارزش، به قدری اهمیت دارد که حتی در عالم آخرت برای تکمیل نعمت های بهشتی، این نعمت بزرگ به مطیعان ارزانی می گردد و علاوه بر همه افتخارات، هم نشینانی هم چون پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان خواهند داشت.»^(۳)

با این وصف در مورد دوستان صالح و جایگاه آنان جای ابهامی باقی نمی ماند.

لذا این عامل بسیار ارزش مندی است که در گرایش افراد به اوامر الهی و پیامبران و اهل بیت(ع) و در مسیر آنان قرار گرفتن، اثر مهم و ارزنده ای دارد.

ص: ۱۴۰

۱- ۱. حرّانی، ابومحمد؛ تحف العقول، ص ۱۳۱.

۲- ۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۱۰.

۳- ۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۱۱.

یکی از وظایف و مسئولیت های سرپرستان و حاکمان اسلامی در قبال اقامه نماز در جامعه، تأکید بر این امر است. امام علی (ع) خود وجوداً و شخصاً ترغیب و تأکید بر اقامه نماز در فرمان های حکومتی را فراموش نمی کردند و این، بیان گر مسئولیت و وظیفه و نیز ضرورت و توجه نظام حکومت دینی و حاکمان آن، به مسئله نماز است.

الف. وظایف حکومت جهت اقامه نماز

حکومت اسلامی موظف است زمینه و محیط سالم را در جامعه فراهم نماید تا جوانان متربی به تربیت دینی آنان پرورش یابند. هم چنین است نقش امامان جماعت در نظام اسلامی که انتخاب آنان با حکومت است.

امام علی (ع) در فرمان الهی و سیاسی خود به محمد بن ابی بکر در مورد نماز می فرماید: «... آن گاه بنگر که نمازت چگونه است؛ زیرا تو پیش نمازی و هیچ پیش نمازی نباشد که برای مردمی نماز بخواند و در نماز آنان عیب و تقصیری باشد مگر آن که گناه همه آن ها بر گردن او خواهد بود؛ ولی ثواب آنان چیزی کم نشود و پیش نماز، نماز را بدون نقص به پایان نبرد مگر آن که مانند مأمومین ثواب نصیبش گردد.»^(۱)

در این گفتار، امام (ع) نظام دینی و حاکمان آن را مسئول اقامه نماز در جامعه معرفی می نماید و به تبع آن نیز وظیفه ای را برعهده آنان قرار می دهد که عبارت است از: ترغیب جامعه به اقامه نماز. ایشان در پایان فرمان الهی و سیاسی شان به مالک اشتر نیز فرموده اند: «از جمله

ص: ۱۴۱

سفارش های پیامبر به من، سفارش به گزاردن نماز... بود.»(۱)

این سفارش پیامبر به امیرالمؤمنین، اشاره به جایگاه مسئولان حکومت دینی در قبال تشویق و ترغیب به اقامه نماز در جامعه دارد و این که نظام اسلامی و حاکمان آن موظفند علماً و عملاً راه ها و فرآیندهای مربوط به اقامه نماز را در جامعه، در هر عصری بیابند و در جهت توفیق روزافزون و ترغیب به اقامه نماز قدم بردارند.

براین اساس، مسئولیت سنگینی در این زمینه بر عهده حاکم اسلامی است تا در برخورد با مردم، علاوه بر این که مسئول امرار معاش و زندگی و اقتصاد آنان است متصدی یک رشته اوامر مهم دیگر نیز هست که از جمله آنان، توجه به تربیت و اصول دینی و عبادی آنان است.(۲)

امام علی(ع) در یکی از خطبه های دیگر می فرماید: «اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را در میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و تربیت تان کنم تا آداب فرا گیرید»(۳).

پس اگر حاکم شرع به این سفارشات پیشوایان و بزرگان دین عمل نمود، جایگاه او در جامعه مشخص می شود. و نقش به سزائی نیز در جامعه به جا می گذارد. در چنین جامعه ای ما شاهد جوانان تربیت یافته و تعلیم دیده دینی خواهیم بود.

ص: ۱۴۲

۱- ۱. ابو محمد حرّانی؛ تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۲۴۵.

۲- ۲. مجموعه روایات جوان؛ به نقل از شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

۳- ۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۸۸ و ۸۷.

از جمله عوامل بسیار مؤثر و سرنوشت ساز دیگر، نقش حاکمان جامعه و رهبران سیاسی است. این نقش، حتی در بعضی مواقع آن قدر تأثیرگذار است که از تربیت خانواده در جذب و هدایت جوانان و نوجوانان مؤثرتر است.

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛^(۱) «مردم در روش های اخلاقی و صفات اجتماعی، به حکومت های خود بیش تر شباهت دارند تا پدران خویش.»

پس نقش حاکمان در جامعه بسیار گسترده است و اگر آنان خوب و درست امور جامعه را در دست گرفتند و نقش هدایت گری در برنامه آنان بود، می توانند جامعه ای سالم با جوانان نماز گزار و با مسئولیت تحویل دهند. کسانی که «نقش مهمی در جامعه اعمال و پیاده می کنند و کارشان امر ونهی و دستور دادن است هدایت جنبه های مذهبی و عقیدتی اجتماعی را نیز به عهده دارند و در هر مقامی که باشند نقش شان مهم و سرنوشت ساز است. اگر آن ها صالح باشند، جامعه صالح خواهد شد. (چون) افراد عادی اجتماع نمی توانند در مورد نقش و رفتار آن ها و رابطه آن با عقیده، تفکیک قائل شوند.»^(۲) نگاه به سیره رفتاری حاکمان جامعه، باعث الگوگیری جوانان از آنان می شود. با تأمل در رفتار و پیروی از حاکمان است که جامعه به سمت صلاح یا فساد سوق پیدا می کند.^(۳)

ص: ۱۴۳

-
- ۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶؛ ابو محمد حرّانی؛ تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۳۵۴.
 - ۲- ۲. جهانگرد، یدالله؛ نحوه رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۹.
 - ۳- ۳. مجموعه روایات جوان، ص ۱۳۲

در سیره عملی رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع) و فرهیختگان دین، توجه ویژه ای به نوجوانان و جوانان شده است و برخورد صحیح با آنان به طور خاص سفارش شده است. در سیره این بزرگواران، فراهم سازی و ایجاد زمینه علاقه مندی به دین و گرایش به نماز و معنویات، از وظایف عالمان و فرهیختگان بوده و مورد سفارش و توجه بوده است.

رسول خدا(ص) در روایتی می فرماید:

«أَوْصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْيِدَةٍ إِنْ اللَّهُ بَعَثَنِي بِشِيرًا وَ نَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ ثُمَّ قَرَأَ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ»؛ «شما را به نیکی به نوجوانان و جوانان سفارش می کنم، زیرا آن ها دلی نرمتر (پذیراتر) دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند ولی پیران سرباز زدند.»(۱)

از بررسی این حدیث، نکات چندی قابل دریافت است:

- رقت قلب جوانان و نرمی قلوب آنان در پذیرش قول حق

- خیرخواهی نسبت به جوانان در رفتار با آنان

- گرایش جوانان به کارهای نیک

- تمایل زیاد جوانان به پذیرش آموزه های دینی

ص: ۱۴۴

- ضرورت اهتمام به تربیت دینی جوانان

- مسئولیت همه در مقابل جوانان(۱)

پس این روش برخورد با نوجوانان و جوانان آن هم از رسول خدا (ص) به عنوان سیره عملی - می تواند راه گشای بزرگان و عالمان باشد و وظیفه آن ها را به آن ها گوشزد نماید. بسیاری از انسان های ناآگاه تصور می کنند نوجوانان و جوانان، نادان و جاهلند و چیزی از خوبی ها و بدی ها نمی دانند و تصور آنان بر این است که آن ها کم تجربه و ناپخته اند و به قول معروف هنوز دهانشان بوی شیر می دهد. بین افراد برای جوانان ارزش قائل نمی شوند و به آن ها بها نمی دهند که این عمل آنان، عکس کردار رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) است و نتیجه معکوس نیز خواهد شد.

الف. نقش عالمان در هدایت نوجوانان و جوانان

وقتی فرزندان در دوران کودکی به درستی تربیت و هدایت شده باشند، در نوجوانی و جوانی نیز می توانند با راه نمایی عالمان و فرهیختگان به سوی کامیابی هدایت شوند. امام صادق(ع) می فرماید: «در روز قیامت وقتی عابد و عالم به درگاه خداوند شرف یاب می شوند، آن هنگام عابد را به سمت بهشت راه نمایی می نمایند، اما به عالم گفته می شود شما بایست؛ به حسب نقشی که در هدایت آنان داشته ای آن ها را شفاعت نما.»(۲)

پس عالمان از جایگاه خاصی در هدایت جامعه برخوردارند. اگر عالمان صالح باشند جامعه سالم به بار می آید و اگر صالح نباشند، جامعه فاسد می شود. عالمان در جامعه از اعتبار بسیار بالایی برخوردارند.

ص: ۱۴۵

۱- ۱. شهاب قریش، ص ۱، به نقل از مجموعه روایات جوان، ص ۱۰۱-۱۰۰.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۷۴.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز مدیون نقش بسیار مدبرانه عالمان دینی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بود. با رهنمودهای ایشان و هدایت جوانان بود که انقلاب پیروز شد و مردم با از خود گذشتگی، جان خود را فدای اسلام عزیز می نمودند.

در صدر اسلام نیز چنین بود و رسول خدا وقتی مردم را به اسلام دعوت نمود، بیش تر جوانان بودند که به خواست و دعوت او لبیک گفتند و او را یاری رساندند.

وقتی عالمان به عنوان جانشین رسول خدا و ائمه (ع) در جامعه شناخته می شوند، باید به سیره آنان نیز عمل نمایند. رسول اکرم (ص): «إِذَا ظَهَرَتْ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»؛ «یعنی وقتی بدعت ها بر امت من پیدا شد، باید عالم علم خود را ظاهر کند و حق را بگوید و کسی که چنین نکرد بر او لعنت خدا باد. (۱)»

پس جایگاه و مسئولیت عالم دینی و تکلیف او در جامعه، بسیار بالاست براین اساس باید یک سری مشخصات را نیز داشته باشد؛ مثل

۱. حسن خلق

۲. عفت نفس و علو همت

۳. تأدب به موازین اخلاقی و قیام به وظایف دینی

۴. شهامت در اظهار حق.

عالمانی که به این صفات آراسته باشند، عالمان واقعی و هدایت گر جامعه اند.

ص: ۱۴۶

ب. اهمیت و نقش عالمان دینی

نقش روحانیت به دلایل عدیده از نقش دیگر گروه‌ها از اولیاء و مربیان بیش تر است و تأثیر و نفوذشان در جوانان و نوجوانان بیش تر از نفوذ والدین می باشد. عموماً فرزندان، والدین را قدیمی می دانند و خود را به خاطر تحصیلات جدید، از والدین فهمیده تر می دانند و در نتیجه یک نوع گریز و دوری از والدین در آنان به چشم می خورد.

از جهت دیگر، والدین امروز گرفتار نابسامانی های زیادی هستند و فرصت و توان کافی و لازم برای رسیدگی به فرزندان خود را ندارند و مسئولیت تربیت را به عهده مدارس قرار می دهند.

در کنار مدارس، گزینه دیگری به نام عالمان دینی هستند که عموماً افرادی آگاه و موقع شناس اند و به پاکی و تقوا شناخته شده و به امور جامعه آگاه اند آن‌ها بی خبر از رخدهای روزگار نیستند و آلودگی و فساد اخلاقی نیز در آن‌ها نیست؛ بی‌آلایشی در وجود آنان بیش تر است و از موضوعاتی سخن به میان می آورند که با فطرت پاک نوجوان و جوانان سازگاری بیش تری دارد. پس می توانند هادی و راه‌نمای خوبی برای جوانان باشند.

ج. دامنه مسئولیت روحانیت

در توضیحاتی که ارائه شد، در مورد نقش به‌سزایی که روحانیت در جامعه دارند، سخن رفت دینی هستند، لذا وظائف و مسئولیت سنگینی برعهده دارند.

عالمان دین وظیفه دارند راه‌نمای جوانان در سازگاری آن‌ها با محیط، خوشبین کردن آن‌ها به زندگی حال و آینده و جهت دادن آن‌ها به سوی

والدین باشند. آن‌ها باید محرم راز جوانان باشند و مشکلاتشان را شناسایی نموده و به حل آن اقدام نمایند.

این مسئولیت، هنگامی سنگینی تری می‌شود که در عصر ما مسایل زیاد و فساد دامنه داری از راه تبلیغات غلبه یافته است.

بنابراین عالمان و مبلغان دین وظیفه دارند در دنیایی ناسازگار، با اطمینان به خدا و با برنامه‌ای خاص در راه تربیت جوان و ابلاغ کلمه حق به این نسل بکوشند.

د. اقتدا به صالحان

مراد از این بحث، پیروی کردن از عالمان و اقتدا نمودن به آنان و حتی الگوگیری از آنان در تعلیم و تربیت اسلامی است. نقش الگو در تربیت در تمام مکاتب تربیتی پذیرفته

شده است و گذشته از آن در امر خودسازی، عرصه‌ای وسیع را در سطح تعلیم و تربیت از آن خود کرده است.

امام خمینی (ره) به اهمیت و نقش اسوه توجه خاص داشتند. ایشان در بیانات خود مکرر سیره پیامبر الهی و امامان برگزیده شیعه را بهترین و شایسته‌ترین الگوهای زندگی فردی و اجتماعی معرفی می‌کردند و بر لزوم پیروی از آنان پافشاری داشتند.

از جمله، ایشان می‌فرمایند: «سیره انبیاء عظام و ائمه اطهار که سرآمد عارفان بالله و رستگاران از هر قید و بند... کوشش‌ها کرده‌اند به ما درس‌ها می‌دهند و اگر چشم‌بینا و گوش‌شنوا داشته باشیم، راه‌گشایمان خواهد بود».^(۱)

ایشان در میان الگوهای شخصیتی، گذشته از پیامبران عظیم‌الشان و

ص: ۱۴۸

۱- ۱. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۹۲.

ائمه معصومین (علیهم السلام)، در کلمات و نوشته های خویش از بسیاری بزرگان نیز به عنوان الگو و اسوه نیک یاد می کردند و همیشه همه را دعوت می کردند تا با چشمی بینا و گوشه شنوا، قول، فعل و کردار عملی بزرگان و اولیا را الگوی خود قرار دهند. از مجموعه بیانات امام و نظریات او درباره اسوه و الگو می توان چنین نتیجه گرفت که جوانان در اسوه سازی و در برخورد با کسی که اسوه ای در نزد اوست، باید با بصیرت و انتخاب گری عمل نمایند و از غلبه احساس پرهیزند.

گفتار دوم: نقش مدارس

اشاره

مدرسه، مهم ترین کانون تربیتی بعد از خانواده است. مدرسه به منزله پلی است که نوجوان را با جامعه مربوط می کند و می تواند از نوجوان، فردی مؤثر، فعال و مفید به حال جامعه تربیت کند.

ما مرهون مدرسه و نظام تعلیم و تربیت موفق هستیم که توانسته است در امر پرورش نیروی انسانی، به موقع و صحیح اقدام نماید. (۱)

نقش تربیتی مدرسه را می توان به عواملی متعدد در درون مدرسه مرتبط دانست که القای ارزش های معنوی و رساندن پیام و بیان امور عبادی از جمله نماز، می تواند از زمره آن ها باشد. (۲)

الف. برگزاری نماز جماعت در مدارس

با توجه به برگزاری این فریضه الهی به جماعت در مدارس، به جاست والدین به فرزندان خود سفارش و توصیه نمایند که در این برنامه مدرسه

ص: ۱۴۹

۱-۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۴۳.

۲-۲. فرهادیان، رضا؛ اجلاس سراسری نماز، سال ۱۳۷۷، ص ۱۷۵.

حتماً شرکت نمایند و شرکت در نماز جماعت مدارس، هم به لحاظ ادای تکلیف الهی و هم به جهت فواید بزرگ برگزاری آن و نتایج تربیتی در دانش آموزان دارای اهمیت فراوانی است.

وقتی زمینه ای برای نوجوانان و جوانان فراهم می شود تا در یک فضای معنوی در کنار هم سن و سالان و هم کلاسی های خود، مشغول خواندن نماز شوند، با آنان احساس دوستی بیش تری نیز خواهند کرد.

در این مراسم، زمینه پیدا کردن دوستان خوب هم فراهم است و دوستی ها نیز تحکیم می گردد.

برخی برنامه های دیگر در مدارس مثل مسابقات و برنامه های گروهی دیگر نیز در موقع نماز برگزار می شود که طرح آن در هنگام برگزاری نماز جماعت، باعث آشنائی دانش آموزان با آن ها می شود.

ب. نقش معلم

معلم در مدرسه از مهم ترین عوامل تربیتی به حساب می آید و به عنوان یک الگوی موثر و راه نمای مورد قبول در تربیت، نقش به سزایی برعهده دارد.

چون معلم در مقاطع و دوران های مختلف تحصیلی و با دوره های سنی دانش آموزان و شرایط عدیده تغییر می کند، زمینه تأثیر در تربیت نوجوانان و جوانان نیز فراهم می شود و این به دلیل نزدیکی شخصیت معلم و دانش آموز، اهمیت ویژه ای دارد.

مسلم است که اخلاق مناسب، محبت معلم، مدبر بودن و منش او، اهل علم و عمل بودن او، منطقی بودن رفتارهای او، میزان دانش و معلومات او و تسلط او بر مطالب علمی، درک شرایط و روحیات

دانش آموز و عفو بخشش و... مهم ترین صفات و ویژگی هایی هستند که در این تربیت مفید واقع می شود و معلم با داشتن این صفات، اثر بیش تری در تربیت دانش آموز خواهد داشت.

هم چنین رفتار معلم در رعایت مناسک دینی و عمل او به اعمال و فرایض، با توجه به نقش الگویی او اهمیت زیادی در گرایش دانش آموزان به امور عبادی مثل نماز دارد.

ج. نقش مربیان تربیتی در مدارس

مربیان تربیتی مدارس که بعد از انقلاب در مدارس جمهوری اسلامی جایگاهی مهم را به خود اختصاص دادند، نقش بسیار مهمی در تربیت برعهده دارند. بیش تر خانواده ها در گرفتاری های روزمره به قدری مشغول اند که اساساً در فکر مسایل روحی و اخلاقی و مذهبی فرزندان خویش نیستند. والدین نیز اصلاً از جریانات تربیتی اطلاع ندارند و بیش تر مسئولیت ها برعهده مربیان واگذار شده است.

براین اساس، این امر مهم متوجه مربیان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت مدارس است و نیز ستادهای تربیتی که عمدتاً به مسایل اخلاقی و تربیتی دانش آموزان توجه دارند.^(۱)

پس مشخص می شود که مربیان در تربیت نوجوانان و جوانان نقش به سزایی برعهده دارند و نباید فرصت را از دست بدهند؛ چون گاهی نقش مربی در تربیت دانش آموزان آن قدر است که کسی دیگر نمی تواند جایگزین او باشد.

در فرصتهایی نیز که برای مربیان و ستادهای تربیتی فراهم می شود،

ص: ۱۵۱

باید به طرح مسایل ضروری این دوره پرداخت و دانش آموزان نوجوان را با اهم وظایف وظایفشان آشنا نمود. (۱)

رسالت و مسئولیت خطیر مربیان در مدارس عبارت است از برنامه ریزی دقیق و فراهم نمودن زمینه مناسب در آشنا نمودن دانش آموزان با مسایل دینی، نماز، قرآن و برنامه های فرهنگی و جذاب هنری، از قبیل سرود، نمایش، مسابقات هنری، برپایی نماز جماعت، اردوهای درون شهری و برون شهری و بهره مندی از امکانات تربیتی.

این مجموعه فعالیت در مدارس بستگی به ارتباطی دارد که مربیان با دانش آموزان برقرار می کنند.

عمل آن ها نیز به عنوان جزیی از جریان تربیت و الگوی تربیتی، در نوجوانان و جوانان تأثیر زیادی دارد و باید با فعالیت و انجام فرایض و سایر امور عبادی، زمینه مناسب را برای تأثیر گذاری بر دانش آموزان فراهم آورند.

گفتار سوم: رسانه های گروهی

اشاره

امروزه یکی از مسایل بسیار مهم در جوامع، جریان رسانه ای است که اثر جهانی نیز دارد. رسانه به چند گروه تقسیم می شود که عبارت اند از: تلویزیون و رادیو، ماهواره، کتاب، مجلات و روزنامه، سینما، اینترنت. هر کدام از این رسانه ها، به نحوی در جامعه تأثیر دارند، اما از میان آن ها، تلویزیون یک قدرت بی رقیب است.

علاوه بر نقش تعیین کننده تلویزیون به عنوان دانشگاه سراسری و ارایه دهنده الگوهای متنوع فرهنگی و ایجاد کننده نگرش های تازه و انگیزه ها

ص: ۱۵۲

و تمایلات جدید که مسلماً تأثیر به سزایی در تکوین شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان دارد ... و مابقی رسانه ها هر کدام اثر خاصی بر روند تکوین شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان بجا می گذارند. (۱)

پس نقش رسانه های تصویری در تربیت بیش تر است و به همین دلیل ما به وظایف صدا و سیما در این زمینه اشاره می کنیم.

عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز در رسانه ملی

بعد از خانواده، مدرسه و جامعه به عنوان عوامل تأثیر گذار در تربیت ذکر شده اند. اما نباید تصور شود که رسانه ملی نقش کمتری از آن ها در امر تربیت دارند. حتی شاید بتوان گفت نقش آن بیش تر و پررنگ تر است!

پس عوامل مؤثر در گرایش جوان به نماز در رسانه ملی عبارت است از:

۱. صدا و سیما به عنوان بازوی قدرتمند و به عنوان رسانه ای پر طرفدار می تواند نقش بسیار سازنده ای در گرایش و آشنایی نوجوانان و جوانان با فضایل نماز داشته باشد. مسلماً ساختن برنامه هایی که مفاهیم نماز و تأثیرات آن بر زندگی انسان را نشان می دهد، در این زمینه بسیار مفید و مثمر ثمر خواهد بود.

۲. تهیه و پخش برنامه تلویزیونی از زندگانی پیامبران، ائمه اطهار و علمای بزرگ اسلام برای بینندگان جوان، به ایجاد زمینه های پذیرش مسایل مذهبی و مفاهیم دینی برای نوجوانان و جوانان منجر می شود و صدا و سیما باید به آن توجه داشته باشد.

۳. اهمیت دادن به مسایل مذهبی مثل قرائت قرآن در سریال ها و

ص: ۱۵۳

فیلم های تلویزیونی مسئله مهم دیگر است.

۴. پخش اذان با صدای گیرا و جذاب در صدا و سیما، ساختن سرودهای زیبا برای نماز و اذان و پخش آن ها لحظاتی قبل از اذان، در جذب نوجوانان و جوانان به دین مؤثر است.

۵. برگزاری مسابقه ها و فراهم نمودن سرگرمی با موضوعات مذهبی مثل نماز با جوایز ارزنده و پخش آن ها هر هفته از صدا و سیما می تواند فعالیت دیگری در این زمینه باشد.

۶. قطع برنامه های صدا و سیما موقع پخش اذان، فعالیت دیگری است که ممکن است در یاد آوری وقت نماز و گرایش به آن مهم باشد. حداقل باید سعی شود برنامه های جذاب در این موقع پخش نشود.

برخی صاحب نظران معتقدند امروزه، پس از گسترش این ابزار، تلویزیون به صورت عضو بی بدیل جامعه و حتی خانواده ها در آمده است. به طور طبیعی، چون این وسیله همانند دیگر ابزارها و تکنیک ها از فرهنگ ماده گرا و نظام انسان مدار غرب بر آمده است، روح باطن و ماهیت آن را از نظام فرهنگی اش نمی توان جدا دانست، حتی اگر پیام ارسالی آن، پیام ارزشی باشد.

اندیشمندان، جامعه شناسان و کارشناسان علوم ارتباطات درباره کارکرد این وسیله دیدگاههای متفاوتی دارند. لذا تعریف واحد برای آن وجود ندارد. (۱)

اما با وجود همه این تفاوت ها در تعریف، نمی توان نقش مهم و مؤثر رسانه ها را در شکل دادن ابعاد تربیتی جامعه، به خصوص مسایل و امور مذهبی نادیده گرفت؛ زیرا اثر آن بسیار زیاد و فراگیر است.

ص: ۱۵۴

الف. بررسی لغوی واژه مسجد

مسجد در لغت به پیشانی شخص که اثر سجده بر آن بماند گفته می شود. مسجد یعنی سجده گاه و این نامی است برای محل عبادت، خواه در آن محل سجده شود یا نشود. (۱)

در تفسیر المیزان در توضیح کلمه مسجد آمده است: «مسجد، اسم مکانی است که سجده در آن انجام می شود و اگر اعضای سجده (پیشانی و دو کف دست و دو سرزانو و نوک شست پاها) را مسجد می نامند، برای این است که اینها نیز به نوعی با سجده ارتباط دارند» (۲)

صاحب جواهر نیز می نویسد:

«مسجد جایی است که برای اقامه نماز برای همه مسلمانان وقف شده است. پس اگر برای برخی از مسلمانان اختصاص داشته باشد، مسجد نخواهد بود» (۳)

ب. جایگاه مسجد در میان مسلمانان

مسجد، مهم ترین پایگاه عبادی مسلمانان است و علاوه بر این که محلی برای عبادت است از جایگاه بسیار مهم و مقدسی نیز برخوردار است. پس از گذشت چهارده قرن از عمر اسلام، باز مسجد هم چنان یک سنگر بسیار حساس و مهم به شمار می آید.

ص: ۱۵۵

-
- ۱- ۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، واژه مسجد.
 - ۲- ۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۶۷، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر.
 - ۳- ۳. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۶۹.

«مسجد عهده دار نقش های مهمی در عرصه های عبادی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی و نظامی است».^(۱)

بعد از انقلاب اسلامی، مسجد برای جوانان به یک کانون فرهنگی تبدیل شد و حتی در زمان جنگ عراق علیه ایران و دفاع مقدس، جوانان از راه جذب شدن به پایگاه های بسیج که زیر نظر مسجد مشغول به فعالیت فرهنگی و تربیتی و پشتیبانی جنگ بود به جبهه اعزام می شدند.

علاوه بر این، امروز مسجد یک جبهه فرهنگی است و توجه مسلمانان را بیش تر از قبل به خود جلب کرده و در دل دشمنان اسلام خوف انداخته است.

امروز، مساجد از حالت رکودی که در آن چند نفر سالمند نماز برپا می کردند درآمده و به کانون های فعالیت تبدیل شده است.

در حال حاضر، مساجد یک دوره فعال را طی می نمایند و نیاز به برنامه ریزی دقیق دارند. وقتی ما می خواهیم جوانان، اهل مسجد و نماز خوان باشند، نیاز است از دوران کودکی در این زمینه برای آن ها سرمایه گذاری شود و در دوران نوجوانی و جوانی، نتیجه آن گرفته شود.

گرچه خانواده ها از جایگاه مهم و بسیار مؤثری در تربیت و ترغیب جوانان به نماز برخوردارند اما عوامل دیگری نیز هستند که در جایگاه خود بی تأثیر نیستند.

یکی از عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز، مسجد است. علاوه بر محیط جغرافیایی و فیزیکی مسجد و فضای آن، نظافت و تمیزی مسجد، عوامل انسانی و کارگزاران مسجد مانند امام جماعت و... نیز در گرایش جوانان به نماز نقش دارند.

ص: ۱۵۶

ج. نقش امام جماعت در مساجد

امام جماعت در زمینه های مختلف عبادی، فرهنگی، سیاسی به عنوان یک راه نما و هدایت گر نسل نوجوان و جوان و نیز به عنوان یکی از عوامل مهم اقبال به مسجد، نقش حساسی دارد.

او می تواند یک نقش اساسی و کارآمد داشته باشد؛ چون بدون وجود او، مأمومین به فیض نماز جماعت نایل نمی شوند. بنابراین او می تواند با ارشادات و راه نمایی های خود نقش مؤثری داشته باشد.

از نظر دینی و فرهنگی نیز تنها عالم دین شناس و متعهد خواهد توانست مسجد را به کانون گرم مباحث علمی و دینی تبدیل کند. مسجد در بعد اجتماعی و سیاسی نیازمند امام جماعت دانشمندی است تا در سایه آگاهی از مبانی دینی و برخورداری از هوش و اندیشه سیاسی، روشنگر افکار دیگران باشد و خطرها و آفت هایی که بالقوه یا بالفعل مسلمانان را تهدید می کند بازگو نماید.

روحانیت به عنوان پرچمدار اسلام و مبلغ و ترویج کننده احکام آن، همواره نقش به سزایی در گرایش و جذب همه اقشار جامعه و مخصوصاً نوجوانان و جوانان به نماز و دین داشته و این نقش در ابعاد دیگر نیز بسیار مؤثر بوده است. تأثیر روحانیت هم از بعد علمی و هم از بعد عملی به عنوان یک الگوی شایسته مطرح است. از جهت تأثیر با وعظ و نصیحت و گفت و گو و بیان احکام نیز این نقش برای روحانی مسجد مهم به شمار می آید.

یکی از روش های بسیار مطلوب که در جلب توجه نوجوانان و ایجاد نگرش مثبت نسبت به مساجد بسیار مؤثر است دعوت دانش آموزان مدارس مختلف به همراه معلمان آن ها در مناسبت های خاص جهت

صرف نهار و اقامه نماز توسط امام جماعت مسجد می باشد. (۱)

امام صادق (ع) وقتی مبلغان دین و شاگردان خویش را به تبلیغ می فرستاد می فرمود: «نوجوانان را دریابید! که آنان به هر خیر و صلاحی پیشتانند». (۲)

دلیل این توجه و سفارش هم، تمایل جوانان به کارهای نیک است که ضرورت توجه بیش تر در برنامه های فرهنگی و تربیتی نوجوانان و جوانان را دو چندان می کند. پس اگر امامان مساجد و روحانیون هنگام تبلیغ به نوجوانان و جوانان توجه خاص بنمایند، می توانند در آن ها گرایش به نماز ایجاد کنند. (۳)

د. مسئولیت خطیر امام جماعت

امام جماعت از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در منابع دینی از او در بعضی موارد به عنوان هدایتگر جامعه نام برده شده است. می فرمایند: «الْصَّلَاةُ جَمَاعَةٌ وَلَوْ عَلَى رَأْسِ زَجٍّ؛ نماز جماعت برگزار می شود هر چند بر نوک نیزه باشد. (۴)» پس از ابتدا در میان مسلمانان، مسئله جماعت و امام آن مطرح بوده است.

پیش نمازی و امامت جماعت در فریضه نماز، نقش رهبریت و هدایت را برای فرد به همراه دارد؛ البته به صورت بالقوه می شود که گاهی این رهبریت عنوان حق به خود گیرد و گاهی عنوان باطل. در آیه قرآن آمده

ص: ۱۵۸

-
- ۱-۱. افروز، غلامعلی؛ روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۳۹.
 - ۲-۲. مجموعه روایت جوان، به نقل از کتاب الحدیث، ج ۱، ص ۳۶۹.
 - ۳-۳. مجموعه روایت جوان، به نقل از کتاب الحدیث، ج ۱، ص ۱۰۰.
 - ۴-۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۵.

است: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ؛ روزی که هر مردمی را با امام و پیشوایشان می خوانیم.»^(۱)

در تفسیر آیه فوق چنین برداشت می شود که در روز قیامت، هر امتی با پیامبرانشان خوانده می شوند و نامه اعمالشان به آن ها داده می شود.

در روایتی از امام علی (ع) نیز نقل شده است «امامان دو گونه اند: امام و رهبر هدایت و ارشاد و امام و پیشوای ضلالت و گمراهی»^(۲).

رسالت امام جماعت بسیار مهم است؛ چون هدایت بخش مهمی از جامعه برعهده اوست. او در واقع جانشین پیامبر شده و مردم به او اقتدا می نمایند؛ پس اگر درست و به جا عمل نماید، جامعه از عذاب الهی در امان خواهد بود و مشمول الطاف الهی قرار خواهد گرفت و اگر از عهده مسئولیت بر نیامد، آن جامعه به سمت تباهی و گمراهی خواهد رفت^(۳).

روشن است که مسولیت گمراهی یا سعادت جامعه نیز بر عهده امام جماعت و سایر امامان جماعت خواهد بود که نقش رهبری جامعه را بر عهده داشته اند.

۵. رسالت ویژه امام جماعت

یکی از عوامل اصلی برای هدایت جامعه، امامت در نماز است؛ چون انسان در همه ابعاد زندگی، تحت هدایت و رهبری است.

هر انسانی اگر تحت مدیریت و رهبری انسان کامل و پیشوای عادل قرار نگیرد، به طور قطع تحت رهبری پیشوای جور و ستم قرار خواهد گرفت و اگر به دنبال پیامبران و پیشوایان بر حق نباشد، حتماً پیرو شیطان

ص: ۱۵۹

۱-۱. سوره اسراء، آیه ۷۱، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲-۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۳۰.

۳-۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۶.

خواهد بود. چنان که قبلاً اشاره شد، پیش‌نمازی و امامت در نماز، نوعی رهبری و پیشوایی است و هر پیش‌نماز و امام جماعتی در حد خود باید واجد کمالات، خصال و روحیات و عمل‌کردهای پسندیده باشد. راز این مطلب نیز آن است که اسلام، خواهان پیاده شدن مجموعه ارزش‌های انسانی در ابعاد مختلف زندگانی انسان است.

پس امام جماعت باید خود یک انسان اسوه و نمونه و برای مأمومین و پیروانش سرمشق علمی و عملی باشد؛ هر چند محیط رهبری او مانند مسجد، کوچک باشد.

رسول خدا(ص) در حیات خود همواره در همه نمازها، امام و پیش‌نماز بوده و کارهای چشم‌گیر و جالب توجهی نیز انجام می‌داد.

ایشان خود بنیان‌گذار مسجد و نماز بود و در مدیریت مسجد و تشکیل نماز جماعت نیز نقشی اساسی داشت. در مجموع، یک امام جماعت باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱. مدیریت مسجد: امام جماعت باید کنترل نمازهای جماعت، رعایت نظم و ترتیب ظاهری و انضباط معنوی را بر عهده داشته باشد. او زمانی موفق است که تمام برنامه‌های مسجد را کنترل کند.

۲. خودسازی: ویژگی بارز یک امام جماعت، خودسازی و پرداختن به تعلیم و تربیت خویش است، چون او هدایتگر است. کسی که خود را گم کرده نمی‌تواند راهبر دیگران

باشد. امام علی(ع) می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، بیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد باید خود را بسازد و بیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد»^(۱).

۳. علم و آگاهی: پیش‌نماز باید دارای آگاهی، درایت و دانش لازم روز

ص: ۱۶۰

باشد؛ چون از موارد خودسازی یک امام جماعت، عالم بودن اوست که بدون آن، خود گمراه است و نمی تواند هدایت گر باشد. امام علی(ع) در مورد عالم می فرماید:

«درباره چیزی که علم و شناخت نداری صحبت نکنید».(۱)

و. مسجد، کانون تربیت و آموزش نوجوانان و جوانان

همراه بردن کودکان به مسجد، موجب علاقه مند شدن آنان به نماز و سایر فعالیت های عبادی می شود. مسجد، کانون تربیت است و حضور در آن خود مقدمه ای برای تأثیر پذیری از آن است.

سنت پیامبر(ص) و ائمه و پیشوایان معصوم(ع) نیز چنین بوده است.

براین اساس باید از حضور بچه ها در مسجد استقبال کنیم و با برخورد مناسب، آن ها را به دوام این آمدن مشتاق سازیم.

جابر از امام باقر(ع) در مورد کودکان، هنگامی که برای نماز واجب در صف نماز جماعت شرکت می کنند، سوال کرد. امام(ع) فرمود: «آنان را از صفوف نماز جماعت خارج نکنید بلکه آن ها را در میان بزرگسالان پراکنده سازید».(۲) گفت و گو و برخورد محبت آمیز با کودکان و نوجوانان در مسجد از سوی ائمه(ع) و پیامبر(ص) نشانگر آن است که ایشان توجه خاص به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد داشته اند.

امروز نیز در صورتی که اداره کننده مسجد و روحانی و امام جماعت، برنامه های مناسب و سازنده ای داشته باشند، می توانند نقش مفیدی در جذب و هدایت کودکان و نوجوانان داشته باشند.

ص: ۱۶۱

۱-۱. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، ص ۱۴۸، خطبه ۸۷.

۲-۲. کلینی، کافی، ج ۳، و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۰.

ز. جذابیت فضای فیزیکی مساجد

برخی عوامل جذب در مسجد چنین است:

۱. وضعیت ظاهری مسجد یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد است. هرچه مسجد از نظر ظاهری تمیز، مرتب، ساده و با صفا باشد و در آن رعایت معماری سنتی و نقش و نگارهای زیبا و مذهبی بیش تر باشد، جذب به آن نیز بیش تر خواهد بود.

۲. موقعیت جغرافیایی مسجد عامل مهم دیگر در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد است. اگر مسجد نزدیک محل سکونت باشد، فرد راحت به آن دسترسی پیدا می کند و اگر دور دست باشد یا در محل مناسبی واقع نشده باشد، در جذب جوانان محل اختلال ایجاد خواهد شد.

برای بنیان گذاران مسجد، باید همیشه این نکته مورد توجه باشد که در ساختن مسجد، محل مناسبی را در اختیار گیرند تا رفت و آمد به آن برای همگان میسر و سهل باشد.

۳. فعالیت های جنبی مسجد نیز می تواند در گرایش نوجوانان و جوانان به آن مؤثر باشد. فعالیت هایی مثل داشتن کتاب خانه، کانون فرهنگی، پایگاه مقاومت و حتی هیأت امناء و...

ح. پاکیزگی و مساجد

مسجد به عنوان یک سنگر دفاع از حریم دین مقدس اسلام، خود باید نمونه ای از به کارگیری عملی آموزش های اسلامی باشد. پاکیزگی فضای این سنگر و سنگربانان آن یک ضرورت است. در طول تاریخ اسلام، مسجد تجلی گاه هنر معماری و شاه کارهای ماندنی هنرمندان اسلامی

ص: ۱۶۲

بوده و نظافت این فضای هنری بر رونق آن می افزوده است.

سنگر خداپرستان (نمازگزاران) باید پاکیزه باشد تا نمازگزاران به پاکیزگی جسم و روح نیز متوجه شوند. مسجد باید برای نوجوانان و جوانان جذابیت آفرین باشد و آنان را به سوی هدایت بکشاند؛ چون ذات نوجوان و جوان، پاکیزگی را دوست دارد.

اسلام نیز راجع به پاکیزگی و نظافت مساجد سفارش زیادی نموده است. رسول خدا(ص) می فرماید: هر کس مسجدی را خاکروبی کند، خداوند پاداش آزاد کردن بنده ای را برایش می نویسد و اگر از این مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می رود غبار برگیرد، خداوند دو برابر آن، رحمت خویش را به او عطا می فرماید.

هنگام رفتن به مسجد باید تمیز بود و زینت های خود را همراه داشت. در قرآن کریم سفارش شده است: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید».^(۱)

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می فرماید: «مراد از همراه داشتن زینت در تمام مساجد، این است که انسان به هنگام حضور در مسجد، زینت های نیکو و پسندیده را به همراه داشته باشد و البته این کار برای نماز... جنبه یاد خدا دارد... پس فرمان خداوند به «زینت کردن» در هنگام ورود به مساجد، در حقیقت به معنای مطلوب بودن زینت برای نماز و دیگر عبادات مشابه است و شامل زینت کردن در اعیاد و جماعات و نمازهای یومیه و سایر عبادات نیز می شود».^(۲)

ص: ۱۶۳

۱- ۱. سوره اعراف، آیه ۳۱، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۲- ۲. طباطبائی، محمد حسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه موسوی، محمدباقر؛ ج ۸، ص ۹۹.

در این مورد برخی صاحب نظران مثل آقای قرائتی تأکید دارند که در مورد لباس، بهتر است انسان لباس تمیز و سفید و معطر را برای نماز انتخاب کند، چرا که به دیدار خدا می رود. شرط ادب در چنین دیداری استفاده از بهترین لباس هاست. (۱)

از سوی دیگر از نظر متون اسلامی ظاهر انسان دلالت بر باطن می کند و بین ظاهر و باطن، رابطه ای محکم برقرار است.

کسی که از جهت ظاهری، خوب خود را آماده کرده است، قطعاً در باطن نیز آمادگی خواهد داشت.

از سوی دیگر تمیز بودن و همراه داشتن زینت در هنگام رفتن به مسجد، کودکان و نوجوانان را نیز مورد تأثیر قرار می دهد و در آن ها رغبت آمدن به مسجد را زیاد می کند.

ص: ۱۶۴

۱- ۱. قرائتی، محسن؛ آشنایی با نماز برای نوجوانان، ص ۳۱.

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی تمیمی، محسن؛ عبدالواحد؛ معجم الفاظ، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه مصطفی درایتی، چاپ قم، مرکز الابحاث والدراسات اسلامیه، ۱۳۷۲ ه. ش.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۷ ق، با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم.
۵. ابن الحسین بن فارسی زکریا، مقایس اللغه، چاپ بیروت، دوم، دار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن منظور، لسان العرب، چاپ بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق.
۷. ابی جعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی، محاسن با تصحیح و تعلیق، جلال الدین حسینی، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۸. ابی عبدالله، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ه. ق.
۹. احسانبخش، شیخ صادق، آثارالصادقین، چاپ اولی، رشن نشر صادقین، ۱۳۷۷ ه. ش.
۱۰. احمد فتح الله، معجم الالفاظ فقه جعفری، بی نا، ۱۴۱۵ ه. ق.
۱۱. اریکسون، دیچردس، ارسن - د - هیگلگارد، زمینه روان شناسی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۷ ه. ش، مترجمان: ابراهیمی، محمد تقی، بینسرشک، بهروز، سیف، علی اکبر، طریقی، شکرالله، علمایی زند، شاهین، محیط احمد، مهدی محیی الدین.
۱۲. اکبری، محمدرضا، تفسیر نماز، چاپ اول، پیام آزادی، تهران، ۱۳۸۱ ه. ش.
۱۳. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، چاپ ششم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ ه. ش.
۱۴. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، چاپ نوزدهم، قم، ام ابیها،

۱۵. ایزدی، سیروس، روان شناسی شخصیت از دیدگاه مکاتب، چاپ دهخدا، تهران، ۱۳۵۶ ه. ش.

۱۶. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.

۱۷. بالایان، مسروب، روان شناسی بلوغ.

۱۸. بانکی پورفرد، امیر حسین، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۹. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، مترجم: محمد رضا عطایی، چاپ اول، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ه. ش.

۲۰. بیابانگرد، اسماعیل، روان شناسی نوجوان، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ه. ش.

۲۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ سیزدهم، تهران، جاویدان، ۱۳۶۰ ه. ش.

۲۲. پور افکاری، نصرت الله، فرهنگ جامع روان شناسی و روان پزشکی انگلیسی به فارسی، چاپ دوم، تهران، نوبهار، ۱۳۷۶ ه. ش.

۲۳. جمال فر، سیاوش، روان شناسی شخصیت، نشر روان، تهران، ۱۳۷۸ ه. ش.

۲۴. جوادی آملی، عبدالله، اسرارالعبادات، چاپ سوم، قم، اسراء، ۱۳۷۰ ه. ش.

۲۵. جوادی آملی، عبد الله، حکمت عبادات، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ه. ش.

۲۶. جوادی، محمد جعفر، کدیور، پروین، روان شناسی شخصیت، چاپ تهران، ۱۳۷۲ ه. ش.

۲۷. جهانگرد، یدالله، نحوه رفتار والدین با فرزندان، چاپ دوم، تهران، انجمن اولیاء مریبان، ۱۳۷۲ ه. ش.

۲۸. حجتی، محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ نشر فرهنگ اسلامی.

۲۹. حرّانی، ابو محمد، تحف العقول، حسن زاده، صادق، چاپ اول، قم، آل علی، ۱۳۸۲ ه. ش.

۳۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق.
۳۱. حق جو، محمد حسین، آیین ارشاد و هدایت نسل جوان، چاپ اول، قم، نشر نهضت، ۱۳۷۵ ه. ش.
۳۲. خادمی، عین الله، بررسی عوامل مؤثر درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان از دیدگاه مریبان تربیتی ناحیه ۲ آموزش و پرورش، قم، در سال ۱۳۷۹، چاپ اول، اداره کل آموزش و پرورش، قم، شورای تحقیقات، ۱۳۷۹ ه. ش.
۳۳. خادمی کوشا، محمدعلی، جوان در پرتوی اهل بیت (ع)، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۳۴. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، چ ۲، تربیت دینی، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، زیر نظر علی رضا اعرافی.
۳۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، قم، شاکر، ۱۳۷۹ ه. ش.
۳۶. دلخوشنواز، هاشم، روان شناسی شخصیت کودک و نوجوانان، چاپ تهران، مروی، ۱۳۶۹ ه. ش.
۳۷. دوروم، دورلین، سیری در بلوغ، چاپ تهران، طوسی ۱۳۵۴، مترجمان کاظم سامی و محمود ریاضی.
۳۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ه. ش.
۳۹. راشدی، حسن، نماز شناسی، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ه. ش.
۴۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات قرآن، با تحقیق صفوان عدنان داوودی، چاپ دارالقلم، دمشق، ۱۹۹۶ م.
۴۱. رضوان طلب، محمدرضا، پرستش آگاهانه، چاپ سوم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۶ ه. ش.
۴۲. زین العابدین بن علی، مئیالمربید فی آداب المفید والمستفید، ترجمه محمد باقر حجتی، چاپ تهران، ۱۳۶۷ ه. ش.

۴۳. سعادت، محمد علی، شیوه های برخورد با نوجوانان، چاپ یازدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱ ه. ش.
۴۴. شاهلویی پور، فضل الله و قائمی، پروین، روان شناسی بلوغ و تربیتی جنسی کودکان و نوجوانان، چاپ تهران، انتشارات حسام، ۱۳۷۰ ه. ش.
۴۵. شایان مهر، علی رضا، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
۴۶. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۴ ه. ش.
۴۷. شریعتمداری، جعفر، شرح لغات و تفسیر قرآن بر اساس تفسیر نمونه، چاپ مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ه. ش.
۴۸. شهید اول، لمعه دمشقیه، چاپ بیروت، مشکات الاعلامی الاسلامی، ۱۴۰۶ ه. ق.
۴۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، چاپ یازدهم، قم، انتشارات اسلامی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ۱۳۷۸ ه. ش.
۵۰. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، چاپ تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ترجمه علی کرمی، ۱۳۸۰ ه. ش.
۵۱. طبرسی، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، با تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه. ق.
۵۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چاپ نجف، آداب، ۱۳۴۰ ه. ق.
۵۳. طوسی ابی جعفر محمد بن الحسن، الامالی، چاپ اول، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ه. ق.
۵۴. عفیف، عبدالفتاح طیاره، روح الصلاه فی الاسلام، چاپ بیروت، ۱۳۹۲ ه. ق.
۵۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ یازدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ه. ش.
۵۶. غلامعلی، افروز، روان شناسی تربیت کار بردی، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ ۱۳۷۲ ه. ش.
۵۷. غلامعلی، افروز، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و

نوجوانان، چاپ ششم، تهران انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۷ ه. ش.

۵۸. فرهادیان، رضا، اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۷ ه. ش.

۵۹. فرهادیان، رضا، والدین و مربیان، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ه. ش.

۶۰. فرید، مرتضی، الحدیث، روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (ع)، چاپ نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ ه. ش.

۶۱. فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۱ ه. ش.

۶۲. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات، چاپ دوازدهم، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، بی تا.

۶۳. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، چاپ تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۴ ه. ش.

۶۴. فیض کاشانی، ملامحسن، محجعالیضاء، با تصحیح علی غفاری، چاپ بیروت، مؤسسه الاعلای للمطبوعات، ۱۴۰۳ ه. ق.

۶۵. قائمی، شناخت و هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ انتشارات امیر، ۱۳۷۲ ه. ش.

۶۶. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲ ه. ش.

۶۷. قائمی، علی، دنیای نوجوان دختران، چاپ انتشارات امیری، ۱۳۷۰ ه. ش.

۶۸. قائمی، علی، زمینه تربیت، چاپ هفتم، انتشارات امیری، ۱۳۷۰ ه. ش.

۶۹. قائمی، علی، هدایت نوجوان به سوی نماز، چاپ تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۶ ه. ش.

۷۰. قرائتی، محسن، آشنایی با نماز برای نوجوانان، چاپ تهران، وزارت فرهنگ انتشارات اسلامی، بی تا.

۷۱. قرائتی، محسن تفسیر نور، چاپ قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۴ ه. ش.

۷۲. قرائتی، محسن، راز نماز برای جوانان، تدوین جواد محدثی، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ه. ش.

۷۳. قرائتی، محسن، همراه با نماز، با همکاری سید جواد بهشتی، چاپ پنجم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ ه. ش.
۷۴. قره بیگلر، محمد و کریمیان، رضا، روان شناسی و مسایل نوجوانان و جوانان، چاپ اول، امیر، تهران، ۱۳۸۰ ه. ش.
۷۵. قمی، ابی جعفر محمدبن علی بن الحسین بابویه، شیخ صدوق، معانی الاخبار، با تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ قم، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۱ ه. ش.
۷۶. قمی، امالی صدوق، چاپ سوم، تهران، کتاب روش اسلامی، ۱۳۵۵ ه. ش.
۷۷. قمی، خصال صدوق، با تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ ه. ق.
۷۸. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، مترجم الهی قمشه ای، چاپ اول، قم، سیمای ولایت، ۱۳۸۲ ه. ش.
۷۹. قمی، علل الشرائع، چاپ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۶ م.
۸۰. قمی، من لایحضر الفقیه، چاپ دوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ه. ق.
۸۱. کریمیا، زهرا، روش های جذب کودکان به نماز، مرکز آموزش خواهران، پایان نامه سطح ۲، معارف اسلامی و تبلیغ، استاد راه نما دکتر علی نقی فقیهی، استاد مشاور: دکتر حاجی ده آبادی، ۸۰-۱۳۷۹ ه. ش.
۸۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق، فروع کافی، چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ ه. ش.
۸۳. کلینی، اصول کافی، با ترجمه و شرح، چاپ سوم، اسوه، ۱۳۷۵ ه. ش.
۸۴. گرامی، آیت الله محمد علی، اخلاق و عرفان در وضو و نماز، چاپ اول، قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۶ ه. ش.
۸۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۸۶. مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین، چاپ مکرر، فؤاد، تهران، ۱۳۶۹ ه. ش.
۸۷. مجله پیام زن، ۱۳۷۳ ه. ش.

۸۸. مجموعه روایت جوان، چاپ نشده، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۸۹. محمدی ری شهری، محمد، الصلاة فی الكتاب والسنه، چاپ اول، دارالحدیث مترجم، عبدالهادی مسعودی ۱۳۷۷ - قم.

۹۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ اول، دارالحدیث با ترجمه حمید رضا شیخی - قم.

۹۱. مشکینی، علی، دروس فی الاخلاق، چاپ قم، نشر الهادی ۱۳۷۴ ه. ش.

۹۲. مصطفوی، حسن، ترجمه و شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، چاپ تهران، قلم، ۱۳۶۳ ه. ش.

۹۳. معزّی الملایری، شیخ اسماعیل، جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ قم، مهر ۱۳۷۱ ه. ش.

۹۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ ه. ش.

۹۵. مکارم شیرازی، آیت الله ناصر، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، چاپ نوزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش.

۹۶. مکارم شیرازی، قرآن کریم.

۹۷. موسوی خمینی، آیت الله روح الله، صحیفه نور، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ه. ش.

۹۸. موسوی خمینی، روح الله، آداب نماز، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳ ه. ش.

۹۹. موسی زاده، ابراهیم، نماز و آثار آن در دوران جوانی، چاپ اول، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۰۰. مؤلفان دوان شولتز، و سیدنی شولتز، نظریه های شخصیتی، مترجم، سید یحیی محمدی، چاپ دوم، تهران نشر هما، ۱۳۷۸ ه. ش.

۱۰۱. مؤلفان مصباح - علی، زارعان، محمدجواد، بی ریا، ناصر، آقا تهرانی، مرتضی... روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، قم، مهر ۱۳۷۴ ه. ش.

۱۰۲. نجاتی، حسین، روان شناسی کودک، چاپ تهران، بی کران، ۱۳۷۷ ه. ش.

۱۰۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ه. ق.

۱۰۴. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چاپ اول، مؤسسه انتشارات هجرت ۱۳۷۱ ق.م.

۱۰۵. نراقی، مهدی، جامع السعاده، مترجم، جلال الدین مجتبوی، چاپ چهارم، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶، تهران.

۱۰۶. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، چاپ ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ ه. ش.

۱۰۷. ورام بن فراس، مجموعه ورام، چاپ قم، انتشارات مکتبهاالفقیه.

۱۰۸. هاشمی، الخوئی، حاج میرزا، حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، با تصحیح و تعلیق ابراهیم میانجی چاپ چهارم، بنیاد فرهنگ امام مهدی (عج)، ۱۳۶۰ ه. ش.

۱۰۹. هاشمی، سیدمجتبی، تربیت شخصیت انسانی، چاپ اول، قم، مرکز دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۴ ه. ش.

۱۱۰. هندی، علاءالدین بن علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی السنن والاقوال، با تصحیح و تعلیق شیخ بکر حبانى، چاپ مؤسسه رسالت ۱۴۰۹ ه. ق.

۱۱۱. یادگاری، عبدالمهدی، و عاقل فاخر، فرهنگ روان شناسی روان پزشکی، انگلیسی و فارسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۶ ه. ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

